

رساله دوم پولس رسول به قرنتیان

مقدمه

دومین رساله پولس رسول به قرنتیان در حوالی سال ۵۶ میلادی، یکی دو سال پس از نوشتن اولین رساله به قرنتیان، در ایالت مکادونیه، واقع در شمال یونان فعلی برشته تحریر در آمد.

مدتی پس از ارسال رساله اول به قرنتیان، پولس رسول مطلع شد که اوضاع روحانی کلیسای قرنتس رو به وخامت نهاده است. لذا، پولس که در آن زمان در شهر افسس اقامت داشت، نامه‌ای جدی و شدیدالحن به قرنتیان نوشت و آن را بدست تیطس به کلیسای قرنتس ارسال داشت (دوم قرنتیان ۲: ۳-۴). این رساله پولس مفقود شده و هیچ اثری از آن در دست نمی‌باشد^۱. پس از آنکه مدتی گذشت و از تیطس خبری نرسید، پولس نگران حال شاگرد محبوب خود شده، برای کسب حال وی به ایالت مکادونیه سفر کرد (دوم قرنتیان ۲: ۱۲-۱۴). پولس در آنجا تیطس را پیدا کرده، از اوضاع و احوال امیدوار کننده کلیسای قرنتس باخبر گردید. بنا به گفته تیطس، ایمانداران قرنتس، به گناهان خود پی برده، از اعمال زشت خود توبه نموده بودند. پس از دریافت آن خبر خوش (توبه ایمانداران قرنتس)، پولس نامه سومی به کلیسای قرنتس روان کرد که همین رساله‌ای است که به «رساله دوم پولس رسول به قرنتیان» مشهور شده است^۲.

رساله دوم پولس رسول به قرنتیان، خصوصی‌ترین رساله پولس رسول در کتاب عهدجدید بشمار می‌رود. در این رساله، پولس دل خود را برای قرنتیان و ما گشوده، به اصطلاح درددل می‌کند. از فحوای این رساله، به خصوصیات اخلاقی و فردی پولس پی برده، از شخصیت باطنی این رسول پُرکار و صدیق خداوند آگاه می‌شویم. جهت اطلاع بیشتر از چگونگی کار و خدمت پولس رسول به مقدمه رساله پولس رسول به رومیان مراجعه نمایید.

۱- برخی از مفسرین معتقدند که آن رساله شدیدالحن، همان رساله اول پولس رسول به قرنتیان است. ولی به عقیده اکثر مفسرین کتاب مقدس، رساله مذکور نامه‌ای سواى رساله اول پولس به قرنتیان می‌باشد که بنا به دلایل نامشخصی از بین رفته است.

۲- از این خاطر که رساله دوم پولس به قرنتیان مفقود گردیده است، رساله حاضر که در حقیقت رساله سوم پولس رسول است، با عنوان رساله دوم معروف گردیده است.

رئوس مطالب

- الف) سختیها و سفرهای پولس رسول (۱:۱ - ۱۱:۲).
- ۱- زحمات و تسلی پولس (۱:۱-۱۱).
 - ۲- تغییرات برنامه سفر پولس (۱:۱۲ - ۲:۴).
 - ۳- نصیحت و تعلیم در رابطه با گناهکار سابق (۲:۵-۱۱).
- ب) طبیعت خدمت مسیحی (۲:۱۲-۷:۱۶).
- ۱- عظمت انجیل (۲:۱۲ - ۴:۶).
 - ۲- رنجها و جلال خدمت (۴:۷ - ۵:۱۰).
 - ۳- کار و مشقت خدمت (۵:۱۱ - ۶:۱۳).
 - ۴- شادی و پاداش معنوی خدمت (۶:۱۴ - ۷:۱۶).
- ج) جمع‌آوری هدایا برای فقیران (۸:۱ - ۹:۵).
- ۱- لزوم نشان دادن سخاوت (۸:۱-۱۵).
 - ۲- سازمان‌دهی جمع‌آوری هدایا (۸:۱۶ - ۹:۵).
 - ۳- مبانی و اصول انفاق مسیحی (۹:۶-۱۵).
- د) اقتدار روحانی پولس به عنوان رسول مسیح (۱۰:۱ - ۱۳:۱۴).
- ۱- حقوق یک رسول (۱۰:۱ - ۱۱:۱۵).
 - ۲- دفاعیه پولس از رسالت خویش (۱۱:۱۶ - ۱۲:۱۰).
 - ۳- محبت و نگرانیهای پولس (۱۲:۱۱ - ۱۳:۱۴).

باب ۱ زحمات پولس و آرامش او (۱:۱-۱۱)

۱ در زمان نگارش این نامه، تیموتائوس همکار و فرزند روحانی پولس رسول در کنارش بود (اعمال ۱:۱۶-۵؛ ۲۲:۱۹؛ اول قرن‌تبیان ۱۷:۴؛ فیلیپان ۲:۲۲ را مشاهده کنید). بنابراین، پولس نام تیموتائوس را در مقدمه رساله‌اش ذکر می‌کند، گویی که تیموتائوس در نگارش او را کمک کرده است. پولس این رساله را فقط برای کلیسای قرنتس نوشته است. بلکه مخاطبین وی عبارتند از همه مقدسینی که در تمام آخائیه^۳ هستند.

سلام و تهنیت پولس، در تمام رسالاتش شبیه یکدیگر است (رومیان ۱:۱؛ غلاطیان ۱:۱؛ افسسیان ۱:۱ و تفسیر آن را مشاهده کنید).

۲ رومیان ۷:۱؛ افسسیان ۲:۱ و تفسیر آن را مشاهده کنید.

۳-۴ یکی از مهم‌ترین تعلیمات انجیل عیسی مسیح، تعلیم و پیامی که جهان نیازمند شنیدنش می‌باشد، اینست که خدا پدر رحمتها و خدای جمیع تسلیات است (مزمو ۵:۸۶، ۱۵؛ ۱۰۳:۱۳-۱۴). او همیشه ما را در تنگیها و سختیهایمان یاری و تسلی می‌بخشد. و به خاطر تسلی خداست که ما نه تنها قدرت ایستادگی در شرایط ناگوار را داریم، بلکه در سختیها شادی نیز خواهیم نمود (دوم قرن‌تبیان ۱۰:۱۲؛ یعقوب ۲:۱-۳).

خدا به چند دلیل ما را تسلی می‌دهد. نخست، او ما را تسلی می‌دهد، زیرا مانند پدری که فرزندانش را دوست دارد، نسبت به ما محبت دارد. دوم، خدا ما را در غمهایمان تسلی عطا می‌کند تا دیگرانی را که در غم هستند، تسلی دهیم. ما مسیحیان مانند لوله‌های آب هستیم که محبت و تسلی خدا در ما وارد شده، به سوی دیگران جاری می‌شود. مفت یافته‌اید مفت بدهید (متی ۸:۱۰).

۵ همراه تسلیات مسیح، دردهای مسیح در مازیاده می‌شود. ما مسیحیان خوانده شده‌ایم که شریک رنجها، اهانتها، دردها، و حتی مرگ مسیح گردیم (فیلیپان ۳:۱۰؛ اول پطرس ۴:۱۳ و تفسیر آن را مشاهده کنید). اگر طالب پیروی از مسیح هستیم، بایستی آماده شریک شدن در رنجهای او نیز باشیم (یوحنا ۱۵:۲۰؛ رومیان ۸:۱۷؛ دوم تیموتائوس ۳:۱۲ و تفسیر آن را مشاهده کنید).

ولی هر چه دردهای مسیح در ما افزوده گردد، به همان نسبت تسلی ما نیز بوسیله مسیح می‌افزاید (رومیان ۸:۱۸؛ دوم قرن‌تبیان ۴:۱۶-۱۷).

به خاطر داشته باشیم که اگر برای مسیح زحمت دیدیم، تسلی و برکات بی‌شمار دیگری دریافت خواهیم نمود. ولی اگر زحمت ما به خاطر گناهان و کژ رفتارهایمان باشد، آنگاه بجای تسلی، تأدیب خداوند را دریافت خواهیم کرد.

۶ در اینجا پولس یک اصل مهم زندگی مسیحی را بیان می‌کند: اما خواه زحمت کشیم، این است برای تسلی و نجات شما، و خواه تسلی پذیریم این هم بجهت تسلی و نجات شما است. در مسیر موعظه کلام و رساندن مژده نجات به قرن‌تبیان، پولس متحمل زحمات و سختیهای بسیاری شده بود. ولی آن زحمات به تسلی و نجات قرن‌تبیان منتهی گردیده بود.

زمانی که به خاطر انجیل و عیسی مسیح در غم و سختی قرار می‌گیریم، خداوند به طرز اسرارآمیزی، قدرت و قابلیت تسلی بخشیدن به دیگران را به ما عطا می‌فرماید. به این ترتیب، آنکه بیشترین زحمت را دیده است، قادر است که به بهترین وجهی موجب تسلی رنج‌دیدگان شود. اشعیای نبی در یکی از پیشگوییهای خود

۳- شهر قرنتس، مرکز ایالت اخائیه واقع در جنوب کشور یونان است.

تنگیهای ما جهت برکت به دیگران استفاده می‌کند. رنجهای ما فرصتی است جهت تجربه نمودن شفای خداوند. هرگاه درمانده و مأیوس شویم، آنگاه خدا تسلی و قوت خود را به ما عطا خواهد فرمود.

۱۱ پولس به قرنیتیان می‌گوید: و شما نیز به دعا در حق ما اعانت می‌کنید. معمولاً خدا بوسیله دعا‌های ایمانداران عمل می‌کند. تمامی قوت و قدرت ما ایمانداران از سوی خداست و بوسیله دعاست که از خدا نیرو می‌گیریم. خدا قادر به هر کاری می‌باشد، ولی معمولاً فقط آنچه را که در دعا از او خواسته باشیم، انجام خواهد داد.

دعاها و شفاعت‌های ایمانداران قرنیتس برای پولس بسیار کارساز بوده است. اگر آنها دعا نمی‌کردند، چه بسا ممکن بود که پولس از آن خطرات و سختی‌ها رهایی پیدا نمی‌کرد! پس به یاد داشته باشیم که اغلب کارهای بزرگ خدا حاصل دعاها و شفاعت‌های فرزندان‌ش است. از دعا کردن برای یکدیگر غافل نشویم!

اگر در دعا تلاش کنیم، خدا برکات بی‌شماری را نصیب ما و اطرافیانمان خواهد نمود. و زمانی که از خدا برکات بی‌شمارش را دریافت می‌کنیم، از دعا و شکرگزاری غافل نشویم!

تغییر نقشه پولس (۱۲:۱-۲۴)

۱۲-۱۴ برخی از مسیحیان قرنیتس به مخالفت با پولس برخاسته بودند و پشت سر او غیبت و بدگویی می‌کردند. ولی در اینجا پولس اطمینان می‌دهد که در رابطه با ایشان **با قدوسیت و اخلاص رفتار کرده است.** او در مورد آنها **به فیض الهی رفتار نموده** (اول قرنیتیان ۱۵:۱۵ را

۴- منظور ایالت آسیا است که در غرب ترکیه فعلی قرار داشت. افسس از شهرهای عمده این ایالت بود.

در مورد مسیح می‌گوید: **از زخمهای او ما شفا یافتیم** (اشعیاء ۵۳:۵). درس و حقیقت مهم روحانی این آیه اینست که در رنج و سختی، نیروی عظیمی جهت تسلی دیگران نهفته است. بنابراین، اگر در رنج و زحمت و سختی قرار گرفتیم، به یاد بیاوریم که خدا به خاطر زحماتمان به ما قدرت شفا و تسلی دیگران را عطا خواهد فرمود. محبت و فروتنی واقعی در زمان رنج قابل رویت خواهد بود. و در موقع ضعف ماست که مسیح خواهد توانست قدرت و فیض خود را از طریق ما جاری ساخته، دیگران را تسلی، شفا، و آرامش بخشد (دوم قرنیتیان ۹:۱۲-۱۰ و تفسیر آن را مشاهده کنید).

پولس می‌گوید: همچنانکه من تسلی پذیرفتم، شما نیز تسلی خواهید پذیرفت. زیرا که قرنیتیان نه تنها در رنجها و غمهای پولس بلکه در تسلیات و خوشیهای او نیز شریک هستند. قرنیتیان با مشاهده رنجهای پولس و تسلی و خوشی او، قوت قلب خواهند گرفت.

۷ و همانطور که قرنیتیان در غمها و تسلی و خوشیهای پولس شراکت یافتند، ما نیز باید در غمها و شادیها و تسلیات یکدیگر شریک باشیم. ما همگی اعضای یک بدن هستیم، زمانی که عضوی دچار درد و ناراحتی شود، تمام وجود در ناراحتی و زحمت قرار خواهد گرفت (اول قرنیتیان ۱۲:۲۶-۲۷ و تفسیر آن را مشاهده کنید).

۱-۱۰ در اینجا پولس در باره سختیهایی که در آسیا^۴ عارض او شده بود سخن می‌راند (آیه ۸). به احتمال زیاد، در اینجا پولس به وقایع اعمال ۱۹:۲۳-۴۱ اشاره می‌کند.

پولس رسول از سختیها و تنگیهایش درسی مهم فرا گرفته بود. پولس آموخته بود که در تمامی آن سختیها و تنگیها، به خدا تکیه کرده، از او که قادر به رهاندنش است، قوت و یاری بگیرد.

به یاد داشته باشیم که خدا از سختیها و

شده بود، به سوی **یهودیه**^۵ حرکت کرد (اول قرن‌تیاں ۱۶:۳-۴).

۱۷ به دلیل این تغییر نقشه پولس بود که برخی از مخالفان او شروع به بدگویی و غیبت کردند که «یک روز پولس می‌گوید "من به نزد شما خواهم آمد" و روز بعد نظرش را تغییر می‌دهد. امروز می‌گوید "بلی" ولی فردایش می‌گوید "نه"، باین ترتیب، چگونه می‌شود به گفتار او اعتماد نمود؟»

۱۸-۲۰ در اینجا پولس به این اتهامات پاسخ می‌دهد. وی می‌گوید: «سخنان من قابل اعتماد است و می‌توانید روی سخنان من حساب کنید. من هرگز بدون دلیل و بی‌جهت نقشه‌های خود را تغییر ندادم. بلکه تغییر نقشه‌های من به خاطر هدایت روح‌القدس بوده است.»

ولی هر چند که برنامه‌های انسانها دچار تغییر خواهد شد، ولی انجیلی که پولس و تیموتائوس و سیلاس به آن موعظه می‌کنند هرگز دچار تغییر نخواهد شد. انجیل مسیح هرگز امروز «بلی» و فردا «نه» نیست. انجیل مسیح همیشه «بلی» خواهد ماند؛ انجیل همیشه حقیقت خواهد داشت. **خدا آمین است** (آیه ۱۸). وعده‌هایی که خدا داده است همه در او (عیسی مسیح) **بلی است** (آیه ۲۰)؛ یعنی اینکه تمامی وعده‌های او در عیسی مسیح به انجام خواهد رسید (لوقا ۲۴:۴۴). و به این دلیل ما قادر هستیم که به خاطر هر آنچه که عیسی مسیح برای ما انجام داده است، بگوییم «**آمین**»^۶.

سیلاس (نام یونانی او سیلوئوس بود) یکی از رهبران کلیسای اورشلیم بود. سیلاس در دومین سفر بشارتی پولس، او را همراهی کرده بود

۵- یهودیه، استان جنوبی اسرائیل می‌باشد و شهر اورشلیم مرکز آن استان است.

۶- در زبان عبری، گویش یهودیان، به جای گفتن «بلی» می‌گویند «**آمین**».

مشاهده کنید). پولس می‌خواهد کلیسای قرن‌تس این مطلب را درک کند تا اینکه **در روز عیسی خداوند** (آیه ۱۴)، یعنی، به هنگام بازگشت ثانوی عیسی، هم او و هم کلیسای قرن‌تس بتوانند به یکدیگر **فخر** کنند (اول تسالونیکیان ۱۹:۲ را مشاهده کنید).

پولس در آیه ۱۲ می‌گوید که **ضمیرش شهادت** می‌دهد که او با قدوسیّت و تواضع رفتار کرده است. وجدان پولس راحت بود و او را ملامت نمی‌کرد. **وجدان** پولس پاک بود. رابطه او با خدا سالم بود و با خدا در مشارکت و رفاقت بسر می‌برد. به همین دلیل، قدرت خدا در زندگی او همیشه به ظهور می‌رسید و حضور خدا در زندگیش مشخص بود. اگر قدرت روحانی در زندگی ما وجود ندارد، شاید دلیلش این باشد که وجدانمان پاک و بی‌ملامت نیست، یعنی گناهی اعتراف نکرده در زندگی ما وجود دارد که حاضر به توبه و بازگشت از آن نیستیم. تا وقتی که از آن گناهان توبه و بازگشت نکرده باشیم، خدا دعاهايمان را نخواهد شنید و در نتیجه برکتی از سوی او دریافت نخواهیم کرد (مزمو ۶۶:۱۸).

۱۵-۱۶ پولس در آیه ۱۵ می‌نویسد: **و بدین اعتماد** (اعتماد به اینکه قرن‌تیاں به پولس رسول به عنوان رسول حقیقی خود افتخار خواهند کرد) **قبل از این خواستم به نزد شما آییم.** از آنجا که پولس اطمینان داشت که ایمانداران کلیسای قرن‌تس، او را به عنوان رسول حقیقی خود خواهند پذیرفت، قصد داشت که در راه خود به مکادونیه، مدتی در قرن‌تس توقف کند. ولی پس از آنکه با خبر شد که عده‌ای در کلیسای قرن‌تس با وی سر به مخالفت برداشته‌اند، از تصمیم خود مبنی بر سفر به قرن‌تس و توقف در آنجا منصرف شد و مستقیماً به مکادونیه رفت (اول قرن‌تیاں ۵:۱۶). بنابراین، پس از مسافرت به مکادونیه و قرن‌تس، جهت رساندن کمک‌های مالی که جهت ایمانداران بی‌بضاعت گردآوری

از روح‌القدس مسح شده است و مَهْر روح بر او زده شده است و بیعانه روح را از سوی خدا دریافت کرده است. و زمانی که به بهشت (آسمان) رود، خداوند میراث کاملش را به وی خواهد داد.

۲۳ پولس رسول پس از نگارش اولین رساله خود به قرن‌تیان، به آنجا رفت و مدت کوتاهی در میان ایمانداران قرن‌تس سپری نمود. آن ملاقات باعث حزن پولس شد (۱:۲). به همین دلیل پولس نمی‌خواست که در آینده نزدیک مجدداً به قرن‌تس مراجعت کند؛ زیرا اگر به زودی نزد ایشان باز می‌گشت، ممکن بود که با روحیه ملامت و توبیخ با آنها روبرو شود (اول قرن‌تیان ۴:۲۱). او نمی‌خواست که ملاقاتش با قرن‌تیان مایه درد و حزن باشد.

۲۴ هر چند که پولس جهت تنبیه و توبیخ قرن‌تیان از قدرت و اختیار کامل برخوردار بود، ولی نمی‌خواست بر آنها ریاست کند (اول پطرس ۲:۵-۳). عیسی مسیح تنها رئیس و خداوند کلیسا می‌باشد و هر کس در مقابل عیسی مسیح خواهد ایستاد (رومیان ۴:۱۴). پولس نمی‌خواست خود را بر مسند قضاوت و ریاست بر ایمان قرن‌تیان قرار دهد. برعکس، او می‌خواست باعث تقویت ایمان آنها شده، آنها را تشویق کند؛ زیرا که آنها بوسیله ایمان خود، توانایی و استقامت در مقابل سختیها را بدست خواهند آورد و به وسیله پایداری، شادی خداوند را تجربه خواهند نمود (فیلیپیان ۱:۲۵-۲۶ را مشاهده کنید).

باب ۲

نامه گمشده پولس (۲:۱-۴)

۱ پس از آنکه پولس رسول اولین رساله خود به قرن‌تیان را نوشت، سفری حزن‌آمیز به قرن‌تس داشت (۲ قرن‌تیان ۱۳:۲). در آن زمان، عده بسیاری در کلیسای قرن‌تس با پولس رسول مخالف می‌ورزیدند. بنابراین، پس از مراجعت

(اعمال ۱۵:۴۰). و زمانی که پولس به شهر قرن‌تس رفت تا کلیسای قرن‌تس را پایه‌گذاری کند، تیموتائوس و سیلاس، همراه او بودند (اعمال ۱۸:۵).

۲۱-۲۲ خدا ما را در مسیح استوار می‌گرداند و همانگونه که خدا، پولس را مسح کرد، او ما را نیز با روح‌القدس «مسح» خواهد نمود. یعنی اینکه او ما را به خدمت خواهد گماشت و به ما قدرت و فیض انجام وظیفه عطا خواهد نمود (یوحنا ۲۰:۲۱؛ اول یوحنا ۲:۲۰، ۲۷ را مشاهده کنید). او ما را با مَهْر مالکیت خود مَهْر نموده است (آیه ۲۲)؛ آن مَهْر همان مَهْر روح‌القدس است که به ما عطا شده است (افسیسیان ۱:۱۳؛ ۴:۳۰). در زمان نگارش عهدجدید، مَهْر نشانه مالکیت و تعلق بود. و زمانی که شخصی مَهْر خود را بر چیزی قرار می‌داد، به این معنی بود که او صاحب آن کالا است. به همین شکل، اینکه که خدا مَهْر روح‌القدس را بر ما قرار داده است، خدا بر ما نشانه‌ای گذاشته است حاکی بر اینکه ما به او تعلق داریم و متعلق به مسیح می‌باشیم. مسیح، ما را با «خون خود» خریداری کرده است (اول قرن‌تیان ۶:۱۶-۲۰ و تفسیر آن را مشاهده کنید). به همین خاطر است که مَهْر روح‌القدس را یافته‌ایم و اطمینان داریم که به عیسی مسیح متعلق هستیم (رومیان ۸:۱۶؛ اول یوحنا ۴:۱۳ را مشاهده کنید).

خدا روح‌القدس خود را در قلبهای ما قرار داده است (آیه ۲۲). روح‌القدس مانند بیعانه‌ای است که پاداش نهایی ما را تأیید و تأکید می‌کند (افسیسیان ۱:۱۴). اینک و در این عالم، فقط بخشی از آن میراثی را که برای ما فرزندان خدا مهیا شده است به صورت بیعانه دریافت کرده‌ایم؛ ولی در ملکوت آسمان، خداوند تمامی میراث ما (روح‌القدس) را به طور کامل به ما خواهد داد (رومیان ۸:۲۳).

پس نتیجه می‌گیریم که هر ایماندار به مسیح

بود و در اول قرن‌تیان ۵:۱-۵ به وی اشاره شده بود.

پولس رسول به کلیسای قرن‌تس می‌گوید که آن شخص باعث غم **جميع شما** گشته است. ولی با این همه، پولس قصد ندارد که در این مورد زیاده از حد سخت‌گیری کند، پس می‌گوید: **تا بار زیاده نهاده باشم**.

۶-۱ در هر حال هویت آن شخص اهمیت چندانی ندارد، آنچه مهم است، اینست که پولس می‌گوید تنبیهی که به آن خطاکار وارد شده **کافی است** (آیه ۶). از این گفتار پولس می‌توان نتیجه گرفت که آن مرد توبه کرده است. در اینجا پولس رسول یک اصل مهم را به کلیسا می‌آموزد. کلیسا باید همیشه آماده باشد افراد توبه‌کار را، صرف‌نظر از شدت و حدت گناه مرتکب شده، **عفو نموده، تسلی دهد** (آیه ۷). ما باید **با او محبت خود را استوار نماییم** (آیه ۸). اگر این کار را انجام دهیم، به شخص خاطی ثابت خواهیم کرد که به خاطر محبت کلیسا به او بوده است که او را تنبیه نموده‌ایم و این گناه است که مورد تنفر کلیسا قرار دارد نه شخص گناهکار.

کلیسا باید آماده پذیرفتن کامل توبه‌کاران به کلیسا باشد، این عمل نشانه حسن نیت و علامت محبت کلیسای عیسی مسیح و ما ایمانداران برای اشخاص گناهکار می‌باشد. این تنها دلیل توبیخ و تنبیه است. توبیخ و تنبیه برای راندن گناهکاران از کلیسا منظور نشده است، بلکه دلیل توبیخ و تنبیه و تأدیب این است که گناهکاران از گناه خود توبه کرده به کلیسا بازگشت نمایند. تنبیه و تأدیب کلیسایی بایستی موجب توبه و بازگشت فرد خاطی به جماعت ایمانداران گردد (غلاطیان ۱:۶ را

از قرن‌تس، پولس نامه بسیار شدیداللحنی به کلیسای قرن‌تس نوشت. این نامه مفقود شده است (مقدمه دوم قرن‌تیان را مشاهده کنید).

۲ به سبب این خاطره تلخ بود که پولس نمی‌خواست به قرن‌تس سفر کند. وی زمانی مجدداً به قرن‌تس مسافرت خواهد کرد که سفرش همراه با خوشی و شادی متقابل باشد. پولس می‌دانست که اگر با **چوب** نزد ایشان برود (اول قرن‌تیان ۴:۲۱) کسی سبب **شادی** او نخواهد شد.

۳-۴ با مطالعه این آیات با قلب رؤوف پولس رسول آشنا می‌شویم. دل پولس رسول، مانند شبانی مهربان، رحیم بود و رقت قلب او باید سرمشق همه شبانان و خادمین کلیسای مسیح باشد. گرچه با تندى و جدیت به کلیسای قرن‌تس نامه می‌نوشت و با شدت ایشان را توبیخ می‌نمود، ولی این کار را **با حزن و دل‌تنگی سخت و با اشکهای بسیار**^۷ انجام می‌داد (آیه ۴). دلیل تندى و جدیت نامه‌های پولس رسول از این سبب بود که او می‌خواست «حزنى» که در میان او و کلیسای قرن‌تس بود بزودی برطرف شود و رابطه میان وی و کلیسای قرن‌تیان از نو با خوشی آمیخته گردد.

عفو خطاکار (۲:۵-۱۱)

۵ شخصی در کلیسای قرن‌تس مرتکب گناه گشته و **باعث غم شده** بود. گناه آن فرد، نه تنها باعث غم پولس گردیده بود بلکه کل کلیسا را دچار پریشانی و ناراحتی ساخته بود. اگر عضوی از اعضای کلیسا عملی شرم‌آور انجام دهد نه تنها خود را رسوا می‌کند، بلکه باعث غم و ناراحتی و شرم کلیسا نیز می‌گردد (اول قرن‌تیان ۱۲:۲۶).

از متن رساله، هویت آن شخص معلوم نمی‌شود ولی اغلب مفسران کتاب مقدس معتقدند که منظور پولس از آن شخص، همان کسی بود که با نامادری خود مرتکب زنا گردیده

۷- پولس مانند پدری مهربان بود که به حکم محبتی که به فرزندانش داشت، موظف به تنبیه کردن ایشان بود. هر پدر مهربانی، به هنگام تنبیه فرزندان محبوبش احساس حزن و دل‌تنگی سخت می‌کند.

مشاهده کنید).

باید دانست که اگر گناهکاری مایل به توبه و بازگشت نباشد، از کلیسا جدا باقی خواهد ماند. زیرا در غیر آن صورت، کلیسا به گناه آلوده خواهد شد.

۹ پولس رسول پیشتر در باره آن مردی که با نامادری خود رابطه جنسی داشت، نوشته بود و از کلیسا درخواست کرده بود که آن مرد را تنبیه کند (اول قرن‌تبیان ۵: ۲-۵). حال که آن فرد از کرده خود اظهار ندامت و پشیمانی کرده است، پولس به پذیرفتن آن شخص به میان جماعت ایمانداران، رضایت می‌دهد.

۱۰ حال اگر کلیسای قرنتس آماده بخشیدن آن فرد است، پولس نیز حاضر است او را ببخشد. تا جایی که به پولس مربوط می‌شود، موضوع خاتمه یافته است.

۱۱ اگر کلیسا گناهکاران را پس از توبه کردنشان نبخشد و برعکس ایشان را کماکان مورد ملامت قرار دهد، به شیطان مجالی دوباره داده است. اول اینکه، شخص گناهکار ممکن است بطور کامل از کلیسا جدا شده هرگز به آنجا باز نگردد، و در نتیجه خود را به ملکوت شیطان منتقل کند. ثانیاً خود ما نیز مرتکب گناه می‌شویم زیرا حاضر به بخشیدن برادر گناهکار خود نبوده‌ایم. هرگاه برادر خود را از صمیم دل نبخشیم، در حقیقت بر ضد او مرتکب گناه گردیده‌ایم. در این موقع است که شیطان از فرصتی که با ارتکاب گناه، برایش فراهم کرده‌ایم به جهت ضربه زدن و شکست دادن ما استفاده خواهد کرد. ابلیس دائماً مترصد فرصت است تا وارد قلب و روح ما شده ما را بر ضد برادران خود تحریک کرده وادار به گناه کند. بدین وسیله، وی خواهد توانست در کلیسا ایجاد نفاق و جدایی کند.

اعضای کلیسا باید با بخشیدن یکدیگر از صمیم قلب، در پی حفظ اتحاد و یگانگی با یکدیگر باشند. بخشیدن یکدیگر و اتحادی که

از آن حاصل می‌شود، بهترین و مؤثرترین طریق جهت عقیم ساختن **مکاید** (نقشه‌های پلید) شیطان برای ایجاد تفرقه و نفاق در کلیسا است. در کلیسا دو مطلب ضرورت دارد: اول محبت (یا اتحاد) و دیگر تقدس (یا حقیقت). این دو امر، باید همیشه در موازنه با یکدیگر قرار بگیرند. مثلاً اگر در جهت حفظ پاکی و تقدس کلیسا، سخت‌گیری بیش از حد به عمل بیاوریم، ممکن است محبت را نادیده گرفته بی‌رحمانه عمل کنیم! از سوی دیگر، اگر بیش از اندازه در پی محبت و رحمت بکوشیم تا جایی که از گناهان افراد چشم‌پوشی نماییم، تقدس کلیسا را از بین خواهیم برد! پس لازم است که همیشه در محبت رشته یگانگی و اتحاد را حفظ نماییم (عبرانیان ۱۲: ۱۴ و تفسیر آن را مشاهده کنید).

رایحه مطبوع انجیل (۲: ۱۲-۱۷)

۱۲-۱۳ **تروآس** شهر مهمی بود که در شمال افسس و در مغرب ترکیه کنونی واقع بود و در بین دو شهر افسس و مکادونیه قرار داشت. زمانی که پولس در شهر تروآس بسر می‌برد، خداوند **دروازه‌ای** جهت بشارت و موعظه انجیل برای او گشود (اول قرن‌تبیان ۹: ۱۶ و تفسیرش را مشاهده کنید). در حین بشارت در شهر تروآس، پولس منتظر مراجعت همکارش **تیطس**^۸ از شهر قرنتس بود. چندی پیش پولس رسول تیطس را با نامه پر عتابی به قرنتس ارسال کرده بود و اینک منتظر بازگشت وی و باخبر شدن از نحوه دریافت کلیسا از آن رساله بود. ولی چون مراجعت تیطس به درازا انجامید، پولس در دل خود نگران اوضاع قرنتس شده تروآس را به مقصد ایالت **مکادونیه**^۹ واقع

۸- تیطس یکی از همکاران و دوستان نزدیک

پولس بود (غلاطیان ۲: ۳، ۱ و تفسیر آن را مشاهده کنید).

۹- مکادونیه، یکی از ایالات اصلی شمال یونان

پولس می‌پرسد: **و برای این امور کیست که کافی باشد؟** (آیه ۱۶). یعنی اینکه کیست که شهامت و قدرت و حکمت کافی به منظور انجام چنین وظیفه خطیری (رسالت) را داشته باشد؟ به یک معنا، زندگی و حیات کسانی که پیام انجیل را می‌شنوند در دستان رسول مسیح قرار دارد. چه مسئولیت خطیری!

پس برای این امور کیست که کافی باشد؟ پولس رسول در دوم قرن‌تبیان ۵:۳ به این پرسش پاسخ می‌دهد: **نه آنکه کافی باشیم که چیزی را به خود تفکر کنیم که گویا از ما باشد، بلکه کفایت ما از خداست.** آنانی که از سوی خدا قدرت و حکمت کافی دریافت کرده‌اند، جهت پراکنده ساختن «عطر مسیح» کفایت دارند.

۱۷ در زمان پولس رسول، کسانی بودند که برای نفع شخصی به انجیل مسیح موعظه می‌کردند (همانگونه که امروز هم این افراد پیدا می‌شوند). آنها می‌خواستند که با موعظه انجیل، کسب ثروت کنند. آنها در پی کسب جلال و احترام و بزرگی از سوی انسان بودند. هدف ایشان از شاگردسازی این بود که دیگران را پیرو خود نمایند نه پیرو مسیح. خلاصه اینکه آنها انبیای کذب بودند.

ولی رسول حقیقی اینگونه نیست. رسول واقعی خود، خویشتن را انتخاب نمی‌کند. بلکه آنها مردانی هستند که **از جانب خدا** به خدمت خوانده شده‌اند (غلاطیان ۱:۱ را مشاهده کنید). آنها همیشه **در مسیح** و از مسیح سخن می‌گویند و همیشه **در حضور خدا** یعنی با اطلاع به این امر که خدا حاضر و ناظر بر کارها و سخنانشان است، و **از ساده‌دلی** سخن می‌گویند. پولس و دیگر رسولان و پیشوایان کلیسا، همیشه اینگونه رفتار می‌کردند (دوم قرن‌تبیان ۱۲:۱، ۲:۴ را مشاهده کنید).

بود. مکادونیه و اخیائیه (ایالت جنوبی یونان) قسمت اصلی کشور یونان آن زمان را تشکیل می‌دادند.

در شمال یونان، ترک کرد تا اینکه به تیطس نزدیک‌تر شده از اوضاع و احوال او مطلع گردد. **۱۴** در این آیه، پولس رسول یک لحظه مکث کرده، شروع به شکرگزاری و حمد و سپاس خدای متعال می‌کند. چرا؟ زیرا در مکادونیه، پولس رسول، دوست خود تیطس را یافت و از طریق او مطلع شد که کلیسای قرن‌تس نامه شدیدالحن او را با روحیه مناسب پذیرفته‌اند (دوم قرن‌تبیان ۶:۷-۷ را مشاهده کنید). اینک کلیسای قرن‌تس به خاطر آنکه پیشتر پولس را مورد انتقاد و حمله قرار داده بود، نادم و پشیمان بود. و نقشه شیطان مبنی بر ایجاد اختلاف و تفرقه بین پولس و کلیسای قرن‌تس، نقش بر آب شده بود و یکبار دیگر به فیض خدا پولس بر مکاید شیطان چیره گشته بود. در سایه فیض خدا، پولس در **موکب ظفر** مسیح حرکت می‌کرد. ولی پیروزیهای روحانی پولس به خاطر **مسیح** بود؛ زیرا جدا از مسیح، قادر به انجام هیچ کاری نمی‌باشیم (یوحنا ۱۵:۵).

به وسیله زندگی ظفرمند رسولان، **عطر معرفت او** (عیسی مسیح) به هر جا پراکنده می‌شود.

۱۵-۱۶ مسیحیانی که پیام انجیل را به دیگران می‌رسانند، **عطر خوشبوی مسیح می‌باشند.** برای **ناجیان** یعنی کسانی که به واسطه ایمان به عیسی مسیح نجات یافته‌اند، عطر خوشبوی مسیح، **عطر حیات** است. ولی برای کسانی که به خاطر بی‌ایمانی‌شان نجات پیدا نکرده، از **هالکان** می‌باشند، رایحه خوشبوی انجیل **عطر موت** است. زیرا تمام آن کسانی که به پیام انجیل ایمان نیاورند به موت و هلاکت محکوم شده‌اند (یوحنا ۳:۳۶، اول قرن‌تبیان ۱۸:۱ را مشاهده کنید).

هر مسیحی باید از خود بپرسد: آیا زندگی من **عطر مسیح** را پراکنده می‌سازد؟ و یا اینکه از حیات من بوی تعفن گناه و خودپرستی به مشام می‌رسد؟

باب ۳

خادمین عهد جدید (۱:۳-۶)

۱ بعضی از این رسولان جعلی (دوم قرتیان ۱۷:۲)، سفارش نامه‌جات از این کلیسا و یا آن جماعت در دست خود می‌گرفتند و با این وسیله به سفارش خود شروع می‌کردند. این سفارش نامه‌ها، در واقع «سند» و «مدرک» رسالت آنها بود و بنابراین به هر جا که سفر می‌کردند آن نامه‌ها را با خود می‌بردند.

آیا پولس نیز این چنین نامه‌ای می‌نویسد و به سفارش خود شروع می‌کند؟ خیر. آیا پولس به یک چنین سفارش نامه‌ای نیازمند است؟ هرگز!

۲ مدرک رسالت پولس چیست؟ کلیسای قرتنس دلیل و گواه رسالت پولس می‌باشد: شما رساله ما هستید، نوشته شده در دل‌های ما. پولس پیام انجیل را به قرتنس آورد و به وسیله بشارت و وعظ او بسیاری به عیسی مسیح ایمان آورده نجات یافتند. با قدرت انجیل، بسیاری از اهالی قرتنس از تاریکی در آمده، به ملکوت نور منتقل شدند. این سفارش نامه پولس رسول است! این نامه‌ای است که معروف و خواننده شده جمیع آدمیان می‌باشد. یعنی اینکه همه ایمانداران قرتنس قادر به خواندن و مطالعه سفارش نامه پولس هستند.

۳ سفارش نامه پولس به قلم انسانی نوشته نشده بود بلکه روح خدای حی آن را بر دل‌های ایمانداران نقش کرده است. این نامه نه بر کاغذ و نه به مرکب و نه بر الواح سنگ نوشته شده بود، بلکه بوسیله روح القدس و بر قلب‌های ایمانداران نقش بسته بود. مرور زمان، مرکب را کم‌رنگ می‌سازد و فشار زمانه الواح سنگی را خورد خواهد ساخت، ولی آنچه که با روح القدس و بر روی قلب نگاشته شده باشد تا ابد باقی خواهد ماند.

ده فرمان عهدعتیق که به قوم بنی‌اسرائیل داده شده بود، بر روی الواح سنگی نوشته شده

بود (خروج ۱۲:۲۴، ۱۸:۳۱). ولی از زمان عیسی مسیح به این سو، شریعتی جدید، عهد جدید (آیه ۶)، بر الواح گوشتی دل مؤمنین حک گردیده است (ارمیای نبی ۳۱:۳۱-۳۳، عبرانیان ۷:۸-۱۰ و تفسیر آن را مشاهده کنید). هر یک از ما ایمانداران مانند نامه‌ای از طرف مسیح هستیم. آیا دیگران قادر به خواندن نامه مسیح هستند؟ دیگران چه برداشتی از ما می‌کنند؟

۴-۵ اعتماد پولس رسول از سفارش نامه‌های انسان نیست، بلکه بوسیله مسیح چنین اعتمادی به خدا دارد. کفایت پولس به خاطر انسان و یا اعتماد بر نیروی خودش نیست بلکه او اعلام می‌کند که: کفایت ما از خداست (اول قرتیان ۱۵:۱۰؛ دوم قرتیان ۷:۴ را مشاهده کنید).

۶ در این آیه، پولس رسول عهدعتیق (شریعت) را با عهد جدید که بوسیله روح القدس نوشته شده است، مقایسه می‌کند.

هر دو عهد (عهدعتیق و عهد جدید)، موافقت‌نامه و وعده‌هایی است که خدا به بشریت داده است. هر دو این عهد‌ها از جانب خداوند است.

در عهدعتیق خدا به قوم یهود فرمود: «اگر قوانین مرا اطاعت کنید، من خدای شما خواهم بود و شما قوم خاص من خوانده خواهید شد و من شما را برکت خواهم داد». این عهدعتیق بود. ولی عهدعتیق به اجراء در نیامد. زیرا که برای به اجرا در آمدن یک عهد، هر دو طرف قرارداد بایستی به مفاد آن عهد احترام بگذارند و سهم خود را اجرا کنند. ولی یهودیان سهم خویش را اجرا نمودند و عهد خود را با خدا شکستند. بنابراین، ایشان می‌بایست که مدام با ذبح کردن قربانی، رابطه گسسته خود را با خدا از نو تمدید کنند.

اما در عهد جدید، بوسیله قربانی شدن عیسی مسیح و به خاطر هدیه خون او،

موظف به اطاعت از قوانین مذهبی و تشریفات پرستشی عهدعتیق یعنی رسوم مربوط به معبد و قربانی و قوانین نجاست و طهارت و غیره نمی‌باشند، زیرا که عیسی مسیح با قربانی کردن خود بر روی صلیب، به آن دسته از مقررات پایان بخشید. اینک، پیروی از شریعت محبت متشکل است از اجرای دو قانون بزرگ خدا: محبت کامل به خدا و محبت به همسایه خود. این دو قانون، خلاصه و چکیده قوانین عهدعتیق می‌باشد (متی ۵: ۱۷-۱۹؛ مرقس ۱۲: ۲۸-۳۱؛ رومیان ۸: ۱۰-۱۳؛ غلاطیان ۵: ۱۴) و تفسیر آن را مشاهده کنید.

جلال عهد جدید (۷: ۳-۱۸)

۱-۷ خدمت موت که در حرف بود اشاره به عهدعتیق (شریعت قدیمی و مراسم یهودیان) می‌کند. لازم به یادآوری است که شریعت باعث موت نمی‌شود، بلکه این گناه است که انسان را به موت رهنمون می‌گردد (رومیان ۶: ۲۳؛ اول قرن‌تیاں ۱۵: ۵۶). ولی از آنجا که شریعت حکم گناه یعنی موت را صادر می‌کند، پس به یک معنی شریعت همان کلام اعلام کننده موت است (رومیان ۷: ۹-۱۱). هیچ کس نباید عهدعتیق و شریعت عهدعتیق را کم‌ارزش انگارد. بلکه به یاد داشته باشیم که این شریعت، کلام خدا و قانون خداوند است. پولس رسول در آیه ۷ خاطر نشان می‌سازد که شریعت **با جلال می‌بود** (خروج ۲۹: ۳۴-۳۰).

۹ خدمت قصاص یعنی خدمت عهدعتیق و شریعت یهود، که خبر مزد گناه (موت) را اعلام می‌کرد (رومیان ۳: ۲۰) خدمتی **با جلال** بود. در حالی که **خدمت** انجیل مسیح یعنی پخش خبر **عدالت** به وسیله ایمان به عیسی مسیح می‌باشد (رومیان ۳: ۲۱-۲۲؛ ۵: ۱۶-۱۷؛ اول قرن‌تیاں ۱: ۳۰) و تفسیر آن را مشاهده کنید. نتیجه می‌گیریم که خدمت عهد جدید، به مراتب

ایمانداران بخشایش کلیه گناهان را یک بار و برای همیشه بدست آورده‌اند (عبرانیان ۹: ۱۵؛ ۱۰: ۳-۴، ۱۰-۱۸ و تفسیر آن را مشاهده کنید). بواسطه ایمان به عیسی مسیح، ما عادل خوانده شده‌ایم (رومیان ۳: ۲۲-۲۴). از این پس، شریعت کهنه (عهدعتیق یا شریعت یهود) قادر به محکوم کردن ما نیست (رومیان ۸: ۱) و تفسیر آن را مشاهده کنید.

پیش از آنکه مسیح بیاید، شریعت آدمیان را به گناهکاری محکوم می‌ساخت، زیرا که ایشان قادر به انجام مفاد آن نبودند و قوانین خدا را شکسته زیر پا می‌نهادند. **حرف**، یعنی قانون مکتوب عهدعتیق و یا شریعت یهود، مردم را **می‌کُشد**، زیرا که شریعت گناهکاران را به مرگ محکوم می‌کند (رومیان ۸: ۲) و تفسیر آن را مشاهده کنید)، اما **روح زنده می‌کند**. پولس می‌گوید که اکنون به واسطه قدرت روح القدس، ما **زنده** شده‌ایم، یعنی حیات جاودانی را یافته‌ایم (رومیان ۶: ۲۳). همچنین علاوه بر حیات جاودانی، خداوند عطای روح القدس را نیز به مسیحیان هدیه فرموده است تا ایشان را در انجام اراده خدا، اطاعت از قوانین الهی و بجا آوردن اعمال نیکو یاری نماید. قوانین الهی تغییر نیافته‌اند. تنها مکان درج و حک آنها عوض شده است. پیشتر آنها بر لوحه سنگی نقش بسته بود و اینک بوسیله روح القدس بر روی الواح گوشتی دل جا گرفته است. به همین دلیل است که پولس رسول در باره خود و دیگر رسولان مسیح می‌گوید: **که او (عیسی مسیح) ما را هم کفایت داد تا عهد جدید را خادم شویم، نه حرف را** (عهدعتیق یا شریعت قدیمی) **بلکه روح را** (یعنی نویسنده عهد جدید بر دل‌های مؤمنین). آیا این سخن به این معنی است که مسیحیان دیگر ملزم به اطاعت از قوانین عهدعتیق نمی‌باشند؟ خیر، منظور پولس این نیست. ما کماکان موظف به اطاعت از قوانین اخلاقی خدا یعنی شریعت محبت می‌باشیم. مسیحیان

پر جلال‌تر از بشارت عهدعتیق است.
۱۰ عهدعتیق مانند ماه کامل پر جلال است. ولی پس از طلوع خورشید (عیسی مسیح)، جلال ماه بی‌فروغ خواهد شد.
۱۱ اینک که عهدعتیق گذشته است (عبرانیان ۱۳:۸). به عوض آن عهدعتیق، پیمانی جدید که هرگز از بین نمی‌رود، آمده است. نجات ما دائمی و ابدی است.

۱۲-۱۳ بنابراین، از آنجا که پولس **چنین** **امیدی** دارد، (امید به نجات جاودانی)، **با کمال دلیری سخن** می‌گوید. او با کمال دلیری به عیسی مسیح بشارت داده، انجیل عیسی مسیح را موعظه می‌کند. پولس انجیل را بی‌پرده بیان می‌کند و نه مانند موسی که **نقابی بر چهره خود کشید** (خروج ۳۴:۳۳-۳۵).
۱۴-۱۶ از زمان قدیم تا اکنون، در بین یهودیان رسم است که هر روز شنبه در کنایس خود **عهدعتیق** را، که همان شریعت یهودیان است^{۱۰} قرائت می‌کنند. پولس می‌گوید که زمانی که موسی (یعنی پنج کتاب اول عهدعتیق^{۱۱}) برای یهودیان قرائت می‌شود، **نقاب بر دل ایشان برقرار می‌ماند** (آیه ۱۵). آن **نقاب** همان نقاب بی‌ایمانی است؛ یهودیان به موسی ایمان نیاورده بودند و به همین خاطر است که ایشان به مسیح ایمان نیاوردند (یوحنا ۴۶:۵-۴۷ مشاهده کنید). به دلیل بی‌ایمانی آنها **تا امروز همان نقاب در خواندن عهدعتیق باقی است و کشف نشده است** (آیه ۱۴)؛ قلبهای ایشان تاریک بود (رومیان ۱:۲۱؛ ۱۸:۱۱). فقط به وسیله ایمان به عیسی مسیح است که آن «نقاب» از دلها برداشته خواهد شد. زیرا که در عیسی مسیح جلال خدا بدون نقاب آشکار گردیده است (مرقس ۲:۹-۷؛ یوحنا ۵:۱۷). زمانی که از عیسی مسیح پیروی می‌کنیم، در نور و جلال خدا سلوک می‌نماییم (یوحنا ۸:۱۲ و تفسیر آن را مشاهده کنید).

۱۷ **خداوند روح است**. در این آیه مقصود از

خداوند می‌تواند هم خدای پدر و هم عیسی مسیح باشد. خدای پدر، پسر و روح‌القدس، در اصل یکی هستند. روح‌القدس، هم روح خدای پدر است و هم روح مسیح می‌باشد^{۱۲}. **و جای که روح خداوند است، آنجا آزادی است**. پس اگر روح مسیح در ما باشد، آنگاه واقعاً آزاد خواهیم بود (یوحنا ۸:۳۶).

ما از قوانین کهنه یهود آزادیم (رومیان ۷:۶؛ ۲:۸ و تفسیر آن را مشاهده کنید). ما از ترس اسارت آزادی پیدا خواهیم نمود (رومیان ۸:۱۵). از **فساد خلاصی** خواهیم یافت (۲۱:۸). **پس به آن آزادی که مسیح ما را به آن آزاد کرد استوار باشید و باز در یوغ بندگی گرفتار مشوید** (غلاطیان ۱:۵).

۱۸ بر اساس تعالیم عهدعتیق، فقط موسی اجازه داشت **بی نقاب** به جلال خدا نظر کند (خروج ۳۴:۳۳-۳۵). ولی ما که به عیسی مسیح ایمان آورده‌ایم، می‌توانیم جلال خدا را بی نقاب نگاه کنیم، زیرا که جلال خدا در عیسی مسیح ظاهر شده است (یوحنا ۱:۱۴؛ ۱۷:۲۴؛ دوم قرن‌تیان ۴:۶ را مشاهده کنید).

نه تنها ما **با چهره بی نقاب جلال خداوند را در آینه می‌نگریم**^{۱۳}، بلکه جلال او را منعکس

۱۰- پنج کتاب اول عهدعتیق به نام تورات (و یا شریعت موسی) مشهور است. از آنجا که هم «شریعت» قوم یهود و هم چگونگی «عهد» خدا با اسرائیل در پنج کتاب اول عهدعتیق آمده است، در بسیاری از مواقع، منظور پولس رسول از «تورات» و «عهدعتیق» یک چیز است. جهت اطلاع بیشتر در فهرست لغات: «شریعت» را مشاهده کنید.

۱۱- پنج کتاب اول عهدعتیق به توسط موسی نوشته شده است.

۱۲- جهت مطالعه بیشتر به مقاله عمومی: «عیسی مسیح» و «روح‌القدس» مراجعه نمایید.

۱۳- در بعضی ترجمه‌ها، به عوض «جلال خدا را در آینه می‌نگریم»، عبارت «با صورتهای بی نقاب

همانند آن شیرفروشی که شیر را پیش از فروش با آب رقیق می‌کرد، انبیای دروغین نیز، کلام خدا را با تعالیم خود مخلوط می‌کردند.

پولس رسول می‌گوید که فرق رسولان واقعی با انبیای دروغین در این است که رسولان واقعی به اظهار راستی، خود را به ضمیر هر کس در حضور خدا مقبول می‌سازند. هر کسی که سخنان پولس را شنید، در قلب خود شهادت می‌داد که آن سخنان با صداقت و صمیمیت گفته می‌شد و گوینده کلمات به آنچه که می‌گفت ایمان کامل دارد. خدا بر صحت کلمات پولس شهادت می‌دهد، زیرا که پولس همه کارهای خود را در حضور خدا انجام می‌دهد (یوحنا ۳: ۲۰-۲۱ را مشاهده کنید).

۳ تنها کسانی به بشارت پولس رسول ایمان نخواهند آورد که قلب و فکشان در پس حجاب بی‌ایمانی مخفی مانده است (دوم قرن‌تبیان ۳: ۱۴-۱۵). آن حجاب ناباوری، قادر به مخفی ساختن انجیل نیست؛ بلکه باعث می‌شود که قلب و فکر افراد بی‌ایمان را در تاریکی نگاه دارد. بی‌ایمانی، چشم دلشان را نسبت به حقیقت انجیل کور ساخته است. بشارت انجیل به این افراد مانند، دادن آینه به دست یک نابینا می‌باشد.

۴ منظور از خدای این جهان شیطان است (یوحنا ۳۱: ۱۲) که فهم‌های بی‌ایمانان را کور گردانیده است (یوحنا ۸: ۴۲-۴۷؛ اول یوحنا ۴: ۶ را مشاهده کنید). به دلیل این بی‌ایمانی و تاریک‌دلی، بی‌ایمانان قادر به دیدن تجلی بشارت جلال مسیح که صورت خداست، نمی‌باشند. هدف اصلی پولس رسول این بود که فهم‌های کوردلان را نسبت به نور انجیل بینا

می‌کنیم. جلال ماه، در واقع جلال و نور تابان خورشید است و مبدأ نور ماه، خورشید می‌باشد. به همان طریق، ایمانداران به مسیح، جلال خود را منعکس نمی‌سازند بلکه جلال خداوند را بازتاب می‌کنند.

از سوی دیگر، ما مانند ماه نیستیم. جلال ما به مراتب درخشان‌تر است زیرا که جلال و نور ما به دلیل روح خداوند است که در ما ساکن است. از این گذشته، جلال ما هر روزه افزون‌تر می‌شود تا با کمک روح القدس، به یگانگی ایمان و معرفت تام پسر خدا و به انسان کامل، به اندازه قامت پُری مسیح برسیم (افسسیان ۴: ۱۳). و هنگامی که مسیح مجدداً به زمین بازگشت نماید و ما او را روبرو ملاقات کنیم، مانند او خواهیم بود (اول یوحنا ۳: ۲). خدا می‌خواهد ما را به شباهت پسرش عیسی مسیح متبدل کند (رومیان ۸: ۲۹ و تفسیر آن را مشاهده کنید)؛ این والاترین و مهم‌ترین هدف و نقشه خدا برای زندگی ماست.

باب ۴

نور انجیل «(۴: ۱-۶)»

۱ خدا به پولس و همکارانش خدمت مهمی را محول کرده بود که همانا خدمت عهد جدید باشد (دوم قرن‌تبیان ۳: ۶). برای پولس، این خدمت، دلیل لطف خداوند به او بود (اول تیموتائوس ۱: ۱۲-۱۴ را مشاهده کنید). و از این سبب می‌دانست که در هنگام سختی خدا با وی و همکارانش خواهد بود و از این سبب می‌نویسد: چونکه رحمت یافته ایم، خسته خاطر نمی‌شویم.

۲ در این قسمت پولس به شرح مشخصات یک رسول واقعی می‌پردازد. پولس از روش شرم‌آور رسولان جعلی و انبیای کذب پیروی نمی‌کند: به مکر رفتار نمی‌کنیم و کلام خدا را مغشوش نمی‌سازیم (دوم قرن‌تبیان ۱۱: ۱۳-۱۵؛ اول تسالونیکیان ۲: ۳-۵ را مشاهده کنید).

مانند آئینه‌ای جلال خداوند را منعکس می‌کنیم» آمده است. معنی دقیق متن یونانی کاملاً مشخص نیست. از لحاظ فن ترجمه زبان یونانی، هر دو ترجمه ممکن است و هر دو ترجمه، دارای معنی می‌باشند.

روشنایی بشود. خدا نور است و هیچ ظلمت در وی هرگز نیست (اول یوحنا ۱:۵).

خدا در دل‌های ما درخشید. از همان لحظه‌ای

که به عیسی مسیح ایمان آوردیم، نور خدا در قلب‌های ما درخشیدن آغاز کرد. با درخشاندن نور خود در دل‌های ما، خدا نور خود را در چهره عیسی مسیح در ما به درخشش خواهد گذاشت (یوحنا ۱:۱۴ را مشاهده کنید). عیسی فرمود: «من نور عالم هستم. کسی که مرا متابعت کند، در ظلمت سالک نشود بلکه نور حیات را یابد» (یوحنا ۱:۱۲). یک روز نیز، پولس رسول، در راه دمشق نور عیسی مسیح را مشاهده کرد و از آن روز به بعد، زندگی‌اش دستخوش تغییری بس عظیم گردید (اعمال ۹:۳-۵؛ ۱۳:۲۶-۱۵).

ضعف رسول و قوت خدا (۷:۴-۱۸)

۷ ما انسانها همچون ظروف خاکی هستیم (اشعیاء ۸:۶۴) و مانند ظرفی معمولی ضعیف، و شکستی می‌باشیم. ولی در این ظروف معمولی خزینه‌ای گرانبها یعنی انجیل و بشارت عیسی مسیح (آیه ۴) را حمل می‌کنیم. منظور پولس رسول از این «خزینه گرانبها»، همان نور معرفت جلال خدا در چهره عیسی مسیح (آیه ۶) می‌باشد. به بیانی ساده‌تر، آن خزینه گرانبهایی که ما در ظروف خاکی داریم، همان انجیل عیسی مسیح است. این انجیل قوت خداست، برای نجات هر کس که ایمان آورد (رومیان ۱:۱۶). چه قوت عظیمی در چه ظروف ضعیفی! ولی با این همه، اراده خدا این است که از این ظروف ضعیف استفاده کند، زیرا زمانی که مردم نیروی روحانی ما را مشاهده نمایند، متوجه خواهند شد که قدرت روحانی درون ما منشأ انسانی ندارد بلکه از جانب خدا صادر گردیده است (دوم قرن‌تیان ۱۲:۹ را مشاهده کنید).

۸-۴ در این آیه، پولس رسول چگونگی

ساخته ایشان را به سوی نور خدا راهنمایی کند (اعمال ۱۷:۲۶-۱۸؛ اول پطرس ۲:۹ را مشاهده کنید).

مسیح صورت خداست. در مسیح، خدای نادیده، دیده شد (یوحنا ۱۴:۹؛ کولسیان ۱:۱۵؛ عبرانیان ۳:۱ و تفسیر آن را مشاهده کنید). ولی باید دانست که تنها آن کسانی که بی‌ایمانی چشمان دلشان را کور نکرده است، قادر به دیدن و شناختن و درک شخصیت عیسی مسیح خواهند بود.

۵ پولس می‌گوید: زیرا به خویشتن موعظه نمی‌کنیم. منظور اینست که پولس و همکارانش، در پی عزت دادن و بلند ساختن نام خود نبودند و در پی آن نبودند که اسم و رسم و شهرت به دست آورند (اول تسالونیکیان ۲:۶). در عوض آنها به راستی و عیسی مسیح موعظه کرده به اظهار راستی (آیه ۲) در پی شناساندن مسیح به دیگران بودند. پولس فقط و فقط به انجیل عیسی مسیح موعظه می‌کرد و بس (اول قرن‌تیان ۱:۲-۵ را مشاهده کنید).

هرچند که پولس یک رسول بود، او حاکمیت خود را بر کلیسای قرن‌تس تحمیل نمی‌کرد و برعکس، او در اینجا می‌گوید: غلام شما هستیم به خاطر مسیح (اول قرن‌تیان ۱:۴ را مشاهده کنید). از یک سو، پولس فقط غلام مسیح بود و زیر بار بندگی هیچ کس نمی‌رفت (اول قرن‌تیان ۷:۲۳)، ولی از سوی دیگر، به خاطر مسیح، او غلام همه شده بود (اول قرن‌تیان ۹:۱۹). در این کار، پولس رسول مطابق نمونه‌ای که مسیح به جا گذاشته بود، رفتار می‌کرد که چون در صورت خدا بود، با خدا برابر بودن را غنیمت شمرد، لیکن خود را خالی کرده، صورت غلام را پذیرفت و در شباهت مردمان شد (فیلیپان ۲:۵-۸ را مشاهده کنید).

۶ در ابتدا خدا گفت: «روشنایی بشود» و روشنایی شد (پیدایش ۱:۳). از آن روز تاکنون، خدا همواره به قلب‌های بشریت می‌گوید:

معنی این کلمات پولس اینست که بخاطر بشارت انجیل، او و همکارانش جان خود را به کف نهاده‌اند و هر گونه خطر مرگ را به جان خریده‌اند (اول قرن‌تبیان ۳۰:۱۵-۳۱). پولس رسول، همچون گوسفند مظلومی که به کشتارگاه برده می‌شود، هر روزه به خاطر مسیح با خطر کشته شدن مواجه بود (رومیان ۸:۳۶). به یک معنا، هر روزه پولس نسبت به این جهان مصلوب می‌گردید (غلاطیان ۶:۱۴). او فرمان آقای خود عیسی مسیح را به جان و دل اطاعت کرده، هر روزه صلیب خود را بر دوش می‌کشید (لوقا ۹:۲۳). از آنجا که پولس خادم و شاگرد عیسی مسیح بود، مانند آقا و استادش عیسی تحت جفا و ستم قرار می‌گرفت (یوحنا ۱۵:۲۰). پولس می‌گوید: در پی آن هستم که او را (عیسی مسیح را) و قوت قیامت وی را و شراکت در رنج‌های وی را بشناسم و با موت او مشابه‌گردم (فیلیپان ۳:۱۰-۱۱).

هر چه که بیشتر نسبت به خود بمیریم، به همان اندازه بیشتر در مسیح حیات پیدا خواهیم کرد (یوحنا ۱۲:۲۴-۲۵ را مشاهده کنید). زیرا هر که با مسیح بمیرد، با مسیح نیز قیام خواهد کرد (رومیان ۶:۴-۵؛ فیلیپان ۳:۲۰-۲۱؛ دوم تیموتائوس ۲:۱۱-۱۲ و تفسیر آنها را مشاهده کنید).

بنابراین هر زمان که ما مسیحیان، به خاطر ایمانمان و به خاطر عیسی مسیح در سختی و جفا قرار گیریم، ما نه تنها قادر به تحمل آن سختیها خواهیم بود، بلکه توانایی شادی کردن در زمان مشکلات را نیز به دست خواهیم آورد، زیرا **اجر ما در آسمان عظیم است** (متی ۵:۱۱-۱۲).

لازم است به یاد داشته باشیم که مشکلات و سختیها و جفاهاى ما باید به خاطر عیسی مسیح و پیروی کردن از او باشد. اگر جفا و سختی و غم و مشکلات ما به خاطر مسیح و محبت خدا نیست، جایی برای خوشی و شادی

صدماتی را که برای انجیل متحمل شده بود، شرح می‌دهد. اکثر مسیحیان، به نوعی در یک یا چند نمونه از این تجارب مشکل سهیم بوده‌اند. **ما در هر چیز زحمت کشیده‌ایم ولی در شکنجه نیستیم** (آیه ۸)؛ بعضی از برادران و خواهران مسیحی **ما تعاقب کرده شده و افکنده شده‌اند** (آیه ۹). این برادران و خواهران مسیحی ما به حدی از سختی رسیده‌اند که از لحاظ بشری چاره و راه حلی برای مشکلاتشان دیده نمی‌شود. ولی خدا همواره با آنها بوده است. زمانی که راه‌های بشر به بن‌بست می‌رسد، آنگاه است که خدا وارد صحنه خواهد شد (تثنیه ۳۱:۶).

زندگی پولس مملو از این مصائبی بود که در این آیات به آنها اشاره شد (اعمال ۴:۱۹؛ دوم قرن‌تبیان ۱۱:۲۳-۲۸). ولی با این همه، خدا همیشه او را در **موجب ظفر خود پیش می‌برد** (دوم قرن‌تبیان ۲:۱۴). مسیحیان حتی در مقابل موت نیز ظفرمندند. به هنگام مرگ، حیات بدنهای فانی ما به انتها خواهد رسید ولی حیات و وجود ما، به مرگ تسلیم نخواهد شد. برعکس، با گذشتن از دروازه مرگ میراث آسمانی خود یعنی **حیات جاودانی و تاج عدالت** را دریافت خواهیم کرد (دوم تیموتائوس ۴:۶-۸ را مشاهده کنید). هیچ چیز قادر نخواهد بود که ما را از محبت خدا جدا سازد (رومیان ۸:۳۹-۳۵). ما از کسانی که فقط قادر به کشتن جسم هستند نمی‌ترسیم؛ بلکه ما مسیحیان بایستی از خدا بترسیم که قادر به هلاک ساختن جسم و روح در جهنم است (متی ۱۰:۲۸).

۱۰-۱۱ پیوسته قتل عیسی خداوند را در جسد خود حمل می‌کنیم (آیه ۱۰). پولس رسول وضعیت خود و همکارانش را اینگونه تشریح می‌کند: **دائماً بخاطر عیسی به موت سپرده می‌شویم** (آیه ۱۱). منظور پولس از این سخنان چیست؟

ایمان آورده‌اند، فیض باعث شده است که بسیاری **شکرگزاری را برای تمجید خدا** بجا آورند.

۱۶ هرچند که بدن جسمانی **انسانیت ظاهری** پولس، خسته و ضعیف و ناتوان یا به گفته پولس **فانی می‌شود**؛ ولی او خاطرنشان می‌سازد که بوسیله نیروی حیات‌بخش انجیل و قدرت زندگی افزای روح‌القدس، **باطن روز بروز تازه می‌گردد**.

۱۷ در مقام مقایسه با گنج عظیم و پاداشی که در آسمان برایمان فراهم گردیده است، رنجها و زحمات کنونی ما، بسی سبک و خفیف است (رومیان ۸:۱۸)؛ اول قرن‌تیان ۲:۹ را مشاهده کنید). لازم به تذکر است که پولس رسول نمی‌گوید که به واسطه زحمت و رنج و جفا است که **جلال جاودانی** یا نجات در عیسی مسیح را دریافت خواهیم کرد. بایستی توجه داشت که نجات فقط به خاطر فیض و رحمت خداست و تنها بوسیله ایمان بدست می‌آید و رنجها و زحمات و کارهای نیک ما، هرگز باعث نجات و تحصیل آمرزش گناهان نخواهد گردید.

۱۴- زمانی که برای گناهان و یا حماقت و اشتباهات خود در سختی و مشکلات و رنج قرار می‌گیریم، خداوند مهربان آن سختی‌ها و رنجها را برای تنبیه کردن و وسیله هوشیار ساختن و ادب کردن ما، به کار خواهد گرفت. حتی در آن چنان مواقع، اگر متوجه اشتباهات خود گردیم و از گناهان خود توبه کنیم، خواهیم دید که آن رنجها نیز به خاطر مهربانی و محبت خداست و حتی در آن زمان رنج و در عین آن سختی‌ها نیز در مسیح شادی خواهیم کرد که آنقدر ما را دوست دارد که ما را همچون فرزندان خود تنبیه کرده است (عبرانیان ۱۱:۱۲ را مشاهده کنید).

۱۵- در دوم قرن‌تیان ۳:۶، پولس خود را با لقب «خادم عهدجدید» معرفی می‌کند. عهدجدید، عهد و پیمان فیض است. پس معنی هر دو عبارت «خادم عهدجدید» و «خادم فیض» یکی می‌باشد.

کردن وجود نخواهد داشت^{۱۴}. ما ایمانداران باید در همه چیز و در همه حال، برای عیسی مسیح زندگی کرده، او را اطاعت نماییم. اگر اینگونه زیست نماییم، آنگاه هر سختی و غم و جفایی که در زندگی متوجه ما گردد، برای ما منبع و مایه خوشی و برکات روحانی خواهد بود.

۱۲ پولس به قرن‌تیان می‌گوید: **پس موت در ماکار می‌کند ولی حیات در شما**. به خاطر سختیها و رنج‌های پولس و خطرات و موت هر روزه او برای مسیح بود که قرن‌تیان پیام **حیات‌بخش** و قدرتمند انجیل را می‌شنیدند. پولس مطابق نمونه و سرمشق عیسی مسیح رفتار می‌کند، به همانگونه که عیسی مسیح با بذل جان، به ما حیات بخشید، پولس نیز برای رساندن پیام حیات‌بخش انجیل به قرن‌تیان از هر گونه فداکاری دریغ نمی‌کند.

۱۳ در اینجا پولس از مزبور ۱۱۶:۱۰ نقل‌قول می‌کند. این مزبور، سرود شکرگزاری به خدا برای رستن از خطر مرگ است. حتی زمانی که مرگ و نیستی و تباهی نزدیک است، ایمان پولس به خدا محکم و استوار باقی مانده است. دلیل این امر اینست که پولس و هر ایماندار دیگر **روح ایمان** را دریافت کرده است. و بواسطه همان روح ایمان است که پولس در هر زمان و موقعیتی با شهامت و قدرت برای انجیل سخن می‌گوید.

۱۴ دلیل این شهامت پولس چیست؟ دلیل اینست که پولس می‌داند **او که عیسی خداوند را بر خیزانید، ما را نیز با عیسی خواهد برخیزانید** (رومیان ۵:۶؛ ۸:۱۱؛ افسسیان ۲:۶؛ کولسیان ۳:۳-۴ را مشاهده کنید).

۱۵ **همه چیز** اشاره به این می‌کند که همه مشکلات، سختیها و رنج‌های پولس برای منفعت کلیسای قرنتس بوده است. پولس خادم **فیض** خدا است^{۱۵}. و بوسیله آن فیض (نجات در عیسی مسیح)، بسیاری به پیام انجیل ایمان آورده‌اند. و از آنجا که بسیاری به پیام فیض

متحمل صلیب گردید (عبرانیان ۱۲:۲-۳). بیاید به یاد داشته باشیم که شریک مصیبت‌های او هستیم تا در جلال وی نیز شریک شویم (رومیان ۸:۱۷). پس بیاید به جدّ و جهد در پی مقصد بکوشیم بجهت انعام دعوت بلند خدا که در مسیح عیسی است (فیلیپیان ۳:۱۴).

باب ۵

خانه آسمانی ما (۱:۵-۱۰)

۱ پولس رسول، در این آیه، بدنهای ما را خانه زمینی و خیمه ما می‌نامد. در دوم قرن‌تبیان ۴:۱۶، پولس می‌گوید این «خیمه زمینی»، در حال فنا و نابودی است. روزی این بدنهای زمینی ما ریخته خواهد شد (نابود خواهد گردید). پس از مرگ جسم، روح‌های ما از کالدهای جسمانی بیرون خواهند رفت و بدن ما جسد بی‌جانی بیش نخواهد بود.

ولی می‌دانیم هرچند که این بدنهای زمینی ما از بین خواهند رفت، ولی خانه‌ای ناساخته شده به دستها و جاودانی در آسمانها، یعنی بدنهایی روحانی و جلال یافته بدست خواهیم آورد. این بدن نو، همان جسم خلاصی یافته (رومیان ۸:۲۳)، و همان بدن قیام کرده و برخیزانیده شده است (اول قرن‌تبیان ۱۵:۴۲-۴۴، ۴۹).

توجه کنید که پولس بدنهای فانی ما را خیمه می‌نامد. خیمه، منزلی موقتی است و برای سکونت ابدی قابل استفاده نمی‌باشد. در این جهان خاکی، ما همچون غریبان و بیگانگان (اول پطرس ۲:۱۱) منتظر روزی هستیم که در خانه اصلی خود که در آسمان است سکونت گزینیم. خانه اصلی ما در آسمان است یعنی آن خانه‌ای که خدا برای ما تهیه کرده است (عبرانیان ۱۱:۸-۱۰ را مشاهده کنید).

۲ ولی در حال حاضر در این خیمه زمینی خود آه می‌کشیم، یعنی در این زندگی زمینی خود، مشکلات و سختیهای فراوانی را تجربه

پیروان برخی ادیان معتقدند که با رنج‌کشی و ریاضت و تحمل سختی، نجات و بخشایش گناهان را بدست خواهند آورد. ولی پولس رسول چنین تعلیمی نمی‌دهد. درست است که در نهایت امر، بخاطر زحماتی که کشیده‌ایم، پاداش خواهیم گرفت (متی ۵:۱۲؛ ۱۶:۲۷؛ اول قرن‌تبیان ۳:۱۳-۱۴)؛ ولی نجات فقط و فقط بوسیله فیض (هدیه رایگان خدا) و از طریق ایمان به عیسی مسیح و ایمان به فیض او بدست می‌آید (افسیسیان ۲:۸-۹ و تفسیر آن را مشاهده کنید).

از هجوم سختیها و بار غم و سختیها متعجب و خسته‌خاطر نشویم. به یاد داشته باشیم هر که از مسیح پیروی کند، دچار رنج و سختی خواهد شد (دوم تیموتائوس ۳:۱۲؛ اول پطرس ۴:۱۲-۱۳). با مصیبت‌های بسیار می‌باید داخل ملکوت خدا گردیم (اعمال ۱۴:۲۲).

۱۸ اگر فقط به چیزهایی که می‌بینیم نظر داشته باشیم، بزودی دلسرد و خسته خواهیم شد. به زندگی پولس رسول نگاه کنید. در چشم این دنیا، زندگی پولس سراسر شکست و سختی بود. در ابتدای امر، پولس رسول مردی موفق و سرشناس و دارای موقعیت خوبی در اجتماع بود، ولی او به خاطر عیسی مسیح، موقعیت و مقام و شهرت خود را رها کرد. پس از آن، مابقی عمر خود را در انواع زحمات و خطرات و توهین و زندان گذراند. تمام دوستان و خویشانش او را رها کردند (دوم تیموتائوس ۴:۱۶). او نه خانه‌ای و نه ثروتی داشت. سالهای واپسین عمر خود را در زندان سپری کرد، و بالاخره برای ایمانش به عیسی مسیح جان سپرد. این سرگذشت ظاهری و زندگی ظاهری و دیدنی پولس بود!

ولی بیاید که به این ظواهر نظر نکنیم و بر عکس، به سوی پیشوا و کامل‌کننده ایمان یعنی عیسی نگران باشیم که به جهت آن خوشی که پیش او موضوع بود، بی‌حرمتی را ناچیز شمرده،

است. روح‌القدس، بیعانه آن حیات‌جاودانی و بدن فاسد نشدنی است که خداوند، پس از قیامت از مردگان به ما خواهد بخشید (دوم قرن‌تیان ۱: ۲۲؛ افسسیان ۱: ۱۳-۱۴ و تفسیر آن را مشاهده کنید).

به یک معنا، حیات‌جاودانی عالم آینده ما، در این جهان و از هم‌اکنون آغاز گردیده است! پولس رسول خاطر نشان ساخت که هر چند انسانیت ظاهری ما فانی می‌شود، لیکن باطن روز بروز تازه می‌گردد (دوم قرن‌تیان ۴: ۱۶). در جایی دیگر پولس می‌گوید: اگر روح او که عیسی را از مردگان برخیزاند در شما ساکن باشد، او که مسیح را از مردگان برخیزاند، بدنهای فانی شما را نیز زنده خواهد ساخت به روح خود که در شما ساکن است (رومیان ۸: ۱۱). به عبارت دیگر اعتماد داریم که او که عمل نیکو را در شما (ما) شروع کرد، آن را تا روز عیسی مسیح به کمال خواهد رسانید (فیلیپان ۱: ۶).

خداوند ما را برای این درست ساخت، تا که میراث فناپذیر آسمانی را دریافت داشته تا به ابد نزد وی زندگی کنیم. و روح‌القدس که در ما زندگی می‌کند بر این امر گواهی می‌دهد (رومیان ۸: ۱۶-۱۷ و تفسیر آن را مشاهده کنید).

۶-۱ تا زمانی که در این جهان هستیم و مادامی که در بدن متوطنیم، یعنی این بدن زمینی را داریم، دائماً خاطر جمع هستیم (آیه ۶). از چه خاطر جمع هستیم؟ از اینکه، پس از مرگ، آن بدن آسمانی و فناپذیر را خواهیم پوشید. آن بدن سماوی، آن خانه‌ای که غرق حیات است، به مراتب بهتر از این بدن حاضر ما خواهد بود. زیرا می‌دانیم که مادامی که در بدن متوطنیم... از خداوند غریب می‌باشیم (آیه ۶) یعنی از لحاظ جسمانی از عیسی مسیح دور هستیم. ولی می‌دانیم که «بدن آسمانی» ما نزد خداوند متوطن (آیه ۸) خواهد شد. بدن آسمانی ما نزد خداوند و در خانه آسمانی خود ساکن خواهد شد، نه بر روی زمین و در خیمه‌های فناپذیر.

خواهیم کرد. و بی‌صبرانه مشتاق و در انتظار روزی هستیم که خانه خود را که از آسمان است پیوشیم؛ که منظور از خانه آسمانی، بدنهای جلال یافته و رستاخیز کرده از مرگ است (رومیان ۸: ۲۳ را مشاهده کنید).

۳ پولس مشتاق پوشیدن هر چه زودتر خانه آسمانی می‌باشد (آیه ۲)، تا اینکه عریان یافت نشود. زیرا آن زمانی که انسان جان سپرد، تا هنگام بازگشت مسیح و قیامت از عالم اموات، «عریان» خواهد بود و فقط زمانی که عیسی مسیح بازگشت کرد و در وقت برخاستن از قبر است که خانه خود را که از آسمان است خواهیم پوشید (اول قرن‌تیان ۱۵: ۲۲-۲۳ را مشاهده کنید). در واقع مقصود پولس از این کلمات این است که او خواستار بازگشت عیسی مسیح پیش از مرگ خود می‌باشد.

۴ پولس می‌گوید: نمی‌خواهیم این را بیرون کنیم یعنی نمی‌خواهیم بمیریم. ما شاهد فنای تدریجی خیمه زمینی خود هستیم و از این سبب گرانبار شده، آه می‌کشیم. در زمان پولس رسول، اغلب مسیحیان معتقد بودند که عیسی مسیح پیش از فرا رسیدن مرگشان باز خواهد گشت. ایشان منتظر بودند که مسیح بازگردد تا هر چه زودتر بدنهای قیام کرده و جلال یافته و آسمانی خود را پوشیده از این خیمه فاسدشدنی نجات یابند و عریان یافت نشوند (اول قرن‌تیان ۱۵: ۵۱-۵۲؛ اول تسالونیکیان ۴: ۱۶-۱۷ را مشاهده کنید). در آن هنگام، فانی یعنی بدنهای زمینی و فاسد شونده، در حیات غرق خواهند شد، یعنی آنکه بدنهای فانی یکباره به حیات آراسته شده، متبدل خواهند گشت (اول قرن‌تیان ۱۵: ۵۴ را مشاهده کنید).

۵ خدا به همه ما ایمانداران، بدنی نو خواهد بخشید و ما را قادر خواهد ساخت که تا ابد نزد وی زیست کنیم. ولی هم‌اکنون و در این جهان، خدا روح (روح‌القدس) را به ما داده است که بیعانه آن حیات‌ابدی و آن هدیه جاودانی خدا

حکم نخواهد شد؛ زیرا خدا ما را از محاکمه معاف داشته است (رومیان ۵: ۱؛ ۸: ۱ را مشاهده کنید). ولی بر بی‌ایمانان، حکمی سخت خواهد شد. آنها به مرگ جاودانی محکوم شده، به عذاب ابدی در دوزخ محکوم خواهند گردید.

محاکمه دوم برای ایمانداران به مسیح خواهد بود. این محاکمه‌ای است که در این آیه پولس به آن اشاره می‌کند. **لازم است که همه ما (مسیحیان) پیش مسند مسیح حاضر شویم.** لازم به تذکر است که در این محاکمه، این ما نیستیم که مورد قضاوت قرار می‌گیریم، بلکه این اعمال ما است که سنجیده خواهد شد و زیر سوال قرار خواهد گرفت. این محاکمه به این خاطر است **تا هر کس اعمال بدنی خود را بیابد، بحسب آنچه کرده باشد.** این محاکمه اعمال ما در این جهان کنونی و این بدنهای فانی ماست. نتیجه این قضاوت جهت تعیین مجازات نیست بلکه این محاکمه برای تعیین پاداش کارهای نیک ما در این جهان خواهد بود (رومیان ۱۴: ۱۰-۱۲؛ اول قرن‌تیان ۳: ۸، ۱۳-۱۵ و تفسیر آن را مشاهده کنید).

کتاب مقدس درباره چگونگی و میزان پاداش و جزای کارهای نیک مؤمنین ساکت است و ما از چگونگی پاداشی که دریافت خواهیم کرد، بی‌اطلاع می‌باشیم. در اول قرن‌تیان ۴: ۵، پولس فقط به این امر اشاره می‌کند که: **آنگاه هر کس را مدح از خدا خواهد بود** (همچنین لوقا ۱۹: ۱۵-۱۹ را مشاهده کنید).

یک فرد مسیحی نباید تنها به نجات یافتن اکتفا و قناعت کند. بلکه به دلیل دریافت نجاتی چنان عظیم از خدا و به خاطر آنکه مشمول چنان لطف و فیضی گردیده است، باید در همه حال و همه وقت و هر جا، در پی جلال دادن خدا و انجام کارهای نیک باشد. عیسی مسیح فرمود: **جلال پدر من آشکار می‌شود به اینکه میوه بسیار بیاورید** (یوحنا ۱۵: ۸). وی همچنین فرمود: **شما مرا برنگزیدید، بلکه من شما را برگزیدم**

زیرا که به ایمان رفتار می‌کنیم نه به دیدار (آیه ۷). اکنون عیسی مسیح نزد پدر آسمانی و از دیده‌ها پنهان است و ما بر روی زمین زندگی می‌کنیم و تنها به وسیله ایمان است که در طریق او راه می‌رویم و بر حسب احکام او زندگی و رفتار می‌کنیم. در این جهان، قادر به دیدن روی عیسی نمی‌باشیم ولی در عالم آینده، او را روبرو خواهیم دید.

در هر صورت، پولس چه در این جهان و در این بدن فانی زندگی کند و چه در آسمان و ملبس به خانه آسمانی خود باشد، برای عیسی مسیح زندگی می‌کند. پولس به فیلیپیان می‌نویسد: **چونکه خواهش دارم که رحلت کنم و با مسیح باشم، زیرا این بسیار بهتر است** (فیلیپیان ۱: ۲۳). در عین حال، پولس حاضر است که تا هنگامی که خداوندش او را به منزل آسمانی نخوانده است، بر روی این زمین مانده، عیسی مسیح را خدمت کند (فیلیپیان ۱: ۲۱-۲۴ را مشاهده کنید).

۹ هدف اصلی و غایی ما چه در زندگی و چه در مرگ، چه در این بدن فانی و چه در بدنهای جاودانی و آسمانی خود، **خواه متوطن و خواه غریب** باید خشنود ساختن عیسی باشد. ما باید تلاش کنیم که **پسندیده او باشیم** (رومیان ۸: ۱۴ را مشاهده کنید).

۱۰ بر اساس تعلیم کتاب مقدس، در روز داوری، خدای پدر و عیسی مسیح، بر تخت داوری خواهند نشست و بر دو گروه از انسانها حکم خواهند کرد. دسته اول کسانی هستند که به عیسی مسیح و پیام انجیل ایمان نیاورده‌اند. **آنکه به او ایمان آورد، بر او حکم نشود؛ اما هر که ایمان نیاورد الآن بر او حکم شده است، بجهت آنکه به اسم پسر یگانه خدا ایمان نیاورده، و حکم این است که نور در جهان آمد و مردم ظلمت را بیشتر از نور دوست داشتند، از آنجاکه اعمال ایشان بد است** (یوحنا ۳: ۱۸-۱۹). شخص مسیحی از حکم خدا رسته است؛ بر فرد ایماندار

و شما را مقرر کردم تا شما بروید و میوه آورید و میوه شما بماند تا هر چه از پدر به اسم من طلب کنید به شما عطا کند (یوحنا ۱۵:۱۶).

خدمت مصالحه (۵:۱۱-۲۱)

۱۱-۱۲ ترس خدا را دانسته ایم (آیه ۱۱)، زیرا می‌دانیم که روزی همه ما پیش مسند مسیح حاضر خواهیم شد (آیه ۱۰).

برخی از اعضای کلیسای قرن‌تس با پولس مخالفت می‌کردند. از این رو است که او در آیه ۱۲ می‌گوید که آن افراد در ظاهر نه در دل فخر می‌کنند، یعنی اینکه چیزهای دنیوی و دیدنی مایه فخر آنها است. به عبارت دیگر، آنها به دیدار رفتار می‌کنند نه به ایمان. آنها فقط چیزهای مشهود را به حساب می‌آورند و از آنچه که «در دل» است غافل می‌باشند.

پولس به قرن‌تیان می‌گوید: سبب افتخار درباره خود به شما می‌دهیم تا شما را جوابی باشد برای آنانی که در ظاهر نه در دل فخر می‌کنند (آیه ۱۲). پولس در پی بالا بردن ارزش خود نیست. ولی با این کلمات اعلام می‌کند که زندگی‌اش پاک و از ملامت مبرا است و اگر اعضای کلیسای قرن‌تس به زندگی او و نحوه رفتار او نظر کنند، از مخالفت با او دست بر می‌دارند. با نگاه کردن به زندگی پولس، اعضای کلیسای قرن‌تس به زحمات او برای ایشان و انجیل عیسی مسیح افتخار خواهند کرد و او را بعنوان یک رسول واقعی به رسمیت خواهند شناخت.

هر چند که پولس رسول آماده دفاع از نام و رسالت خود است، اما اینکار را برای نفع شخصی و پاک نگاه داشتن نام خود نمی‌کند، بلکه هدفش از این دفاعیه، سلامت کلیسا است. اگر کلیسا از رسالت او مطمئن باشد، پیام و تعالیم او را جدی انگاشته مطابق آنها رفتار خواهد کرد. اگر کسی درباره ما بدی گفت و تهمت زد، ما بایستی مطابق نمونه مسیح رفتار کرده در برابر اتهامات سکوت اختیار نماییم

(اول پطرس ۲:۲۳). ولی اگر جزء رهبران کلیسا هستیم و کسی از ما بدگویی کرده، به ما تهمت زند، آنگاه بایستی از حیثیت خود دفاع کنیم. زیرا کسانی که از رهبران کلیسا بد می‌گویند و برضد رهبران خود دست به شورش و توطئه می‌زنند، در واقع علیه مسیح، قامت افراشته‌اند و علیه عیسی مسیح و کلیسای او قیام کرده‌اند^{۱۶}. بنابراین، همانگونه که پولس رفتار کرد، به همین شیوه نیز رهبران کلیسا باید در مقابل بدگویی و اتهامات از خود دفاع کنند. باید توجه داشت که این دفاع و پاک ساختن نام، نبایست تحت انگیزه غرور و خودپرستی و بلند کردن نام خود باشد. زیرا در آن صورت، صدمه غرور یک رهبر بسیار جدی‌تر از هر تهمتی خواهد بود.

۱۳ بعضی از مخالفان پولس می‌گفتند که او بی‌خود (بی‌عقل) است. احتمالاً آنها می‌گفتند که پولس زیاده از حد دیندار است و در مسائل روحانی بیش از حد سخت‌گیری می‌کند. جواب پولس رسول به این اتهامات این است که: اگر بی‌خود هستیم برای خداست و اگر هوشیاریم برای شما است.

بعضی‌ها همین تهمت را به عیسی مسیح می‌زدند و می‌گفتند که او بی‌خود شده است (مرقس ۳:۲۰-۲۲). همانگونه که در باره عیسی بدگویی کردند، در باره شاگرد او (پولس) نیز بد خواهند گفت (یوحنا ۱۵:۱۸، ۲۰ و تفسیر آن را مشاهده کنید).

۱۴ بزرگترین نیروی پیش‌برنده در زندگی پولس، محبت مسیح بود. هر آنچه که پولس

۱۶- البته بعضی اوقات پیش می‌آید که رهبران به دام گناه می‌افتند. در چنین موارد باید کلیسا را نسبت به این مطلب آگاه نمود. ولی در این موقع، حداقل بایستی دو شاهد وجود داشته باشد (اول تیموتائوس ۵:۱۹-۲۰). در صورت وجود شک و اتهام، باید اتهامات به روشنی ثابت شود؛ در غیر این صورت کلیسا، نباید به ایرادات و اتهامات بی‌اساس گوش کند.

(رومیان ۹:۵-۱۰). ثانیاً، «انسانیت کهنه و گناهکار ما» با مسیح خواهد مُرد (رومیان ۶:۶-۸؛ غلاطیان ۵:۲۴). وقتی که به مسیح ایمان آورده، او را تکیه‌گاه خود قرار دهیم، طبیعت کهنه را بیرون کرده، انسانیت نو (عیسی مسیح) را خواهیم پوشید و زندگی جدیدی را در مسیح آغاز خواهیم نمود (رومیان ۱۳:۱۴؛ غلاطیان ۳:۲۷؛ افسسیان ۴:۲۲-۲۴ و تفسیر آن را مشاهده کنید؛ همچنین در بخش مقالات: «طریق نجات» را مشاهده کنید).

۱۶ بنا بر این، ما بعد از این هیچ کس را بحسب جسم نمی‌شناسیم. منظور پولس اینست که از این پس، هیچ کس را بر اساس میزان و معیارهای جهان و «جسم» مورد سنجش و قضاوت قرار نخواهیم داد؛ بلکه، معیار اندازه‌گیری ما بایستی روحانی باشد (رومیان ۸:۵) را مشاهده کنید).

قرن‌تیان یکدیگر را بحسب جسم و براساس معیارهای این جهان قضاوت و بررسی می‌کردند (اول قرن‌تیان ۳:۳-۴ را مشاهده کنید). ولی ما نباید بر طبق موازین این عالم به دیگران نگاه کنیم (رومیان ۲:۱۱؛ غلاطیان ۳:۲۸ را مشاهده کنید).

در ابتدای امر پولس، عیسی مسیح را بحسب جسم قضاوت می‌کرد. پیش از ایمانمان، ما نیز مسیح را بحسب جسم «می‌شناختیم». ولی اکنون که مسیح زنده و قیام کرده را ملاقات کرده‌ایم، او را بحسب «روح»، براساس معیارهای حقیقی، می‌شناسیم.

داشتن اطلاعات صحیح راجع به عیسی مسیح، کافی نیست، ما باید او را به طور شخصی، انفرادی و «بحسب روح» بشناسیم.

۱۷- آنهایی که در جهنم هستند، تا ابد در حالتی شبیه موت باقی خواهند ماند، زیرا جهنم جدایی مطلق از عیسی مسیح و خدای پدر و روح‌القدس است. آنهایی که از خدا جدا شده‌اند، حیاتی در خود نخواهند داشت، زیرا جدا از خدا زندگی روحانی ممکن نخواهد بود.

می‌کرد بخاطر محبت مسیح بود. عیسی مسیح جان خود را برای پولس فدا کرده بود. پولس نیز زندگی خود را وقف عیسی کرده، حاضر به هرگونه جانفشانی برای خداوندش بود.

ولی عیسی مسیح فقط جان خویش را برای پولس فدا نساخته بود. او به هر کس به وی ایمان آورد زندگی بخشیده است. او به جای دیگران و در عوض همه انسانها مُرد تا هر کس که به او ایمان آورد، حیات جاودانی یابد. ما انسانها گناهکاریم و برای همین گناهان محکوم به مرگ می‌باشیم، اگر مسیح به جای ما بر صلیب نمرده بود و بهای گناهکاری ما را پرداخت نکرده بود؛ هر یک از ما می‌بایست آن مجازات را تحمل کرده برای ابد به دوزخ و جهنم محکوم می‌شدیم^{۱۷} (مرقس ۱۰:۴۵ و تفسیر آن را مشاهده کنید).

پولس می‌گوید که همه مردند. به یک معنا، هر ایمان‌داری با مسیح مرده است (رومیان ۳:۶). حیات گناهکار و انسانیت کهنه و آلوده به گناه ما، با مسیح مصلوب شده است (رومیان ۶:۶-۷ و تفسیر آن را مشاهده کنید).

۱۵ مسیح مُرد تا به ما حیات بخشد. زمانی که به عیسی مسیح ایمان آوریم، زندگی پیشین و گناه‌آلود قبلی با مسیح مرده، حیات تازه روحانی و جاودانی پیدا می‌کنیم (رومیان ۴:۶-۸،۵؛ غلاطیان ۲:۲۰ و تفسیر آن را مشاهده کنید). واکنش ما نسبت به محبت مسیح چگونه باید باشد؟ در مقابل همچو محبتی، تنها یک واکنش باقی است؛ برای خویشتن زندگی کردن را رها نموده، برای او که جان خود را بخاطر ما فدا کرده، زیست نماییم. ما زندگی خود را به مسیح بدهکاریم.

در آیات ۱۴-۱۵، دو گام مهم زندگی مسیح را مشاهده می‌کنیم. اول اینکه، مسیح در راه ما جان سپرد (رومیان ۵:۶،۸). و بخاطر قربانی مسیح، هر که به او ایمان آورد، نزد خدا عادل محسوب خواهد شد و نجات خواهد یافت

اگر در مسیح باشیم، مسیح نیز در ما خواهد بود، و بوسیله روح القدس در ما زندگی خواهد کرد، و ما مخلوقی نو خواهیم شد (رومیان ۸:۱۱).

به منظور آنکه «خلقت تازه» در ما پا بگیرد و «مخلوق تازه» اجازه قد علم کردن پیدا کند، انسان کهنه و گناهکار بایستی مصلوب گردد (رومیان ۶:۶؛ غلاطیان ۵:۲۴). بایستی انسانیت کهنه را بیرون کنیم (افسسیان ۴:۲۲). پیش از دریافت قلبی تازه، باید دل کهنه و گناهکار از سینه خارج گردد (حزقیال ۱۱:۱۹). پیش از آنکه برگهای تازه بر درخت جوانه زند، برگهای کهنه و خزان زده بایستی به زمین بیفتند.

ولی پیش از آنکه «مخلوقی تازه» گردیم، باید در مسیح باشیم. و اگر در مسیح، مخلوقی تازه هستیم، باید عادات و روشهای گذشته و راههای گناه‌آلود سابق را کنار بگذاریم. **چیزهای کهنه درگذشت، اینک همه چیز تازه شده است!** اگر زندگی و قلب ما کماکان مملو از گناه و پلیدی و خودخواهی‌ها، و عادات زشت سابق است، چگونه می‌توان مدعی شد که مخلوقی تازه هستیم؟

آیا با نگاه کردن به خود، می‌توانیم ادعا کنیم که **مخلوقی تازه** هستیم؟ آیا زندگی و رفتار و حرکات ما، نشاندهنده یک مخلوق تازه است؟ جواب منفی به این سؤالات نمایانگر یک حقیقت بیش نیست و آن اینکه **در مسیح** نیستیم. پس بیایید قلب و روان و زندگی خود را تفتیش کرده ببینیم که آیا مسیح در ما است یا نه؟

۱۸ ابتدای همه چیز از خداست و همه چیز هستی خود را از خدای هستی بخش دریافت کرده است. نجات ما نیز از او ابتدا گرفت. اول، **ما را بواسطه عیسی مسیح با خود مصلحه داد،** و سپس وظیفه هدایت دیگران به سوی منجی جهان و مصلحه با وی را به ما واگذار نمود.

چرا انسانها به مصلحه با خدا نیازمند می‌باشند؟ گناه بشر، بین خدا و انسان جدایی

صرف دانستن داروی صحیح به شخص بیمار کمکی نخواهد کرد، بلکه جهت شفا و بهبودی، باید داروی صحیح را مصرف کرد! به همین طریق، ما نیز باید مسیح را با ایمان پذیرفته، هدیه نجات او را از آن خود کنیم. برای مثال، پس از قیام مسیح از مردگان، «توما» که یکی از دوازده شاگرد او بود، به خبر رستاخیز عیسی ایمان نیاورد. او اظهار داشت که بایستی اول عیسی را با چشم ببیند و بر زخمهای او دست بگذارد تا اینکه خبر رستاخیز او را باور کند. او می‌خواست که عیسی را بحسب موازین و معیارهای جسم و جهان بشناسد. ولی عیسی به **توما فرمود: بی ایمان مباش بلکه ایمان دار.** در نتیجه این گفتار عیسی، چشمان روحانی **توما** گشوده شد و عیسی مسیح زنده و قیام کرده را ملاقات کرد و به او ایمان آورد (یوحنا ۲۰:۲۴-۲۹ را مشاهده کنید).

۱۷ این آیه حاوی یکی از بزرگترین حقایق عهدجدید است. در هیچ کدام از کتابهای مذهبی هیچ دینی عبارتی مشابه این عبارت یافت نمی‌شود که در صورت ایمان آوردن به پیامش، پیروان آن مذهب **خلقت تازه‌ای** خوانده شوند. ولی زمانی که شخص **در مسیح باشد**، انسانی نو خواهد شد، او **خلقت تازه‌ای است.** انسانیت کهنه با مسیح مصلوب شده است و «مخلوقی نو» بوجود آمده است (یوحنا ۳:۳؛ رومیان ۸:۶ و تفسیر آن را مشاهده کنید).

عبارت مهم و کلیدی این آیه **در مسیح** است. **در مسیح** بودن یعنی ایمان داشتن به او، یعنی اطاعت از وی، یعنی محبت و عشق ورزیدن به مسیح، یعنی او را به طور شخصی و روحانی شناختن. در مسیح بودن یعنی او را به عنوان پادشاه زندگانی، خداوند و نجات‌دهنده خود پذیرفتن. همانگونه که یک شاخه، جزئی از درخت است و در درخت می‌باشد؛ به همان گونه ما باید در مسیح باشیم (یوحنا ۱۵:۴-۶ را مشاهده کنید).

بود و جهان را با خود مصالحه می‌داد و خطایای ایشان را بدیشان محسوب نداشت (کولسیان ۱۹:۱-۲۰ را مشاهده کنید). بوسیله عیسی مسیح، گناهان ما بخشیده شده است و ایمانداران از مجازات آن گناهان معاف شده‌اند. عیسی مسیح، بره قربانی بود که گناه جهان را برداشت (یوحنا ۱:۲۹ و تفسیر آن را مشاهده کنید). **پس هیچ قصاص نیست بر آنانی که در مسیح عیسی هستند** (رومیان ۸:۱). به بیانی دیگر، کلام **مصالحه همان انجیل عیسی مسیح است.**

و خدا این پیام و کلام را به ما سپرده است. او مسئولیت اعلام این خبر خوش به کل عالم را به عهده ما انسانها محول نموده است. مسئولیت رسانیدن خبر خوش انجیل، فقط به پولس و دیگر رسولان و کشیشان و مبشرین و کارکنان کلیسا محدود نمی‌گردد، بلکه هر ایماندار می‌تواند موظف است که همسایگان و افراد گناهکار را با خدا آشتی دهد. آیا به وظیفه خود عمل می‌کنیم و عمل کرده‌ایم؟ آیا خبر خوش انجیل را به دیگران اعلام کرده‌ایم و یا اینکه در مقابل خدا و دیگران از انجام این عمل مهم قصور ورزیده‌ایم؟ آیا در جایی که همسایه و فامیل و عزیزانمان بی‌آنکه با خدا آشتی کرده باشند، هلاک شده، به عذاب ابدی محکوم خواهند شد، هنوز ساکت مانده‌ایم؟

۲۰ باشد که دیگر ساکت نمانیم! ما نیز مانند پولس رسول، سفیر و **ایلچی** مسیح هستیم. ما سخنگویان خدا، و نمایندگان او هستیم. خدا ما را با خود آشتی نداد که ساکت بمانیم، بلکه او ما را انتخاب کرد تا اینکه پیام مصالحه و آشتی را به دیگران برسانیم. تا اینکه دیگران بوسیله شنیدن کلام مصالحه از طریق ما، با خداوند آشتی کرده از عذاب آن عالم رهایی پیدا کنند.

سفیر پادشاه بودن، مسئولیت و افتخار بزرگی است. ولی سفیر **شاه شاهان** و ایلچی عیسی مسیح بودن، افتخاری بمراتب عظیم‌تر است (اول تیموتائوس ۶:۱۵ را مشاهده کنید).

افکنده است. به خاطر گناه بشریت، غضب خدا بر انسان خواهد آمد (رومیان ۱:۱۸). از این رو انسان نیازمند مصالحه با خدا می‌باشد.

ولی چگونه می‌شود با خدا صلح کرد؟ جواب این سوال مهم در مسیح است. به جای آنکه غضب خدا بر انسان گناهکار قرار گیرد، خدا پسر یگانه خود را به جای ما مورد غضب قرار داد. عیسی مسیح بعبود ما مجازات شد و به **سبب تقصیرهای ما مجروح و به سبب گناهان ما کوفته گردید و تأدیب سلامتی ما بر وی آمد** (اشعیا ۵۳:۵-۶). به سبب قربانی مسیح بر روی صلیب، ما را با خدا صلح و آشتی داد. بوسیله او **نزد خدا سلامتی داریم** (رومیان ۵:۱). عیسی مسیح، تنها **متوسط** بین خدا و انسان است (اول تیموتائوس ۲:۵). و تنها بواسطه عیسی مسیح است که می‌توانیم نزد پدر برویم (یوحنا ۱۴:۶). اینک بیابید از خود پرسیم: «بزرگترین نیاز افراد در شهر، روستا، قریه، و یا محله ما چیست؟» آیا درد اصلی مردم، کمبود آب آشامیدنی است؟ آیا احتیاج اساسی جامعه به خوراک خوب است؟ آیا مشکلات جامعه با بهداشت و شفای امراض جسمانی حل خواهد شد؟ یا اینکه مردم به مدرسه و آموزش نیازمند می‌باشند؟ یا اینکه، با کشاورزی بهتر، احداث پل و جاده و غیره، مسائل جامعه حل خواهد گردید؟ نه، هیچ یک از اینها، چاره درد اصلی جامعه نیست. تنها نیاز همه افراد بشر، زن و مرد و کودک، آشتی کردن و یافتن مصالحه با خداوند می‌باشد. این مهمترین و بنیادی‌ترین، احتیاج انسان است. چه چیز از این مهمتر؟ آنچه که قابل توجه است، این حقیقت اعجاب‌آور می‌باشد که خدا، این مأموریت بزرگ و خطیر یعنی **خدمت مصالحه را به ما سپرده است**. خداوند مهربان وظیفه حیاتی بشارت خبر خوش مصالحه را به ما انسانهای ضعیف و ظروف خاکی محول کرده است.

۱۹ کلام **مصالحه** این است که **خدا در مسیح**

است دارای دو معنی باشد. بعضی از مفسرین می‌گویند که پس از دریافت فیض خدا، ممکن است آن را از دست داد. پس آنانی که نجاتشان را از دست می‌دهند، فیض خدا را بی‌فایده یافته‌اند (اول قسرتیان ۱۵:۲؛ اول تیموتائوس ۱:۱۸-۲۰؛ عبرانیان ۶:۴-۶؛ ۱۰:۳۵-۳۹ را مشاهده کنید). عیسی مسیح، خود در بارهٔ بذرهایی که بر زمین سنگلاخی افتاده بود صحبت کرده است و دربارهٔ آن بذرها فرمود که ایشان بزودی خشک می‌شوند (مرقس ۴:۵-۶، ۱۶-۱۷).

حال آنکه گروه دیگری از مسیحیان می‌گویند که ایمان و فیض خدا، محال است از بین برود (در بخش مقالات عمومی، نگاه کنید به مقاله: «آیا ممکن است نجات خود را از دست بدهیم؟»). ولی ایشان همچنین معتقدند که ممکن است به دلیل گناه یا به علت بی‌توجهی به تعالیم کتاب مقدس، زندگی یک نفر مسیحی بی‌ثمر گردد. و در اینگونه مواقع نیز می‌توان با جرأت گفت که این شخص، فیض خدا را **بی‌فایده یافته** است (مرقس ۷:۴، ۱۸-۱۹ را مشاهده کنید). در رسالهٔ اول قرن‌تیاں ۳:۱۰-۱۵، پولس این چنین تعلیم داد که در روز داوری، خدا اعمال ما را مورد آزمایش قرار خواهد داد. اگر اعمال ما بد باشد، به آتش سوخته خواهد شد، ولی ما نجات خواهیم یافت (دوم قرن‌تیاں ۵:۱۰ را مشاهده کنید).

حال، صرف نظر از منظور پولس از این کلمات، (احتمال دارد که پولس رسول دو پهلوی نوشته است و منظورش هر دو حالت بوده است)، بیایید تا جزء آن دسته از ایمانداران نباشیم که **فیض خدا را بی‌فایده یافته‌اند**.

۲ پولس رسول ذهن اعضای کلیسای قرن‌تس را به آن زمانی که ابتدا فیض خدا را دریافت کرده بودند و چگونگی دریافت آن فیض متوجه می‌کند. به این منظور، او از اشعیای نبی ۸:۴۹ نقل قول می‌کند. در این آیه،

و هر ایماندار مسیحی، صرف‌نظر از طبقه اجتماعی، میزان تحصیلات، ثروت و فقر، ایلچی مسیح است.

ما به عنوان سفیران مسیح باید از دیگران **استدعا** کنیم که با **خدا مصالحه** کنند. به عبارت دیگر به مردم اعلام کنیم: «با ایمان هدیهٔ فیض خدا را بوسیلهٔ صلیب عیسی مسیح بپذیرید و با خدا آشتی کنید» (رومیان ۱:۵، ۵:۱۰-۱۱ و تفسیر آن را مشاهده کنید).

۲۱ مسیح هرگز گناه نکرد (عبرانیان ۴:۱۵؛ اول پطرس ۲:۲۲؛ اول یوحنا ۳:۵). و از آنجا که عیسی کاملاً بی‌گناه و کاملاً بی‌عیب بود، توانست با مرگ خود بهای گناهکاری ما را پرداخت کرده، رضایت خدا را حاصل نماید. اگر مسیح گناهکار بود، مرگ او تنها قادر به پرداخت بهای گناهان خودش می‌شد. ولی خدا، عیسی بی‌گناه را **در راه ما گناه ساخت**، یعنی خدا پسر یگانه و بی‌گناه خود را فرستاد تا جای ما گناهکاران را بر صلیب پر کند (اشعیای ۵۳:۱۲).

با گرفتن تنبیه گناهان ما بر خود، مسیح خطایا و بی‌عدالتی ما را از ما دور ساخته، موجباتی فراهم نمود **تا ما در وی عدالت خدا شویم**. یعنی اینکه با ایمان به عیسی مسیح در عدالت شریک شویم (رومیان ۱:۱۷؛ ۳:۲۱-۲۲ و تفسیر آن را مشاهده کنید).

باب ۶ شرحی از زندگانی پولس (۱:۶-۱۳)

۱ در این آیه و همچنین در اول قرن‌تیاں ۹:۳، پولس رسول خود و دیگر رسولان را با لقب **همکاران** خدا معرفی می‌کند. و از آنجا که پولس، رسول و همکار خدا است، کلیسای قرن‌تس و همچنین ما، باید به سخنان وی توجه کنیم.

پولس از کلیسای قرن‌تیاں درخواست می‌کند: **فیض خدا را بی‌فایده نیافته باشید**. این آیه ممکن

سخنان ما با رفتارمان مغایرت دارد، از آمدن به سوی مسیح خودداری خواهند کرد. حتی اگر زندگی ما پاک و بی‌ملامت باشد، ممکن است که شهادت ما درباره عیسی مسیح بطور ناقص عرضه شده یا اینکه حتی غلط و دروغ باشد! این کار نیز باعث **لغزش** دیگران خواهد شد.

از سوی دیگر، این نکته نیز حقیقت دارد که مردم به دنبال بهانه‌ای هستند که پیام انجیل را قبول نکنند! ایشان نمی‌خواهند به اوامر و احکام عیسی مسیح گردن نهند. از این رو رفتار ناپسند ما را بهانه قرار داده، از پیروی عیسی مسیح سر باز می‌زنند. ولی نزد خدا، حتی رفتار ناپسند ما دلیل موجهی برای نپذیرفتن عیسی مسیح نمی‌باشد. اما در نهایت امر، هر کس مسئول اعمال خودش است و هر که به عیسی مسیح ایمان نیاورد، خود جواب بی‌ایمانی خود را خواهد داد. ایشان باید به عوض نگاه کردن به ما به زندگی و تعالیم عیسی مسیح نظر می‌افکنند. صرف‌نظر از چگونگی رفتار مسیحیان، این عیسی مسیح است که فرزند پاک خداوند می‌باشد و هر که به او ایمان نیاورد هلاک خواهد شد (یوحنا ۳:۱۸). پس باشد که در هر چه می‌کنیم و هر سخنی که به زبان می‌آوریم، سعی کنیم که مردم را نه به طرف خود بلکه به سوی مسیح و در جهت عیسی هدایت نماییم. ولی در عین حال نباید ایشان را با اعمال زنده و زشت خود از مسیحیت گریزان کنیم.

۴-۵ پولس در آیه ۴ می‌گوید: **در هر امری خود را ثابت می‌کنیم که خدام خدا هستیم.** یعنی اینکه، پولس همیشه سعی می‌کند که نشان دهد که رسول واقعی و حقیقی خدا است. چگونه؟ بوسیله تحمل و صبر قابل تحسین او **در زحمات، در حاجات در تنگیها** هنگامی که برای عیسی مسیح شکنجه می‌شود و هرگاه بخاطر انجیل در زحمت و ناراحتی می‌افتد. این زحمات و سختیها باعث پدید آمدن صبر خواهد شد (یعقوب ۳:۱ را مشاهده کنید). در

خدا از زبان اشعیای نبی، بشارت آمدن منجی عالم، یعنی مسیح را اعلام می‌کند. اشعیای نبی روز آمدن آن منجی موعود را **زمان مقبول و روز نجات** می‌نامد. پولس می‌گوید که آن روز نجات الان رسیده است. اینک آن زمان مقبول فرا رسیده است. اینک هر که به عیسی مسیح ایمان بیاورد، نجات خواهد یافت. باشد که تأخیر نکنیم! کار امروز را به فردا نیندازید، بلکه همین امروز عیسی مسیح را به عنوان خداوند و نجات دهنده خود به قلب خود راه دهید. زیرا امروز، وسیله نجات فراهم گردیده است و چه بسا فردایی در کار نباشد! چه بسا قلبی که امروز گشوده و آماده شنیدن انجیل و دریافت نجات باشد، فردا سخت و پراز شک شود. و یا چه بسا فردی که امروز زنده است، فردا به کام مرگ فرو رود. **لذا اینک الحال زمان مقبول است، اینک امروز روز نجات است.**

۳ پولس نمی‌خواهد باعث **لغزش** کسی گردد. او قصد ندارد که در سر راه افراد به سوی عیسی مسیح مانعی ایجاد نماید. از سوی دیگر، پولس همواره مواظبت می‌کند که زندگی و رفتارش با تعالیمش مطابقت داشته باشد **مبادا خدمت ما (پولس) ملامت کرده شود.** زیرا در آن صورت کسی به سخنان و تعالیم او گوش فرا نخواهد داد. پولس به آنچه که می‌گوید عمل می‌کند و از این لحاظ سرمشق بسیار خوبی است (دوم قرن‌تبیان ۱:۱۲ را مشاهده کنید).

چرا کلیسای مسیح سریع‌تر از این رشد نمی‌کند؟ علت این است که مردم رفتار مسیحی و خالی از محبت ما را دیده، متوجه می‌شوند که عمل ما با تعالیم کتاب مقدس مغایرت دارد. ایشان قادر نیستند که با نگرستن به زندگی ما به تعالیم انجیل پی ببرند! و کاملاً طبیعی است که با خود بگویند: «چرا باید مسیحی شوم؟»

رفتار بد ما باعث **لغزش** دیگران خواهد شد؛ طرز زندگی ما مانع وصال اطرافیان به عیسی مسیح خواهد گردید. زمانی که مردم ببینند که

شخص دنیوی و غیرمسیحی، ناراحتیها و سختیها موجب پدید آمدن تلخی و عصبانیت و شکایت خواهد شد. ولی برای مسیحیان، این ایام مشکل، صبر، امتحان و امید را به همراه خواهند داشت (رومیان ۵: ۳-۴). مشکلات، ایمان و شخصیت ما را امتحان کرده، مایه تقویت شخصیت و ایمان ما خواهد گردید (اول پطرس ۱: ۶-۷).

بنابراین، از آنجا که پولس این زحمات را تحمل کرده است، اهالی کلیسای قرنتس می‌توانند از اصالت ایمان و واقعی بودن رسالت او مطمئن باشند (اعمال ۱۹: ۱۴؛ ۱۶: ۲۲-۲۳؛ ۱۸: ۱۲؛ دوم قرن‌تیان ۱۱: ۲۳ را مشاهده کنید).

در اینجا پولس به شرح و معرفی عطایا و ثمراتی که روح‌القدس در زندگی او به نمایش گذاشته است، می‌پردازد. پولس نشان می‌دهد که وی رسول حقیقی خدا است، زیرا که او در **روح‌القدس** می‌باشد. این سخن پولس می‌تواند به دو صورت تفسیر گردد، اول اینکه او هرکاری را تحت امر و با اجازه و هدایت روح‌القدس انجام می‌دهد. از سوی دیگر، این سخن می‌تواند به این معنی نیز باشد که پولس قوت و نیروی تحمل سختیها و مشکلات جهت پیروی و خدمت به مسیح را از روح‌القدس دریافت می‌کند.

در این آیه منظور پولس رسول از **کلام حق**، ممکن است انجیل عیسی مسیح باشد و یا اینکه مقصود وی از کلام حق، راستگویی خویش است. پولس همیشه حقیقت را به زبان می‌آورد و قرن‌تیان به خوبی از این واقعیت آگاه بودند (دوم قرن‌تیان ۲: ۱۷).

پولس همیشه در **قوت خدا** خدمت کرده، موعظه نموده، تعلیم می‌داد. به عبارت دیگر هر کار و عمل پولس در **روح‌القدس** بود (اول قرن‌تیان ۲: ۳-۵).

اسلحه عدالت بر طرف راست و چپ، قسمتی از اسلحه تام خداست که پولس در افسسیان

۶: ۱۱-۱۸ به تفصیل از آن سخن می‌راند. در یک دست (دست چپ) **سپر ایمان** است (افسسیان ۶: ۱۶)؛ و در دست دیگر (دست راست) **شمشیر روح** قرار دارد (افسسیان ۶: ۱۷). اسلحه پولس رسول مانند جنگ‌افزارهای این جهان نیست؛ بلکه قوت و سلاح پولس از سوی روح خدا است.

۸ زمانی که همه موافق ما باشند و از ما تعریف کنند و نزد دیگران از **عزت و نیکبختی** برخوردار باشیم، خادم مسیح بودن آسان خواهد بود! ولی زمانی که بخاطر خدمت انجیل مسیح دچار **ذلت و بدنامی** شویم و دیگران ما را **گمراه کننده** لقب دهند، آنگاه چه خواهیم کرد؟ آیا در آن زمان نیز در **صبر بسیار** (آیه ۴) به خدمت ادامه داده، **حلم و مهربانی و محبت بی‌ریا** (آیه ۶) از خود نشان خواهیم داد؟

عیسی مسیح به شاگردان خود فرمود: **اگر مرا زحمت دادند، شما را نیز زحمت خواهند داد** (یوحنا ۱۵: ۲۰). بیایید مطابق نمونه مسیح زندگی و رفتار کنیم: **زیرا که برای همین خوانده شده‌اید، چونکه مسیح نیز برای ما عذاب کشید و شما را نمونه‌ای گذاشت تا در اثر قدمهای وی رفتار نمایید ... چون او را دشنام می‌دادند، دشنام پس نمی‌داد و چون عذاب می‌کشید تهدید نمی‌نمود** (اول پطرس ۲: ۲۱-۲۳).

۹ پولس در میان کلیساهایی که بنا نهاده بود و نیز نزد خدا **معروف** بود. پولس در نامه‌ای به تیموتائوس چنین اظهار داشت: **خداوند کسان خود را می‌شناسد** (دوم تیموتائوس ۲: ۱۹). ولی نزد بی‌ایمانان، پولس **مجهول** و ناشناس بود، ایشان او را فرد مهمی تلقی نمی‌کردند. زمانی که پولس پیروی از مسیح را آغاز کرد، نام و نشان، و ارج و قرب خود را نزد مردم این جهان از کف داد. پولس همه چیز خود را فدای عیسی مسیح نمود.

پولس می‌گوید نزدیک به **موت** بود. او همیشه در خطر و سختی به سر می‌برد و از این

زندگی پولس شباهت دارد؟» آیا رفتار ما به گونه‌ای است که گویی «گنجی روحانی و دولتی بی‌قیاس» با خود حمل می‌کنیم؟ آیا در زمان سختی و فشار، «صبور» هستیم؟ آیا زمانی که دیگران به ما دشنام می‌دهند «سکوت می‌کنیم»؟ زندگی پولس برای ما سرمشق و نمونه خوبی است. هرچند که رسیدن به نمونه پولس رسول مشکل به نظر آید، روح القدس و فیض خداوند ما در این راه خوب و عالی به ما کمک خواهند کرد. ما نه تنها می‌توانیم مانند رسولان و شاگردان بزرگ مسیح زندگی و رفتار کنیم، بلکه این وظیفه ما است که به نمونه مسیح اقتدا کرده، از هر جهت به کمال برسیم.

۱۱ پولس با آزادی و با دهان... گشاده با قرن‌تیاں سخن می‌گوید. او در هر مورد، با آزادی و با صراحت مسائل را به زبان می‌آورد. دلیل این صراحت لهجه پولس این است که **دل** پولس به سوی قرن‌تیاں **وسیع** و باز است؛ دل پولس برای قرن‌تیاں می‌طپد و او ایشان را مورد مهر و محبت و ملاحظت قرار می‌دهد.

۱۲ پولس به قرن‌تیاں می‌نویسد: **در ما تنگ نیستید** (ما محبت و مهر خود را از شما دریغ نورزیده‌ایم)؛ **لیکن در احشای خود تنگ هستید** (بلکه این شما هستید که محبت خود را از ما باز داشته‌اید). محبت پولس و دل پولس برای قرن‌تیاں **گشاده** و **وسیع** است، حال آنکه ایشان در **احشای** (دل) **خود تنگ** و بی‌محبت می‌باشند.

۱۳ پولس مانند پدری است که در مقابل محبت پدرانۀ خود، از فرزندانش توقع مهر و محبت دارد. پولس همانند پدری که از کودکش تقاضای کاری می‌کند، از کلیسای قرن‌تس می‌خواهد که دل خود را برای محبت کردن به او بگشایند.

زیر یوغ ناموافق نروید (۱۴:۶-۱۸)

۱۴ **زیر یوغ ناموافق با بی‌ایمانان** و **گناهکاران و ظلمت** مشوید. منظور پولس از این

سبب است که پیشتر گفت: **انسانیت ظاهری ما فانی می‌شود** (دوم قرن‌تیاں ۴:۱۶). هر روزه در خطر مرگ بسر می‌برد (رومیان ۸:۳۶؛ اول قرن‌تیاں ۱۵:۳۱؛ دوم قرن‌تیاں ۱:۸-۱۰؛ ۱۱:۲۳-۲۶ را مشاهده کنید). به واسطه این «موت» هر روزه، حیات مسیح، به طرز آشکارتری در زندگی او به نمایش گذاشته می‌شد (دوم قرن‌تیاں ۴:۱۰-۱۲ را مشاهده کنید).

هر چند پولس، در زحمت بود و مورد **سیاست** (شکنجه) قرار می‌گرفت، ولی امیدش را از کف نداده بود و **مقتول** نشده بود (اعمال ۱۴:۱۹-۲۰؛ دوم قرن‌تیاں ۴:۸-۹ را مشاهده کنید). بعید نیست که پولس با اظهار این کلمات **سیاست کرده شده، اما مقتول نی،** به مزموں ۱۸:۱۱۸ اشاره می‌کند که در آن مزموں نویس می‌گوید: **یاه (خدا) مرا به شدت تنبیه نموده، لیکن مرا به موت نسپرده است.**

۱۵ از دیدگاه مردم این جهان، پولس **محزون** به نظر می‌رسید. ولی واقعیت چیز دیگری است، پولس **دائماً شادمان** بود (متی ۵:۱۱-۱۲؛ رومیان ۵:۳؛ فیلیپیان ۴:۴ را مشاهده کنید).

در نظر مردم این جهان، او **فقیر** بود؛ او را **بی‌چیز** می‌شمردند. ولی در حقیقت پولس بسیار غنی بود (افسیسیان ۱:۷؛ ۲:۷؛ فیلیپیان ۳:۷-۸؛ ۴:۱۹ را مشاهده کنید). او در مسیح صاحب **همه چیز** بود (رومیان ۸:۳۲ را مشاهده کنید). پولس **در میان امت‌ها به دولت بی‌قیاس مسیح** بشارت می‌داد (افسیسیان ۳:۸). او در اثر قدمهای مسیح پا می‌نهاد، کسی که **هرچند دولت‌مند بود، برای شما فقیر شد تا شما از فقر او دولت‌مند شوید** (دوم قرن‌تیاں ۸:۹).

ممکن است ما مسیحیان، «نقره و طلا» برای انفاق کردن نداشته باشیم؛ ولی آنچه داریم، یعنی **دولت بی‌قیاس مسیح** را می‌توانیم به دیگران هدیه نماییم (اعمال ۳:۱-۸، ۱۶).

بیاید از خود بپرسیم: «آیا زندگی ما به

این جهان است. مؤمن در پی جلال نام خدا و دریافت تأیید از سوی خداوند است؛ و بی‌ایمان در پی بلند ساختن نام خود می‌باشد در جهت کسب تعریف و تمجید از دیگران تلاش می‌کند. پس چگونه ممکن است ایماندار با بی‌ایمان شراکت و همکاری داشته باشد؟

۱۶ ما ایمانداران، **هیکل** (معبد) **خدای حی می‌باشیم** (اول قرن‌تیان ۱۶:۳؛ ۱۹:۶؛ اول پطرس ۵:۲). کلمه «مقدس» به معنای جدا نگاه داشته شده و جدا کرده شده (از گناه و شرارت) می‌باشد. در میان ما «هیکل خدا»، نباید هیچ اثری از شرارت و گناه و بت‌پرستی به چشم بخورد (اول قرن‌تیان ۱۰:۲۰-۲۱ را مشاهده کنید). و بدنهای ما (هیکل خداوند) بایستی مقدس و پاک باشد، زیرا که خدا در ما زیست می‌کند.

در اینجا، پولس از ارمیای نبی ۳۸:۳۲ و حزقیال ۲۷:۳۷ نقل قول می‌کند. هر جا که قوم خدا حضور داشته باشند، خدا نیز در میان ایشان خواهد بود. از این سبب، مسیحیان و کلیسا (قوم خدا) باید مقدس باشند، زیرا خدا مقدس است و تحمل گناه و ناپاکی را ندارد.

۱۷ **پس خداوند می‌گوید: از میان ایشان بیرون آید و جدا شوید** (اشعیاء ۵۲:۱۱). از میان چه کسانی باید بیرون رفت؟ و از چه چیزی بایستی جدایی گزید؟ جواب روشن است، لازم است که از شریران، گناهکاران و از کسانی که در ظلمت سلوک می‌کنند دوری کرد. **در اعمال بی‌ثمر ظلمت شریک مباشید** (افسسیان ۵:۱۱). **اگر کسی که به برادر نامیده می‌شود، زانی یا طماع یا بت‌پرست یا فحاش یا میگسار یا ستمگر باشد، با چنین شخص معاشرت نکنید بلکه غذا هم نخورد** (اول قرن‌تیان ۵:۱۱). حتی یک گناه، قادر است که تمامی زندگی شخص را ناپاک گرداند؛ و یک گناهکار ناتوبه‌کار، قادر است که تمامی کلیسا را

کلمات چیست؟ معنی و مقصود او این است: مسیحیان نباید با کسانی که مسیح را انکار می‌کنند، شراکت داشته و یا زندگی مشترک داشته باشند.

به عنوان مثال، یک ایماندار، نباید با یک فرد بی‌ایمان ازدواج کند (اول قرن‌تیان ۷:۳۹). ولی اگر شخصی پس از ازدواج، ایمان آورد و مسیحی شد، نباید همسر غیرمسیحی خود را رها کند (اول قرن‌تیان ۷:۱۲-۱۳).

به عقیده پولس رسول، نشست و برخاست کردن و خوردن و آشامیدن با بی‌ایمانان بلامانع است (اول قرن‌تیان ۱۰:۲۷). جهت پخش پیام انجیل، نشست و برخاست کردن و داشتن رابطه با بی‌ایمانان، گناهکاران و افراد نیازمند به نجات، لازم و ضروری است (اول قرن‌تیان ۵:۹-۱۰). ولی ما نباید که در ارتکاب گناه، علی‌الخصوص پرستش بتهای آنها، با ایشان همراهی کنیم.

غیرممکن است بتوان **نور** و **ظلمت** را کنار یکدیگر قرار داد. نور هرگز قادر به شراکت با ظلمت نیست. **خدا نور است و هیچ ظلمت در وی هرگز نیست** (اول یوحنا ۱:۵-۷). ما باید همچون **فرزندان نور** زندگی کنیم (افسسیان ۵:۸). عیسی مسیح **نور انسان** بود (یوحنا ۱:۴-۵). او فرمود: **من نور عالم هستم** (یوحنا ۱:۹). خدای مهربان، آنانی را که به عیسی مسیح ایمان آورده‌اند **از ظلمت به نور عجیب خود خوانده است** (اول پطرس ۲:۹). سربلندی از ایمان آوردن به عیسی مسیح، راه رفتن در ظلمت و تاریکی را بر نور ترجیح دادن است (یوحنا ۳:۱۹-۲۰ را مشاهده کنید).

۱۵ **و مسیح را با بلعیال^{۱۸} چه مناسبت و مؤمن را با کافر چه نصیب است؟** مؤمن برای مسیح زندگی می‌کند و حیات خود را وقف مسیح کرده است، حال آنکه کافر برای خود و نفس خویش زندگی می‌کند. گنج و ثروت مؤمن در آسمان جا دارد؛ و شخص بی‌ایمان در پی مال‌اندوزی در

۱۸-بلعیال نام دیگری برای شیطان است.

یکپارچگی بدن مسیح حفظ گردد. وظیفه ما این است که گناهکار و معلمین دروغگوارا به توبه و بازگشت به سوی مسیح تشویق کنیم؛ و اگر آنها از توبه سر باز زدند و حاضر به پیروی از احکام الهی نشدند، آنگاه اجازه داریم که ایشان را تأدیب کنیم و یا از خود جدا سازیم. در هر صورت، لازم به یادآوری مجدد است که هر چه می‌کنیم، بایستی توأم با فروتنی و روحیه محبت مسیحی و با هدایت روح القدس همراه باشد.

۱۸ پولس رسول در اینجا از دوم سموئیل ۱۴:۷ نقل قول می‌کند. اگر پاک باقی بمانیم، خدا مثل پدری برای ما خواهد بود و ما مانند فرزندان وی خواهیم بود.

باب ۷

تسلی و خوشی پولس (۷:۱-۷)

۱ وقتی در اینجا پولس می‌گوید: **این وعده‌ها را داریم**، منظورش وعده‌هایی است که در دوم قرن‌تیان ۱۸، ۱۶:۶ از آن سخن گفته است. و از آنجا که خدا پدر ماست و ما فرزندان او هستیم پس لازم است که **خویشن را از هر نجاست جسم و روح طاهر بسازیم و قدوسیت را در خدا ترسی به کمال برسانیم**. خدا مقدس است؛ پس، ما نیز باید قدوس باشیم (اول پطرس ۱:۱۴-۱۶ را مشاهده کنید). گناهان را به دو دسته می‌توان تقسیم نمود، اول، آن گناهانی که در **جسم** انجام می‌شود؛ و دوم، گناهانی که **روح** را ناپاک (نجس) می‌کنند^{۱۹}. به عنوان فرزندان

فاسد کند (اول قرن‌تیان ۵:۶-۷ را مشاهده کنید). هر چند که همه این سخنان صحیح و لازم‌الاجرا می‌باشد، ولی باید در نحوه چگونگی اطاعت از این اوامر مواظبت به خرج داد. این آیات نمی‌گویند که برادران را به علت اختلاف سلیقه و اختلاف نظر از خود دور کنید. نه، ما نباید به خاطر مسائل جزئی و حل شدنی، برادران ضعیف‌تر خود را از کلیسا برانیم. یکی از حربه‌های مؤثر شیطان این است که مسیحیان را به حکم کردن و قضاوت عجولانه نسبت به یکدیگر و تهمت زدن به یکدیگر ترغیب کند. کلیساهای بسیاری به این دلیل از هم پاشیده‌اند. در اغلب مواقع، کسانی که باعث پاشیده شدن کلیساها هستند، جهت توجیه جدایی و پاره پاره کردن بدن مسیح (کلیسا)، این آیه را نقل می‌کنند **از میان ایشان بیرون آید و جدا شوید**. ولی پیش از تکرار این آیه، باید مراقب بود که فرمان عیسی مسیح را به دست فراموشی نسپاریم که: **حکم مکنید تا بر شما حکم نشود** (متی ۱:۷).

در کلیسای عیسی مسیح، هر دو عامل اتحاد و تقدس لازم می‌باشد. به این منظور، جهت دانستن چگونگی جدا ساختن و یا اخراج برادری از کلیسا به خاطر گناهکاری‌اش، باید تحت هدایت کامل روح القدس عمل کرد. و اگر بنا به دلایل خودپسندی، یا اختلافات شخصی، یا تهمت و افترای دروغ، برادری را از کلیسا اخراج نماییم، گناهی به مراتب بزرگتر و جدی‌تر از گناه مورد بحث آن برادر مرتکب شده‌ایم! در این موارد، بهتر است که با فروتنی و تواضع رفتار کرد و همیشه به یاد داشت که اگر بر دیگران حکم کنیم، خدا ما را نیز مورد قضاوت قرار خواهد داد (متی ۱:۷).

بنابراین، پیام اصلی این آیه به قرار زیر است: ما نباید از برادران و افراد گناهکار جدا شویم، بلکه باید از گناه آنها جدایی بگزینیم. از یک جهت، لازم است که کلیسا از هر گناه پاک و مبرا باشد؛ ولی از سوی دیگر، باید اتحاد و

۱۹- پولس رسول شرازهایی از قبیل: بی‌ایمانی، ناپاوری به وعده‌های خدا، غرور، تقلب، دروغ، ناراضی و ناشکری از نعمات خدا، روحیه انتقادگر، بت پرستی، و مثل اینها را گناهان «روح» قلمداد می‌کند. در اینجا، مقصود پولس از «روح» نفس و درون و روان انسانی می‌باشد. هر گناهی از دل و مغز انسان شروع می‌شود، ولی بعضی از گناهان در جسم هستند و بدن را

اعضای کلیسای قرن‌تس بخاطر گناهان خود و زحمتی که به او رسانده بودند **نوحه‌گری** می‌کردند.

غمی که به توبه می‌انجامد (۱۶-۸:۷)

۴-۱ واکنش اولیه پولس رسول از این قرار بود: «ای کاش آن نامه سخت را به قرتیان نفرستاده بودم! آن نامه، باعث ناراحتی خاطر ایشان خواهد شد». ولی پس از دریافت آن خبر خوش از سوی تیطس، پولس بسیار شاد گشته بود. او از این سبب خوشحال بود که علی‌رغم لحن شدید نامه‌اش، کلیسای قرن‌تس به خاطر آن نامه توبه کرده بودند (دوم قرتیان ۲:۲-۴ را مشاهده کنید).

در اینجا، دلیل اصلی تنبیه و انضباط روحانی درون کلیسا را مشاهده می‌کنیم. انگیزه اصلی تنبیه کردن ایمانداران خاطی، باید هدایت آنها به توبه و بازگرداندن ایشان به آغوش خداوند باشد. توبیخ و تنبیه مسیحی، هرگز زیان بار نبوده، بلکه اگر جو محبت حاکم باشد، آن تنبیه‌ها و توبیخ‌ها، همیشه ثمرات نیکو بیار خواهد آورد.

۱۰ **غمی که برای خدا باشد**، خود تنبیهی از جانب خداوند است و انسان گناهکار را به توبه خواهد کشاند. و نتیجه توبه حقیقی **فجات** خواهد بود.

گناه و سرپیچی از احکام خدا، منشأ این گونه **غم** است. ولی از سوی دیگر، **غم دنیوی** ریشه در نگرانیها و یأسهای این جهان دارد. اگر قلب خود را سخت کنیم و گوش خود را به صدای خدا فرا نگیریم، آنگاه به عوض داشتن غم خدایی (که به توبه می‌انجامد)، به غم دنیوی مغموم خواهیم شد که آن غم به جز تشویش و

آلوده می‌کند، حال آنکه گناهانی هستند که فقط ذهن و روح بشر را دستخوش آلودگی و ناپاکی می‌سازند.

خدا، این وظیفه ما است که خود را از هر گناه و ناپاکی دور نگاه داشته، **قدوسیت** را در خود به کمال برسانیم.

۴-۲ در اینجا پولس همان سخنان دوم قرتیان ۱۱:۶-۱۳ را ادامه می‌دهد. با خواندن این آیات می‌توان از عمق محبت پولس نسبت به کلیسای قرن‌تس آگاه شد. پولس در این قسمت آمادگی خود را جهت **موت و حیات** برای کلیسای قرن‌تس اعلام می‌کند.

۵ در انتهای آیه ۴، پولس گفت: **در هر زحمتی که بر ما می‌آید، شادی وافر می‌کنم**. چرا پولس اینگونه شاد است؟ دلیل این خوشی پولس این است که از همکارش تیطس خبر خوشی در رابطه با قرتیان شنیده است (آیه ۶). بر اساس دوم قرتیان ۱۲:۲-۱۳، پولس جهت ملاقات با تیطس، به **مکادونیه** (واقع در شمال یونان) سفر کرده بود. تیطس که از سفرش به قرن‌تس باز می‌گشت، با خود خبرهای خوشی از رشد روحانی اعضای کلیسای قرن‌تس آورده بود. تیطس، در سفر خود به قرن‌تس، نامه شدیدالحنی از سوی پولس به کلیسای قرن‌تس برده بود و پولس نگران عکس‌العمل اعضای کلیسای قرن‌تس نسبت به آن نامه بود (دوم قرتیان ۳:۲). آیا قرتیان از متن نامه پولس دچار خشم شده، پولس و تعالیمش را کاملاً رد کرده بودند؟ یا اینکه، از کلام و نامه سخت پولس درس گرفته، توبه کرده بودند؟ آیا اینک تصمیم گرفته‌اند که مانند سابق، مثل آن زمانی که از پولس انجیل را شنیده بودند، از کلام و فرمان خدا پیروی کنند؟ این سؤالاتی بود که ذهن و فکر پولس را به خود مشغول داشته بود و به خاطر آن به مکادونیه سفر کرده بود تا جواب آنها را از زبان تیطس بشنود.

۶-۷ تیطس خبرهای خوشی از قرن‌تس آورده بود. قرتیان منتظر آمدن پولس بودند و محبت او در دل‌های ایشان جای داشت. از این گذشته، تیطس به اطلاع پولس رسانده بود که

رفتار شایسته قرن‌تیان روح او (تیطس) از جمیع شما (قرن‌تیان) آرامی یافته بود. یکی از بزرگ‌ترین خدماتی که می‌توانیم برای خواهران و برادران مسیحی خود انجام دهیم، تشویق کردن و تسلی دادن ایشان است.

۱۴-۱۶ پیشتر، پولس از مسیحیان قرن‌تس بسیار تعریف کرده بود و در باره آنها به تیطس فخر نموده بود؛ اینک که تیطس با خبرهای دلگرم‌کننده به سوی پولس بازگشته بود، پولس خوشحال است که رفتار قرن‌تیان به گونه‌ای بوده که آبروی او پیش تیطس نرفته است! پولس می‌گوید: **زیرا اگر درباره شما بدو فخر کردم، خجل نشدم بلکه چنانکه همه سخنان را به شما به راستی گفتیم، همچنین فخر ما به تیطس راست شد.** آنها با رفتار نیکو و پسندیده خود به تیطس ثابت کرده بودند که سخنان پولس حقیقت داشته است. آنها به همان‌گونه که پولس تعریف کرده بود، عمل کرده بودند.

قرن‌تیان تیطس را مانند پولس یعنی **با ترس و لوز** (آیه ۱۵) پذیرفته بودند؛ و او را به اندازه پولس احترام و تکریم کرده بودند. این نشانه وجود یک تغییر کلی و مثبت در رفتار و اندیشه قرن‌تیان بود!

باب ۸

تشویق به سخاوتمندی (۸: ۱-۱۵)

۱-۲ در بین کلیساهای مکادونیه دو کلیسا از شهرت خاصی برخوردار می‌باشند، اول کلیسای فیلیپان و دیگری کلیسای تسالونیکیان. پولس در نامه‌اش به ایمانداران تسالونیکیه چنین می‌نویسد: **شما جمیع ایمانداران مکادونیه و اخائیه را نمونه شدید** (اول تسالونیکیان ۷: ۱).

هرچند که کلیساهای فیلیپیه و تسالونیکیه خود بسیار فقیر بودند و تحت جفا و فشارهای سختی قرار داشتند، ولی با این همه در رابطه با مسیحیان نیازمند اورشلیم، دولت سخاوتمندان ایشان افزوده شد (آیه ۲). زمانی که پولس رسول در

نگرانی و ناراحتی در این جهان و عذاب در جهان آینده، هیچ سودی در بر نخواهد داشت.

۱۱ در اینجا عکس‌العمل قرن‌تیان را پس از دریافت آن نامه شدیدالحن پولس، مشاهده می‌کنیم. پولس کلیسای قرن‌تس را متوجه گناه بسیار پلید و زشت، شخص خاصی کرده بود. و می‌بینیم که ایمانداران قرن‌تیان با آن شخص برخورد مناسب کرده آن گناه را از میان کلیسا دور ساخته بودند. و لذا اینک ایشان در این امر (از گناه آن شخص) میزبان شده بودند. اینک آن مورد ناگوار برطرف و حل شده بود.

۱۲ در ابتدای کار، قرن‌تیان نمی‌خواستند از فرمان پولس پیروی کنند؛ ایشان بیریق مخالفت علیه پولس را به دست گرفته بودند. پس نتیجه این شده بود که نخست، ایشان از تنبیه آن فرد خطاکار امتناع ورزیده بودند و گناه وی را تحمل می‌کردند (اول قرن‌تیان ۵: ۱-۲ را مشاهده کنید). مسیحیان قرن‌تس در دام غرور افتاده بودند. از این سبب است که پولس آن نامه پرخاش‌آمیز را به ایشان نوشته بود شاید که آنها را به توبه و به راه خدا بازگرداند. پولس امیدوار بود که اهالی کلیسای قرن‌تس اقتدار رسالت و مقام او را به رسمیت شناخته، کلام او را بشنوند و اطاعت نمایند (دوم قرن‌تیان ۲: ۹ را مشاهده کنید). اینک امید او به تحقق پیوسته بود.

غمی که برای خدا باشد و توبه‌ای که حاصل خواهد نمود، همیشه به خوشی و شادی الهی و سلامتی کلیسا منجر خواهد گشت. پولس احساس خوشی می‌کرد و نه تنها او بلکه تمامی کلیسا نیز خوشحال بودند. از این شادی متعجب نشوید! عیسی مسیح فرمود: **به شما می‌گویم که بر این منوال خوشی در آسمان رخ می‌نماید به سبب توبه یک گناهکار بیشتر از برای نود و نه عادل که احتیاج به توبه ندارند** (لوقا ۷: ۱۵).

۱۳ پولس به طور مخصوصی از طرز رفتار مثبت، مهربانانه و توأم با احترام قرن‌تیان با تیطس راضی و خشنود است. به واسطه این

کلیساهای آنها دست به جمع‌آوری کمک مالی جهت قحطی‌زدگان اورشلیمی نمود، آنها با سخاوتمندی تمام به او کمک کردند. پولس امیدوار است که قرن‌تیان نیز از نمونه آن کلیساهای پیروی کرده، با سخاوت هرچه تمام‌تر در امر جمع‌آوری اعانات شرکت جسته کلیسای نیازمند اورشلیم را کمک نمایند.

گشاده‌دستی یک مسیحی را با اینکه چه مقدار پول می‌دهد نمی‌سنجند؛ سخاوت را بر اساس اینکه شخص چقدر از پولش را برای خود نگاه می‌دارد اندازه می‌گیرند! ممکن است که یک شخص فقیر هرگز به اندازه یک فرد ثروتمند اتفاق نکند؛ ولی چه بسا سخاوت آن فقیر به مراتب بیشتر از آن شخص غنی باشد. آن بیوه فقیر را به یاد بیاورید که **دو فلس یک ربع** باشد به بیت‌المال هیکل کمک کرد. ولی عیسی در باره او چنین فرمود: **«هر آینه به شما می‌گویم این بیوه زن مسکین از همه آنانی که در خزانه انداختند بیشتر داد. زیرا که همه ایشان از زیادتای خود دادند، لیکن این زن از حاجتمندی خود، آنچه داشت انداخت، یعنی تمام معیشت خود را»** (مرقس ۱۲: ۴۱-۴۴).

۳-۴ مسیحیان مکادونیه از پولس التماس بسیار نموده بودند که به ایشان فرصت دهد که به خواهران و برادران خود در اورشلیم کمک نمایند (آیه ۴).

آیا ما نیز مانند مسیحیان مکادونیه این چنین به اتفاق کردن علاقه نشان می‌دهیم؟ یا اینکه، همیشه از فقر و نداری شکایت می‌کنیم، مبادا کسی از ما درخواست کمک مالی کند؟! باید به یاد داشته باشیم که پول ما، متعلق به خود ما نیست، بلکه صاحب اصلی اموال ما عیسی مسیح است. پس به هنگام دادن هدایا و اعانات، باید دید که عیسی مسیح چه می‌گوید و مطابق با آنچه که او می‌خواهد هدیه دهیم، نه مطابق با حسابهای شخصی خود!

این نکته را فراموش نکنید که اگر نسبت به

دیگران سخاوت به خرج دهیم، خدا نیز به نظر سخاوت به ما نگاه خواهد کرد. هرچه بیشتر دهیم، بیشتر نیز دریافت خواهیم کرد (دوم قرن‌تیان ۹: ۶). **آنچه آدمی بکارد، همان را درو خواهد کرد** (غلاطیان ۶: ۷). باشد که از خود خست نشان ندهیم. **خدا بخشنده خوش را دوست می‌دارد** (دوم قرن‌تیان ۷: ۹). بیایید در هنگام انفاق و کمک مالی به محتاجان، نگران نیازهای خود نباشیم، پولس گفت: **خدای من همه احتیاجات شما را بر حسب دولت خود در جلال در مسیح عیسی رفع خواهد نمود** (فیلیپیان ۴: ۱۹).

۵ مسیحیان مکادونیه نه تنها از دارایی خود انفاق می‌کردند، بلکه ایشان **اول خویشان را به خداوند** تقدیم کرده بودند. آنها برای ما سرمشق گردیده‌اند تا ما مطابق نمونه آنها رفتار کنیم. خدا به پول ما نیازی ندارد، ولی او ما را می‌خواهد! پولس نوشت: **لهذا ای برادران شما را به رحمتهای خدا استعدا می‌کنم که بدنهای خود را قربانی زنده مقدس پسندیده خدا بگذرانید که عبادت معقول شما این است** (رومیان ۱: ۱۲). اگر وجود و زندگی ما متعلق به مسیح باشد، آنگاه پول و دارایی ما نیز به او تعلق خواهد داشت. از این سبب بود که ایمانداران مکادونیه آنقدر سخی بودند، ایشان **اول خویشان را به خداوند** تسلیم و تقدیم کرده بودند. نه تنها خود را به خدا تقدیم و تسلیم کرده بودند بلکه خویشان را **بر حسب اراده خدا**، به پولس داده بودند. آنها از پولس رسول کاملاً حرف‌شنوی داشته، خود را به دستورات و راهنماییهای او سپرده بودند.

۶ پولس، تیطس را مأمور کرده بود که آن خدمت **نعمت را در میان** قرن‌تیان به اتمام برساند. منظور پولس از آن **نعمت**، جمع‌آوری هدایا برای مسیحیان محتاج در اورشلیم بود. پولس رسول، این عمل را بذل «نعمت» می‌نامد؛ همانگونه که خداوند ما را مشمول نعمات خود

نیست. بلکه مهم **دلگرمی** آنان به هنگام بخشش است. زیرا اگر آنها در امر دهش **دلگرمی** داشته باشند، آنگاه هدایای ایشان **مقبول می‌افتد**. نصیحت پولس در آیه ۱۱ این است: **بر حسب آنچه دارید بدهید** (اول قرن‌تیان ۲:۱۶) و تفسیر آن را مشاهده کنید).

۱۳ پولس نمی‌گوید: آنقدر بدهید که **دیگران را راحت و شما را زحمت باشد!** لازم نیست که آنها خود را تحت فشار گذاشته و یا اینکه خود را به خاطر دیگران مقروض کنند.

۱۴ برای مسیحیان، انفاق و کمک رسانی به درمندگان، امری طبیعی و معقول است. امروز ما به کسی کمک می‌کنیم و فردا ممکن است آن شخص به ما یاری رساند. از این سبب است که پولس می‌گوید: **تازیداتی ایشان به جهت کمی شما باشد و مساوات بشود**.

این گفته پولس، را نباید به عنوان سیستم اشتراکی کمونیستی تعبیر کرد. در حکومت اشتراکی کمونیستی، دولت از یک طبقه می‌گیرد و به طبقه دیگر می‌دهد. حال آنکه محبت مسیحی است که بایستی ما را به بخشش و سخاوتمندی وا دارد. در مسیحیت، ما آزادانه انفاق می‌کنیم نه تحت فشار دولت! و بسته به توانایی و قدرتمان سعی در برطرف ساختن نیازهای برادران و خواهرانمان خواهیم نمود (اعمال ۲:۴۴-۴۵؛ ۴:۳۴-۳۵) را مشاهده کنید). منظور پولس از **مساوات** این نیست که همه مسیحیان بایستی به یک اندازه پول و ثروت داشته باشند. خدا، اعضای خانواده خود را به حسب اراده خود متفاوت کرده است، در میان مسیحیان از هر قشر، شغل، طبقه و قابلیت دیده می‌شود. ولی همیشه باید مشارکت

۲۰- به یک معنا، مرگ، منتهای فقر و ناتوانی است. چنگال قدرتمند موت، نه تنها پول و دارایی و اموال ما را از ما می‌رباید، بلکه حیات و هستی ما را نیز به یغما برده، ما را در در نهایت تهیدستی و ناتوانی رها می‌کند!

فرموده است، ما نیز بایستی به دیگران نعمت برسانیم (آیه ۱ را مشاهده کنید). نعت رساندن به دیگران شامل محبت، رحمت، نیکویی، و سخاوت می‌گردد. هر نعمتی اول از خدا صادر می‌شود. بیایید که با کمال سخاوت نعمات خدا را به دیگران، مخصوصاً آنانی که فقیرتر و ناتوان‌تر هستند، ارزانی داریم.

۷ قرن‌تیان نعمات بسیاری از خدا دریافت کرده بودند. به خاطر فیض و نعمت خدا، آنها در **هر چیز افزونی** یافته بودند (اول قرن‌تیان ۱:۴-۷). پولس می‌گوید: حال که اینهمه یافته‌اید، **در این نعمت نیز بیفزایید**.

۸ پولس قصد ندارد که در امر جمع‌آوری هدایا، مسیحیان قرنتس را تحت فشار بگذارد. بلکه او می‌خواهد بوسیله مقایسه کردن قرن‌تیان با اهالی کلیسای مکادونیه، **اخلاص محبت آنها را** آزمایش کند (اول یوحنا ۳:۱۷-۱۸ را مشاهده کنید).

۹ بهترین نمونه سخاوت عیسی مسیح است. او از هر لحاظ بسیار **دولتمند بود**. تمامی ثروت جهان به او تعلق داشت، ولی او به خاطر **ما فقیر شد** (فیلیپان ۲:۶-۷ را مشاهده کنید). و به واسطه **فقر**، یعنی به وسیله مرگ او **۲۰** بر صلیب، ما دارای ثروت و دولت روحانی و حیات جاودانی شدیم.

اگر مسیح این همه فیض و نعمت به ما رسانده است، چگونه می‌شود که ادعای پیروی از او را کرد و به دیگران کمک نمود؟

۱۰-۱۱ در میان کلیساهای یونانی، کلیسای قرن‌تیان اولین جماعتی بود که به دعوت پولس پاسخ مثبت داده، به امر جمع‌آوری هدایا برای ایمانداران اورشلیم پرداخته بود. ولی پس از مدتی، امر جمع‌آوری هدایا به دست فراموشی سپرده شده بود. در اینجا پولس رسول قرن‌تیان را به تمام کردن آن کار تشویق می‌کند.

۱۲ پولس تأکید می‌کند که موضوع مهم در امر بخشش، کمی یا زیادی هدایای قرن‌تیان

سخاوتمندانه بین آنانی که دارند و آنانی که کمتر دارند برقرار باشد. مسیحیان هرگز نباید اجازه دهند که برادر یا خواهرشان در احتیاج بسر برد. آنانی که به اندازه کافی دارند، بایستی به اندازه توان خود بدهند و آنانی که ندارند به اندازه احتیاج خود دریافت کنند. در قلبی که متعلق به مسیح است، نه خست جایی دارد نه طمع! همه چیز از سوی خداوند هدیه شده است، او صاحب اصلی داراییهای ما است و آنچه که او داده است بایستی مطابق اراده و میل او مصرف شود (اول قرن‌تیان ۲:۴ را مشاهده کنید).

۱۵ در اینجا پولس از خروج ۱۸:۱۶ نقل قول می‌کند. این آیه مربوط به زمانی است که بنی‌اسرائیل از مصر خارج شده بودند **من** را (که غذایی شبیه قرص نان است) از آسمان برای ایشان می‌فرستاد. بنی‌اسرائیل هر روز به بیابان رفته، جهت خوراک خود «**من**» جمع‌آوری می‌کردند. طبیعتاً جوان‌ترها و قوی‌ترها، بیشتر از ضعیفان و یا پیرها «**من**» جمع می‌کردند؛ ولی در پایان کار، «**من**» جمع‌آوری شده را بین قوم تقسیم می‌کردند و بدین ترتیب **آنکه بسیار جمع کرد، زیادتی نداشت و آنکه اندکی جمع کرد، کمی نداشت.** و اگر شخصی از یهودیان سعی در اندوختن «**من**» برای روز بعد داشت، «**من**» فاسد شده، می‌گندید و دیگر قابل خوردن نبود.

اعزام تیطس به قرن‌تس (۸:۱۶-۲۴)
۱۶-۱۷ تیطس، حاضر شده بود که بار دیگر به قرن‌تس بازگردد و امر جمع‌آوری هدایا را به اتمام رساند.

۱۸ در این آیه، پولس در باره **برادری که مدح او در انجیل در تمامی کلیساها است**، سخن می‌راند. هویت آن برادر از متن نامه مشخص نیست، بعضی از مفسرین معتقدند که آن برادر لوقای طیب است و برخی می‌گویند که آن برادر احتمالاً تیخیکس بوده است (اعمال ۴:۲۰؛ افسسیان ۲۱:۶).

۱۹ آن **برادر** (هر که باشد) همراه تیطس به قرن‌تس سفر می‌نمود. نه تنها پولس آن برادر را مورد تأیید قرار می‌داد، بلکه **کلیساها نیز او را اختیار کردند** تا که در آن خدمت تیطس را همراهی کند.

۲۰ اصل مهم این بود که کلیساها، نمایندگان خود را انتخاب کنند و به همراه هدایا به اورشلیم ارسال کنند (اول قرن‌تیان ۳:۱۶). در غیر این صورت امکان داشت که بدخواهان، پولس و همکاران او را به دزدی و اختلاس و دخل و تصرف در هدایا متهم کنند. شیطان همیشه مترصد است که نیکوکاری فرزندان خدا را مبدل به بدنامی و شرارت سازد.

۲۱ در ارتباط با جمع‌آوری هدایا، پولس قصد داشت که آن کار به نحو شایسته انجام پذیرد. **زیرا که نه در حضور خداوند فقط، بلکه در نظر مردم نیز چیزهای نیکو را تدارک می‌بینیم.** منظور پولس این نیست که او در پی جلب نظر و رضایت مردم می‌باشد، زیرا که او همیشه رضای خدا را جستجو می‌کرد. هر چه که او می‌کرد، به قصد جلال دادن و کسب رضایت خاطر خداوند بود و بس (رومیان ۷:۱۴-۸؛ افسسیان ۵:۶-۸ را مشاهده کنید).

از سوی دیگر پولس می‌دانست که اگر بدنام شده یا اعتبارش از بین رود، خدا و انجیل عیسی مسیح به باد انتقاد گرفته خواهد شد. از این سبب بود که پولس دائماً مواظب رفتارش بود و در کارهایش احتیاط می‌کرد. نه اینکه او نگران نام خود بود؛ احتیاط و مراقبت پولس به این خاطر بود که مبادا رفتار ناپسندش، نام مسیح را بی‌حرمت سازد.

به همین منوال نیز، هر فرد مسیحی بایستی مواظب رفتار و کارهای خود باشد، تا اینکه بواسطه اعمال زشت او، نام مسیح لکه‌دار نگردد. این سخن به این معنی نیست که باید از هر گونه «بدنامی و بی‌حرمتی» احتراز نماییم. برعکس، همه ایمانداران، به نوعی برای عیسی

مسیحیان مکادونیہ، **غیرت** آنها را دیدند، آنها نیز با هیجان به برادران خود در اورشلیم کمک کردند.

۳-۴ اینک پولس کلیسای قرن‌تیاں را به ادامه جمع‌آوری هدایا تشویق می‌کند. زیرا در غیر این صورت، زمانی که نمایندگان کلیساهای مکادونیہ به آنجا بیایند و شاهد عدم تلاش قرن‌تیاں شوند، آنگاه **فخر** پولس **باطل** خواهد شد (آیة ۳)؛ آنگاه نمایندگان کلیساهای خواهند گفت پولس بی‌دلیل به قرن‌تیاں افتخار می‌کرده است. از سبب، پولس رسول تیطس و آن دو برادر را زودتر به سوی قرن‌تیاں روانه کرده است تا آنها را در امر تکمیل جمع‌آوری هدایا یاری کنند. پولس نمی‌خواهد که به خاطر عدم آمادگی قرن‌تیاں **خجل** شود.

۵ از این گذشته، پولس نمی‌خواهد که ایمانداران کلیسای قرن‌تس با **حزن و اضطراب** هدیه دهند (آیة ۷ را مشاهده کنید). بر عکس، او می‌خواهد که ایمانداران قرن‌تس، با خوشی و سخاوت‌مندی باعث **برکت** دیگران شوند.

کاشتن بذر سخاوت (۹:۶-۱۵)

۶ هرکه با **بخیلی** کارد، با **بخیلی** هم درو کند. بخشش پول و اموال در راه خدا، مانند کاشتن بذر در زمین است. اگر با سخاوت بدهیم، خدا نیز با سخاوت‌مندی برکت خود را بر ما خواهد ریخت (امثال ۹:۲۲). **هستند که می‌باشند**

۲۱- باید توجه داشت که در اینجا پولس رسول به‌طور مخصوص در باره پول و مسائل مالی سخن می‌گوید. تمام رهبران کلیساهای و جماعات مسیحی، بایستی مواظب باشند که خود و مسائل مالی کلیسا را از هرگونه شبهه مبرا نگاه داشته، همیشه آماده جوابگویی به هیئت ناظرین باشند. صرف گفتن اینکه «من به خدا جوابگو هستم» کافی نیست! شیطان مطمئناً آن رهبری که خود را تحت نظارت دیگر ایمانداران قرار نمی‌دهد، را لغزش خواهد داد.

مسیح «بی‌حرمتی» و «رسوایی» تجربه خواهند کرد. منظور پولس اینست که ما بایستی نام و شهرت خود را در مقابل رسوایی و بدنامی ناشی از گناه و شرارت حفظ کنیم. پولس در جایی دیگر نوشت: **از هر نوع بدی احتراز نمایید** (اول تسالونیکیان ۵:۲۲). خلاصه اینکه ما باید به مردم بهانه بدگویی کردن راجع به مسیح و انجیلش را ندهیم^{۲۱} (اول قرن‌تیاں ۹:۱۲ را مشاهده کنید).

۲۲ در این قسمت، پولس از شخص دیگری با عنوان **برادر خود** یاد می‌کند که وی نیز به همراه تیطس به قرن‌تس سفر خواهد کرد. هویت آن برادر نیز معلوم نیست.

۲۳-۲۴ پولس در مورد خوبی و قابل اعتماد بودن تیطس و همراهان او (آن دو برادر)، به قرن‌تیاں اطمینان می‌دهد. و به کلیسای قرن‌تس سفارش می‌کند که آنها را مورد احترام قرار داده خدمت کنند. زیرا تیطس **رفیق و همکار** پولس است (آیة ۲۳)؛ و آن دو برادری که به همراه تیطس سفر می‌کنند **رُسل کلیساهای** و مهم‌تر از آن **جلال مسیح می‌باشند**.

اگر پولس امروز به کلیسای نامه می‌نوشت، آیا از ما با عنوان **جلال مسیح** یاد می‌کرد؟

باب ۹

خدمت و هدایا برای مؤمنین (۹:۱-۵)

۱-۲ در این آیة، پولس به آنچه که پیشتر در ۸:۱۰ گفته بود یعنی **این خدمت مقدسین** (یعنی جمع‌آوری هدایا برای کلیسای اورشلیم) اشاره می‌کند. وی می‌گوید که در این خصوص لازم نیست بیش از حد بنویسد (**زیادتی می‌باشد، که به شما بنویسم**). زیرا که او از **دلگرمی** آنها در این **خدمت** آگاه است (آیة ۲). در ابتدای امر، مسیحیان قرن‌تس و محدوده حوالی آن یعنی **اخائیه**، با شادی و هیجان بسیار به امر گردآوری هدایا اقدام کرده بودند. و زمانی که

و بیشتر می‌اندوزند و هستند که زیاده از آنچه شاید نگاه می‌دارند اما به نیازمندی می‌انجامد. شخص سخی فریه می‌شود، و هر که سیراب می‌کند خود نیز سیراب خواهد گشت (امثال ۱۱: ۲۴-۲۵).

آدمی هر آنچه بکارد، همان را نیز درو خواهد کرد. این اصل تنها در امر کشاورزی صادق نیست، بلکه در امور روحانی از قبیل بخشیدن خطایای دیگران، حکم کردن به دیگران، و گناه و غیره نیز صدق می‌کند (متی ۶: ۱۲-۱۵؛ ۷: ۱-۲؛ غلاطیان ۶: ۷-۱۰ و تفسیر آن را مشاهده کنید).

عیسی فرمود: «هر که یکی از این صغار را کاسه‌ای از آب سرد محض نام شاگرد نوشاند، هر آینه به شما می‌گویم اجر خود را ضایع نخواهد ساخت» (متی ۱۰: ۴۲). ولی اگر انگیزه ما از کمک به دیگران دریافت کردن و انفاق ما از روی خودپرستی باشد، اجر خود را از دست خواهیم داد. ما باید با کمال میل و با کمال سخاوت و گشاده‌دستی و گشاده‌رویی، بی‌آنکه در فکر منافع خود باشیم، در راه خدا کمک کنیم. اگر بدین‌گونه بخشش کنیم، خدا مطمئناً ما را در این جهان و در عالم آینده برکت خواهد داد (امثال ۱۹: ۱۷؛ متی ۲۵: ۳۴-۴۰؛ لوقا ۶: ۳۴-۳۵، ۱۴: ۱۲-۱۴ و تفسیر آن را مشاهده کنید).

پولس به قرن‌تینان هشدار می‌دهد که هر کس بطوری که در دل خود اراده نموده است بکند، نه به حزن و اضطراب، بلکه انفاق آنها بایستی از صمیم دل و تحت هدایت روح‌القدس باشد (آیه ۵ را مشاهده کنید).

باشد که به جهت یافتن اکرام و تمجید از سوی دیگران، هدیه ندهیم (متی ۶: ۱-۴ و تفسیر آن را مشاهده کنید). و البته، نباشد که اگر کمک نکرده‌ایم، بگوییم که کمک کرده‌ایم! (اعمال ۵: ۱-۱۱ را مشاهده کنید).

خدمت ما برای خدا باید با روح سخاوت همراه باشد. اعمال رحمت ما باید توأم با شادی باشد (رومیان ۸: ۱۲). اگر از دادن هدیه به خدا

شادمان نیستیم، دلیل این است که آن هدیه را با روحیه مناسب تقدیم نکرده‌ایم. باشد که کلام خداوند را به یاد داشته باشیم که فرمود: **دادن از گرفتن فرخنده‌تر است** (اعمال ۳۵: ۲۰). باز عیسی مسیح فرمود: «**مفت یافته‌اید، مفت بدهید**» (متی ۱۰: ۸).

۸ هرگز گمان نکنیم که اگر برای خدمت خدا، چیزی دادیم، متقبل زیان شده‌ایم. زمانی که یک دهقان بذر را بر روی خاک می‌پاشد، زیان نمی‌کند! بلکه پس از گذشت چند ماه آن بذر به خرمن تبدیل خواهد شد! **خدا قادر است که هر نعمتی را برای شما بیفزاید تا همیشه و در هر امری کفایت کامل داشته، برای هر عمل نیکو افزوده شوید** (متی ۶: ۳۱-۳۳؛ فیلیپیان ۴: ۱۹ و تفسیر آن را مشاهده کنید). چه وعده زیبا و چه اطمینان خوبی! خدا را به خاطر سخاوت بی‌نهایتش شکر باد!

۹ پولس رسول در اینجا از مزبور ۹: ۱۱۲ نقل قول می‌کند. اگر با گشاده‌دستی و سخاوت به فقرا کمک کنیم عدالت ما تا به ابد باقی می‌ماند ۱۰ این خدا است که هم بذر و هم نان را فراهم می‌کند. همه برکات و نعمت‌ها فیض خدا سرچشمه می‌گیرد. هر اندازه که در راه خدا بدیم به همان میزان خداوند، **ثمرات عدالت** ما را **مزید خواهد کرد**. به بیانی دیگر، اگر در راه خدا خرج کنیم، خداوند ما را از لحاظ مادی و معنوی برکت خواهد داد^{۲۲}.

بسیاید همیشه قدرت بی‌نهایت عظیم پروردگار مهربان را به خاطر داشته باشیم

۲۲- هر چند که خداوند مسیحیان را از لحاظ مادی و معنوی (روحانی) شامل برکات خود می‌سازد. ولی ممکن است چشم ما همیشه قادر به مشاهده این برکات نباشد. بعضی مواقع، ممکن است خداوند ما را به سوی سختیها و تجربه‌های مختلف هدایت کند تا طلای وجودمان، از ناخالصی پاک شده، قادر به دریافت عطایای روحانی مهمتر و والاتری شویم.

(افسیسیان ۳: ۲۰-۲۱). خدا قادر است که از تخم بسیار کوچکی، درختی تنومند بیافریند. ولی پیش از آنکه خدا از آن تخم درختی به وجود آورد، ما بایستی آن بذرا را از خود دور ساخته آن را در خاک مدفون نماییم. اگر آن بذر را در کیف، جیب، یا در صندوق خود نگاه داریم، هرگز درختی از آن بذر بیرون نخواهد آمد. به همین منوال، عیسی مسیح زمانی توانست پنج هزار مرد را خوراک دهد که پسر بچه‌ای پنج نان و دو ماهی خود را به خداوند تقدیم داشت! (مرقس ۶: ۳۵-۴۴ را مشاهده کنید).

۱۴ به دلیل **افزونی فیض خدا** یعنی روحیه سخاوتی که خدا به قرن‌تیاں عطا فرموده است، ایمانداران اورشلیم **در دعای خود مشتاق** آنها می‌باشند. اینک، مسیحیان یهودی نژاد اورشلیم، و مسیحیان یونانی تبار قرتس، مشتاق یکدیگر شده‌اند و همدیگر را به طور عملی محبت می‌کنند (یکی با سخاوت و دیگری به وسیله دعا دیگری را برکت می‌دهد). این دلیل اصلی پولس برای تشویق قرن‌تیاں در امر بخشش است.

۱۵ **خدا را برای عطای مالاکلام او** (عطای فیض) **شکر باد**. این عطای وصف ناشدنی خدا چیست؟ پیش از هر چیز، عیسی مسیح. مهمترین و ارزشمندترین عطیه خدا به جهان، هدیه پسر یگانه‌اش عیسی مسیح است (یوحنا ۳: ۱۶؛ رومیان ۸: ۳۲؛ افسسیان ۱: ۳ و تفسیر آن را مشاهده کنید). **ای حبیبان، اگر خدا با ما چنین محبت نمود، ما نیز می‌باید یکدیگر را محبت نماییم** (اول یوحنا ۴: ۱۱).

باب ۱۰

پولس از خدمات خود دفاع می‌کند (۱: ۱۰-۱۸)

۱ پولس با روحیه **حلم و رأفت مسیح** از قرن‌تیاں **استدعا** می‌کند. حلم و رأفت، از جنبه‌های شخصیتی هر مسیحی بالغ می‌باشد. بعضی ممکن است که به غلط تصور کنند که حلم و بردباری، نشانه ضعف بوده، یک مرد با جرأت و قوی، نباید از خود حلم نشان بدهد. ولی این تصور کاملاً از حقیقت به دور است.

۱۱ به اندازه سخاوتمان نسبت به دیگران، خداوند به ما برکت خواهد داد و ما را هم از لحاظ مالی و هم از لحاظ روحانی **دولتمند** خواهد ساخت. **ما در هر چیز دولتمند** خواهیم شد.

چرا خدا ما را **دولتمند** می‌سازد؟ او به ما برکت عطا می‌کند تا اینکه ما قدرت بخشش بیشتری داشته باشیم! از همان لحظه‌ای که سخاوت ما تبدیل به خست شود، برکت خدا نیز از ما گرفته خواهد شد!

پولس به قرن‌تیاں (و به ما) می‌گوید: **کمال سخاوت را بنمایید که آن منشأ شکر خدا بوسیله ما می‌باشد**. یعنی زمانی که پولس و همکارانش، هدایای قرن‌تیاں را به اورشلیم بردند، مسیحیان نیازمند اورشلیم خدا را برای سخاوت کلیسای قرتس شکر و سپاس خواهد گفت.

۱۲ تشکر از دیگران بسیار مهم است، ولی مهمتر از آن، این است که همیشه برای نعمات، و برکاتی که دریافت می‌کنیم، از خدا شاکر باشیم. زیرا سخاوتمندی افراد، حاصل فیض خداوند است. خداوند هم «بذر» سخاوت را هدیه می‌کند و هم «خرمن» برکات از خدا سرچشمه می‌گیرد.

۱۳ بوسیله **این خدمت** (جمع‌آوری هدایا) از سوی قرن‌تیاں، اینک **اطاعت شما در اعتراف انجیل و سخاوت بخشش شما برای ایشان**

حلم و رأفت، نشانه اصلی و بارز قوت و مردانگی است. بزرگ‌ترین، قوی‌ترین، و مهم‌ترین مرد تاریخ بشر (عیسی مسیح)، در عین حال حلیم‌ترین و رئوف‌ترین مرد تاریخ هم بود. و از آنجا که پولس روح‌القدس را دریافت کرده است؛ رفتار او نیز پراز رأفت و حلم می‌باشد.

هرچند که عیسی مسیح، حلیم، رئوف و مهربان بود، در مقابله با گناه و تباهی، سرسخت، جدی، و شجاع بود (متی ۲۳: ۱۳-۳۶؛ یوحنا ۲: ۱۴-۱۶ را مشاهده کنید). به همین منوال نیز، پولس در عین حالی که حلیم و رئوف بود، با جدیت و تندی قرن‌تیاں را به خاطر گناهانشان مورد توبیخ قرار می‌داد. شجاعت و جدیت پولس از نیروی درونی خودش سرچشمه نمی‌گرفت، بلکه ریشه و منشأ قدرت، سرسختی، و شجاعت پولس، عیسی مسیح بود.

بعضی از اعضای کلیسای قرن‌تس با پولس دشمنی داشتند و از این سبب به پولس تهمت زده، می‌گفتند که هر وقت که پولس دور است، شجاع و با جسارت می‌شود ولی زمانی که در نزدیک به کلیسا است، ترس و بزدلی‌اش آشکار می‌گردد. یعنی اینکه او به هنگام نگارش رسالات از خود جسارت به خرج می‌دهد ولی شخصاً انسانی ترسو بیش نیست (آیه ۱۰). به عبارت دیگر او مثل سگی ترسیده است که فقط از دور عوعو می‌کند. آنها می‌گفتند که پولس جرأت ندارد که رودررو به قرن‌تیاں سخن گوید و آنها را حضوراً توبیخ کند. لذا در این آیه پولس به لحنی طعن‌آمیز، گفتار آنها را تکرار می‌کند.

از یک جهت، طعنه‌های دشمنان پولس صحت داشت. زیرا بار اول، پولس در ضعف و ترس و لرزش بسیار به نزد قرن‌تیاں آمده بود (اول قرن‌تیاں ۳: ۲). ولی آن دشمنان یک حقیقت مهم را فراموش کرده بودند که پولس رسول آمده بود که برهان روح و قوت روح‌القدس را به نمایش

گذارد (اول قرن‌تیاں ۴: ۲). با فراموش کردن این حقیقت، دشمنان پولس مرتکب خلاف‌گویی و تهمت بی‌جا زدن به پولس شده بودند. این خصلت بدگویان است، آنها هرگز تمامی واقعیات را به زبان نمی‌آورند، بلکه با بزرگ ساختن بخشی از واقعیات، تصویری غلط و گمراه‌کننده از مسائل ترسیم می‌کنند. بیایید که مواظب باشیم مبدا ما نیز در باره رهبران کلیسا، مرتکب چنین گناهی شده، واقعیات را وارونه و یا ناقص بازگو کنیم.

۲ دشمنان پولس همچنین به او تهمت زندگی مطابق با معیارهای این جهان را زده، می‌گفتند که او به طریق جسم رفتار می‌کند. در جواب این اتهام، پولس رسول می‌گوید که اگر لازم شد، با جرأت با ایشان مقابله خواهد کرد. ولی، پولس نمی‌خواهد که با کلیسای قرن‌تس رفتاری توأم با جسارت داشته باشد. برعکس، او خواهان این است که دشمنانش حقیقت را دیده، پیش از آمدنش به قرن‌تس توبه کنند تا اینکه او مجبور نباشد آنها را توبیخ نماید.

۳ زندگی کردن در این جهان (رفتار در جسم) با رفتار کردن به طریق جسم (آیه ۲) متفاوت است. وقتی که پولس می‌گوید در جسم رفتار می‌کنیم منظورش این است که در این جهان زیست می‌کند و به خاطر بشر بودن خود، مجبور به تحمل ضعفهای جسم است. او به خوراک، استراحت، استحمام و غیره نیازمند است و مجبور است که خستگی، بیماری و درد و سختیهای جسم را تحمل کند. ولی هرچند که پولس در جسم رفتار می‌کند، ولی به طریق جسم رفتار نکرده، مهم‌تر از آن، به قانون جسم جنگ نمی‌نماید (آیه ۳). اصطلاح «رفتار به طریق جسم» یعنی زندگی بر اساس معیارها و ضوابط انسانیت کهنه (رومیان ۶: ۶)، یا بر اساس طبیعت گناه‌آلود سابق (رومیان ۸: ۴-۵). در روزهای پیش از ایمانش، پولس بر طبق موازین دنیا و به طریق جسم جنگ می‌کرد. ولی اینک

ابلیس می‌باشد. تنها با کمک اسلحه روحانی پولس قادر بود که آن قلعه‌ها را (پایگاه افکار شیطانی را) به زیر افکند.

جا دارد از خود پرسیم که آیا ما نیز در این امر موفق بوده‌ایم؟ آیا ما نیز توانسته‌ایم «که خیالات و هر بلندی را که خود را به خلاف معرفت مسیح می‌افزاد، به زیر افکنیم؟» شاید در ظاهر مسیح را اطاعت و پیروی می‌کنیم، ولی آیا در باطن و در فکر خود نیز او را اطاعت می‌کنیم؟

همه می‌دانند که به زبان آوردن افکار شریر، عملی پسندیده نمی‌باشد. ولی باید به یاد داشت که انبار کردن آن افکار نیز، به همان میزان بد و شریر است. شاید بشود آن افکار ناپاک را از دیگران پنهان داشت، ولی در مقابل چشمان نهان‌بین خدا، قدرت پنهان‌سازی آن افکار شریر را از کف می‌دهیم. خدا به همه چیز، حتی آنچه که در ذهن ما می‌گذرد آگاه است.

گهگاه ممکن است ذهن ما مورد حمله افکار پلید قرار گیرد؛ چاره چیست؟ چگونه می‌توان با این افکار مقابله نمود؟ چطور خود را از این افکار خلاص کنیم؟ راه چاره این است که **هر فکری را به اطاعت مسیح اسیر** سازیم. یعنی اینکه آن افکار و خیالات را به زیر نفوذ مسیح آورده، آنها را تحت کنترل نیروی پاک کننده عیسی قرار دهیم. افکار ناپاک، «سربازان» شیطان هستند. با کمک اسلحه روحانی و **شمشیر روح** که همان کلام خدا است (افسسیان ۱۷:۶)، آنها را به اسارت مسیح در آوریم.

به بیانی دیگر، افکار پلید - از قبیل حرص، خشم، حسادت، ناپاکی، و غیره - مانند پرنده‌گانی هستند که در بالای سر ما پرواز می‌کنند. ما نمی‌توانیم مانع پرواز ایشان و چرخ زدن آنها شویم، ولی مطمئناً قادر هستیم که مانع شویم که آنها بر روی موهای ما مشغول به لانه سازی شوند! (یعقوب ۱:۱۵ و تفسیر آن را مشاهده کنید).

او در **مسیح خلقت تازه‌ای** است (دوم قرنیتیان ۱۷:۵)؛ بنابراین، او دیگر بر اساس راه‌های دنیا زندگی و مبارزه نمی‌کند، بلکه به **روح رفتار** می‌کند (غلاطیان ۵:۱۶). هرچند جسم پولس نو نشده است، و تا زمانی که پولس زنده است، بایستی این بدن کهنه را تحمل کرده **در جسم رفتار** نماید.

همچنین، پولس **قانون جسمی جنگ** نمی‌کند؛ یعنی اینکه او در مبارزه روحانی خود از اسلحه و شیوه‌های این جهان بهره نمی‌جوید. او مثل افراد غیرمسیحی و به روش معمول در این جهان مبارزه نمی‌کند. او به تهمت و افترا، بدنامی یا خدعه و حيله یا نیرنگ و دسیسه متوسل نمی‌شود. او دشمنان خود را با کمک شمشیر و تیر و نیزه شکست نخواهد داد.

۴ پس اسلحه پولس چیست؟ در جواب این سوال پولس می‌گوید: **اسلحه جنگ ما جسمانی نیست** (رومیان ۱۳:۱۲؛ دوم قرنیتیان ۷:۶؛ افسسیان ۱۳-۱۸ را مشاهده کنید). سلاح پولس، «قدرت خدا» است. اسلحه روحانی پولس، **قادر است برای انهدام قلعه‌ها**. اسلحه پولس او را قادر می‌سازد که با **مکرهای ابلیس مقاومت کند** (افسسیان ۱۱:۶). انسانها دشمنان ما نیستند، عدوی اصلی ابلیس است (افسسیان ۱۲:۶). اسلحه این جهان فقط به انسانها کارگر می‌افتد، و برای مبارزه با ابلیس باید سلاح روحانی به کف گرفت.

۵ افکار و عقاید انسانهایی که بر اساس موازین این جهان، با فکرهای خدا مغایرت دارد. تنها یک مخلوق تازه (کسی که به توسط روح القدس از نو مولود گردیده باشد) قادر است که جهان را از نقطه نظر و دیدگاه مسیح ببیند و مانند خدا به مسائل نگرش کند (اول قرنیتیان ۱۶:۲). **خیالات و هر بلندی فکر انسان دنیوی همیشه خود را بر خلاف معرفت خدا می‌افزاد**. ذهن و مغز انسان جسمانی، **قلعه شیطان** است؛ و افکار و خیالات فرد دنیوی، تحت تأثیر جهان و

حتی‌المقدور سعی کنیم که درون افراد را ببینیم. بیایید که سعی در شناختن و نزدیک شدن به آن برادر کرده، وی را درک کنیم. ببینیم که انگیزه‌ها و دلایل او چیست، میل و خواسته‌های وی را درک نماییم. آنگاه خواهیم فهمید که چرا آن برادر اینگونه رفتار می‌کند و دلیل وی از رفتارش چیست. اگر این رویه ما باشد، خیلی دیرتر کار قضاوت را شروع خواهیم کرد!

۸ از آنجا که روح‌القدس پولس را به خدمت رسالت خوانده است؛ پولس رسول به **اقتدار** رسالت خود **فخر** می‌کند. اقتدار پولس از شخصیت خودش نیست؛ بلکه او اقتدار رسالت خود را از عیسی مسیح دریافت کرده است.

توجه داشته باشیم که پولس رسول، برای **بنا نه برای خرابی**، اقتدار خود را به شبانان، واعظین، و کشیشان کلیساها منتقل می‌کند (دوم قرن‌تیاں ۱۰:۱۳ را مشاهده کنید).

۹-۱۱ بیشتر، پولس با **فروتنی و حلم** (آیه ۱)، **ضعف و ترس و لرزش بسیار** (اول قرن‌تیاں ۳:۲) به نزد قرن‌تیاں آمده بود. ولی در اینجا، پولس به قرن‌تیاں هشدار می‌دهد که او از ایشان نمی‌ترسد! پولس می‌گوید: **مستعد هستیم که از هر معصیت انتقام جوییم** (آیه ۶). در عین حال پولس امیدوار است که تنبیه سخت لازم نباشد و زمانی که به قرن‌تس آمد، آنها را از لحاظ روحانی سالم بیابد.

۱۲ در این آیه، پولس مجدداً با لحنی آمیخته با طعن به قرن‌تیاں سخن می‌گوید. پولس اظهار می‌کند که **جرات ندارد** که خود را مانند آن کسانی که خود را بزرگ می‌پندارند بشمارد.

معلمان کذب خود را بزرگ می‌پنداشتند. **ایشان خود را با خود می‌پیمایند و خود را به خود مقابله می‌نمایند**؛ یعنی آنها خود را محک و مبنای قضاوت بر اعمال خویش قرار می‌دادند. چه قدر این کار اشتباه است! در این دنیا فقط یک میزان و مبنای صحیح برای سنجش اعمال وجود دارد و آن عیسی مسیح است. تا

۶ پولس امیدوار است که کلیسای قرن‌تیاں خود را به زودی از شر انبیاء و معلمان کذب خلاص کند. پولس منتظر است که ایمانداران واقعی و حقیقی کلیسای قرن‌تس، زودتر توبه کرده، به عوض پیروی از معلمان کذب، به سوی خدا بازگردند. او منتظر این است که **اطاعت** (آنها) **کامل شود**. پولس به شرطی به قرن‌تس با خواهد گشت که آنها خود را از نفوذ و سیطره معلمان کذب خلاص کرده باشند. و آن زمانی که پولس به قرن‌تس مراجعت کند، **زهر معصیت انتقام** خواهد جست، او گناهکاران و گمراه کنندگان را مورد توبیخ تنبیه قرار خواهد داد و معلمان دروغین را از کلیسا اخراج خواهد نمود.

۷ بعضی از اعضای کلیسای قرن‌تس می‌گفتند که **از آن مسیح** هستند. آنها خود را از لحاظ ایمانی بالاتر از دیگران دانسته و با گفتن اینکه به مسیح تعلق دارند، دیگران را تحقیر کرده، ایشان را خوار می‌شماردند (اول قرن‌تیاں ۱:۱۲ را مشاهده کنید). این افراد پولس را نیز مورد حکم و قضاوت قرار می‌دادند و **به صورت ظاهری نظر** می‌کردند. پولس به آنها می‌گوید: «بر من حکم نکنید! ظاهر افراد مبنای خوبی برای قضاوت نیست!» پولس می‌گوید: **ما نیز همچنان از آن مسیح هستیم**.

در این آیه درسی بسیار مهم برای همه ما نهفته است. ما انسانها، فقط به دیدن ظواهر امر قادریم و بر اساس آنچه که مشاهده می‌کنیم، بر کرسی قضاوت می‌نشینیم. چه بسا که برادری را می‌بینیم و از آنچه که می‌کند و یا نحوه لباس پوشیدن، یا شیوه سخن گفتن او مورد پسند ما قرار نمی‌گیرد؛ آیا واکنش ما منفی خواهد بود؟ ممکن است بگوییم: «آن شخص مسیحی نیست! یا آنکه او آدم خوبی نیست!» با نگاه کردن به ظاهر آن شخص، فراموش می‌کنیم که او به مسیح تعلق دارد؛ که مسیح در قلب او است که او نیز روح‌القدس را دارد. پس بیایید که قضاوت نکردن را شعار زندگی خود قرار دهیم. برعکس

زمانی که خود را با عیسی مسیح مقایسه نکرده‌ایم، قادر به تشخیص اشتباهات و نارسایی‌های خود نخواهیم بود. و زمانی که خود را با عیسی مسیح سنجیدیم متوجه نقایص و کمبودهای خود خواهیم شد. تنها با سنجیدن خود با عیسی مسیح، فروتنی واقعی را تجربه خواهیم کرد.

۱۳-۱۴ پولس به خود **فخر** نمی‌کند. او **زیاده از اندازه فخر نمی‌کند** (آیه ۱۳). برعکس، او مراقب است که پا از **اندازه‌های** که برایش مشخص شده، بیرون نگذارد. او تنها در آن وظایفی که خدا برایش مقرر کرده است، افتخار می‌کند. وظیفه‌ای که خداوند برای پولس مشخص و مقرر کرده بود، موعظه انجیل به امتهای بود (اعمال ۱۵:۹؛ رومیان ۵:۱ را مشاهده کنید). پیرو انجام همین وظیفه بود که پولس به قرن‌تیاں رسیده بود.

۱۵-۱۶ پولس پای خود را از حد خود بیرون نمی‌گذارد و به کاری که خود انجام نداده است فخر نمی‌کند. او کار و موعظه و بشارت دیگران را به حساب خود نمی‌گذارد. پولس رسول به جایی می‌رود که پیش از او کسی پا ننهاده باشد (رومیان ۲۰:۱۵). پولس امیدوار است که قرن‌تس تبدیل به مرکز پخش و انتشار پیام انجیل به غرب اروپا گردد. ولی پیش از آن، مسیحیان قرن‌تس بایستی رشد کرده، زندگی بالغ روحانی را تجربه کنند. در غیر آن صورت، کلیسای قرن‌تس، قادر به پخش و صدور پیام انجیل به جهان نخواهد بود، و آنها هرگز نخواهند توانست که پولس را در خدماتش یاری رسانند. دلیل ناتوانی کلیسای قرن‌تس این است که مسیح هرگز قادر نخواهد بود که از کلیسایی که آلوده به گناه است، دچار چند دستگی شده است، یا آنکه دارای تعلیم غلط می‌باشد، استفاده کند.

۱۷-۱۸ پولس رسول در اینجا از ارمیای نبی ۲۴:۹ نقل قول می‌کند (اول قرن‌تیاں ۱:۳۱ را

مشاهده کنید).

باشد که به خود فخر نکرده، از خود تعریف نکنیم. زیرا که این کار افراد دنیوی و مغرور است. وانگهی، بیایید که در پی تعریف و تأیید از جانب دیگران نباشیم (یوحنا ۵:۴۴؛ ۱۲:۲۳ را مشاهده کنید). در عوض، بیایید که **در خداوند فخر کرده** و در پی آن باشیم که **خداوند را مدح** نماییم.

باب ۱۱

پولس و رسولان کذب (۱۱:۱-۱۵)

۱ **جهالت** پولس، در «تعریف و تمجید از خود» است. پولس اینک قصد دارد که راز دل خود را برای قرن‌تیاں بگشاید. معمولاً مردم از ترس اینکه مبدا «جاهل» قلمداد شوند، اینگونه در باره خود سخن نمی‌گویند. ولی پولس آنقدر قرن‌تیاں را دوست دارد که حاضر است برای آنها، از راز دل خود پرده برگیرد.

۲ کلیسا، عروس مسیح است (افسسیان ۵:۲۳-۲۷ را مشاهده کنید). از آنجا که پولس کلیسای قرن‌تس را پایه گذاشته بود، خود را به صورت پدر ایشان می‌دید (اول قرن‌تیاں ۴:۱۵). از این سبب، وظیفه پدری او ایجاب می‌کرد که دختر خود را مانند **باکره‌ای عقیفه به مسیح** (نامزد او) بسپارد. آرزوی پولس این بود که کلیسای قرن‌تیاں، تا زمان بازگشت نامزدش (عیسی مسیح) خود را پاک و عقیف نگاه دارد.

۳ ترس پولس از آن است که مبدا قرن‌تیاں، قدوسیت و پاکی خود را برای مسیح حفظ نکنند و آن را از کف بدهند. علت نگرانی پولس، وجود معلمان دروغین در کلیسای قرن‌تس بود. ایشان سعی در گمراه کردن اعضای کلیسا داشتند (آیات ۱۳-۱۵)، همان طور که در باغ عدن **ماربه مکر حوّا را فریفت** (پیدایش ۳:۱-۳).

۴ قرن‌تیاں، مثل دیگر یونانیان، دائماً مشتاق شنیدن تعلیمات جدید بودند (اعمال ۱۷:۱۸-۲۱ را مشاهده کنید). بنابراین، آنها به

از کلیسای قرن‌تیا ن دستمزد طلب نماید (اول قرن‌تیا ن ۱۴:۹). ولی پولس رسول خود زحمت کشیده کار می‌کرد و از حق خود چشم‌پوشی می‌نمود مبادا کسی او را به طمع متهم کرده بگوید که پولس برای نفع مادی بشارت می‌دهد (اول قرن‌تیا ن ۹:۱۲، ۱۵، ۱۸؛ اول تسالونیکیان ۲:۹؛ دوم تسالونیکیان ۳:۷-۹).

۸ کلیساهای دیگر، پولس را در خدمتش کمک و یاری می‌رساندند. پولس می‌گوید: **کلیساهای دیگر را غارت نموده، اجرت گرفتیم تا شما را خدمت نمایم.** پولس راغب به دریافت کمک مالی از آن کلیساهای نبود و این کار برایش مانند **غارت** کردن آن کلیساهای بود.

۹ حتی زمانی که پولس در قرنتس بود، از سوی کلیساهای مکادونیه (مخصوصاً کلیسای فیلیپیان) کمک دریافت می‌کرد، ولی از قرن‌تیا ن چیزی نمی‌گرفت (فیلیپیان ۴:۱۵-۱۶ را مشاهده کنید).

۱۰ اول قرن‌تیا ن ۱۵:۹ و تفسیر آن را مشاهده کنید.

۱۱ پولس محبت خود را به کلیسای قرنتس با پول نگرفتن از ایشان ثابت می‌کند. پولس می‌گوید که امتناع وی از این کار به دلیل عدم محبت او نیست. پولس می‌گوید: **خدا می‌داند!** که شما را دوست دارم!

۱۲ معلمان کذب قرنتس، در پی فرصت بودند که نامی برای خود کسب کرده مانند پولس با لقب و عنوان «رسول» خوانده شوند. آنها خواهان برابری با پولس و دیگر رسولان بودند. دلیل این جاه‌طلبی آنها این بود که آنها از کلیساهای به خاطر تعالیشان پول و شهریه دریافت می‌کردند و می‌خواستند پولس نیز از کلیساهای پول بگیرد تا اینکه آن کار آنها بد جلوه نکند! ولی پولس نمی‌خواهد **فرصتی** به آنها بدهد تا خود را با وی برابر کنند.

۱۳ آن معلمان دروغین مثل پولس نبودند. پولس از سوی مسیح و به توسط روح‌القدس

سادگی فریفته تعالیم مختلف شده، از آنچه که پولس به ایشان آموخته بود دور می‌شدند (دوم تیموتائوس ۴:۳-۴ را مشاهده کنید). ولی فقط یک مسیح است، و یک روح (روح‌القدس)، و یک انجیل وجود دارد. پولس دعا می‌کند که قرن‌تیا ن از پیروی تعالیم دروغ، مسیح‌های کذب، و ارواح (اول یوحنا ۴:۱-۳) کذب دست بردارند. پولس نمی‌خواهد قرن‌تیا ن از طریق انجیل حقیقی دور شوند (غلاطیان ۱:۶-۹ را مشاهده کنید). منظور پولس این است: قرن‌تیا ن معلمان دروغین را به راحتی **متحمل** می‌شدند و **می‌پذیرفتند**، و با این کار خود مرتکب خطایی جبران‌ناپذیر می‌شدند.

۵ در اینجا پولس بار دیگر، با طنز و کنایه معلمان کذب را **بزرگترین رسولان** می‌نامد (آیه ۱۳ را مشاهده کنید). در حقیقت، این معلمان **رسولان بزرگ** نبوده، بلکه رسولان دروغین بودند.

۶ پولس به روشنی و سادگی سخن می‌گفت. و از این جهت برخی از قرن‌تیا ن، او را بیسواد و **آمی** می‌شمردند و می‌گفتند که او از دانش و **معرفت** بی‌بهره است. در جواب به این اتهامات است که پولس می‌گوید: **هر چند در کلام آمی باشم، لیکن در معرفت نی، معرفت و حکمت پولس هدیه‌ای بود که از جانب خدا به وی عطا شده بود** (اول قرن‌تیا ن ۲:۴-۷ را مشاهده کنید).

۷ در زمان پولس، اغلب فلاسفه و معلمان، حقوقی از شاگردان خود دریافت می‌کردند (دوم قرن‌تیا ن ۲:۱۷). و از آنجا که پولس به خاطر تعلیمات خود پولی دریافت نمی‌کرد (او معاش خود را از راه خیمه‌دوزی تأمین می‌نمود)، دشمنانش این امر را دلیل «بی‌ارزشی» تعلیمات او تلقی می‌کردند.

از این سبب است که پولس با لحنی آمیخته با طعنه و کنایه می‌پرسد: **آیا گناه کردم که از شما دستمزد طلب نکردم؟** پولس کاملاً مختار بود که

نمی‌کند. بلکه او مانند شخصی جاهل (بی‌فهم) سخن می‌راند. پولس مانند آن معلمان دروغین سخن می‌گوید. این معلمان به خود فخر می‌کردند و به خود می‌بالیدند. در این قسمت، پولس رسول با توسل به شیوهٔ سخنرانی آن رسولان دروغین، و تعریف کردن از خود، هویت اصلی آن معلمان را آشکار می‌کند. از سوی دیگر، باید به خاطر داشته باشیم که هر آنچه پولس می‌گوید حقیقت دارد و او مانند آن معلمان کذب به دروغ متوسل نمی‌گردد.

۱۹ در اینجا پولس با لحنی توأم با طعنه با قرن‌تیاں سخن می‌گوید. پولس با تمسخر آنها را **فہیم** لقب می‌دهد زیرا قرن‌تیاں به سخنان هر معلمی توجه می‌کردند و **بی‌فہمان را به خویشی متحمل** می‌شدند. ولی حقیقت این بود که آنها «فہیم» نبودند زیرا که در پی هر تعلیمی رفته، هر سخن دروغی را قبول می‌کردند. و این، زیان روحانی به ایشان وارد ساخته بود.

۲۰ رسولان و معلمان دروغین، به وسیلهٔ تعلیمات غلط خود کلیسای قرن‌تس را به دام و اسارت ابلیس می‌بردند. با گوش کردن به تعالیم این معلمان، قرن‌تیاں **غلام شیطان** می‌شدند. این معلمان با تعالیم غلط خود، آزادی قرن‌تیاں را از ایشان می‌ربودند (غلاطیان ۱:۵ را مشاهده کنید).

از سوی دیگر، آنها با اخذ دستمزد، ایمانداران قرن‌تس را **فرومی‌خوردند** و مانند انگلی، از زحمت و دسترنج قرن‌تیاں امرار معاش می‌کردند. پولس می‌گوید که این عمل آنها مانند این است که **شما را بر رخسار طپانچه** (سیلی) می‌زند.

۲۱ در اینجا پولس رسول بار دیگر طعنه‌زنان می‌گوید **ما ضعیف بوده‌ایم** و نتوانسته‌ایم که مثل آن انبیای دروغین رفتار کنیم! پولس می‌گوید: «من مثل آن معلمان دروغین، قوی و با جرأت نبودم». پولس هرگز کلیسای قرن‌تس را مورد سوءاستفاده قرار نداده

فرستاده شده بود، حال آنکه آنها **رسولان کذبہ و عملہ مکار** بودند.

از زمان پولس رسول تا زمان حاضر، بسیاری انبیا و معلمان دروغین به کلیسا آمده‌اند و در میان جماعات ایمانداران رخنه کرده‌اند (مرقس ۱۳:۲۲؛ اعمال ۲۹:۲۵-۳۰؛ رومیان ۱۶:۱۷-۱۸؛ غلاطیان ۱:۷؛ اول تیموتائوس ۴:۱-۲؛ تیطس ۱:۱۰-۱۱ را مشاهده کنید). چطور می‌شود خود و کلیسایمان را از آفت این معلمان دروغین محافظت کرد؟ تنها راه محافظت خواندن و آموختن کلام خدا است.

۱۴ معلمان کذبہ، همکاران **شیطان** هستند. **خود شیطان ہم خویشن را به فرشته نور مشابہ** می‌سازد، و با این کار بسیاری را گمراه می‌سازد (متی ۱۵:۷ و تفسیر آن را مشاهده کنید).

۱۵ این انبیای کذبہ، مانند رهبرشان ابلیس، **خویشن را به خدآم عدالت مشابہ** می‌سازند. چگونه می‌توان به ماهیت اصلی آنها پی برد؟ با توجه کردن به ثمرات کار آنها! درخت را از میوه‌اش می‌شناسند (متی ۱۶:۷-۲۰ و تفسیر آن را مشاهده کنید).

در روز داوری، این معلمان و انبیای دروغین بر حسب اعمال بد و گمراه کننده‌شان مورد تنبیه و مجازات قرار خواهند گرفت (متی ۱۹:۷؛ دوم تسالونیکیان ۱:۸-۹ را مشاهده کنید).

پولس به رنج‌هایش فخر می‌کند (۱۱:۱۶-۳۳)

۱۶ پولس **بی‌فہم** نیست. ولی اگر قرن‌تیاں می‌خواهند او را به عنوان شخصی نادان و «بی‌فہم» تلقی کنند، مانعی ندارد. پولس در این آیه می‌گوید: «اگر فکر می‌کنید که من جاهل و بی‌فہم هستم، باشد، پس الان مانند یک فرد "جاهل" با شما سخن خواهم گفت و از خود تعریف خواهم کرد» (آیة ۱).

۱۷-۱۸ در این آیه، پولس رسول به طریقی که مسیح سخن می‌گوید، صحبت

خطای شمارش، قانون تورات را بشکنند. از این رو، آنها به دفعات مکرر، پولس را به ۳۹ ضربه محکوم کرده بودند!

عیسی مسیح به شاگردانش هشدار داده بود که تازیانه و شکنجه در انتظارشان خواهد بود (مرقس ۹:۱۳). خود پولس، پیش از ملاقات با مسیح قیام کرده، بارها در دستگیری مسیحیان و سپردن آنها به کنیسه‌ها جهت شلاق خوردن شرکت کرده بود (اعمال ۱۱:۲۶).

۲۵ یهودیان، متخلفین را با شلاق می‌زدند. رومیان، جهت مجازات متخلفین از **چوب** استفاده می‌کردند (اعمال ۱۶:۲۲). پولس از هیچکدام از آن دو بی‌نصیب نمانده بود!

یهودیان، دشمنان دین و گناهکاران را به وسیله سنگسار کردن اعدام می‌کردند (لاویان ۲۴:۱۶؛ اعمال ۷:۵۷-۵۸). شرح سنگسار شدن پولس را در اعمال ۱۹:۱۴ می‌خوانیم.

۲۶ پولس دائماً در خطر به سر می‌برد (دوم قرن‌تیاں ۴:۸-۹). توجه کنید که یکی از خطرانی که پولس بر می‌شمارد **خطرها در میان برادران کذب** است. متأسفانه بسیاری مسیحیان، این خطر دردناک را تجربه کرده‌اند! (مزمور ۵۵:۱۲-۱۴).

۲۷ در آیه ۲۶، پولس رسول خطرات بسیاری را برشمرده بود. اینک در این آیه، به ذکر بعضی از سختی‌هایی که تجربه کرده است می‌پردازد. با مطالعه این قسمت، متوجه عمق زحماتی که پولس رسول به خاطر خداوندش تحمل کرده است، خواهیم شد. پولس نه تنها به خاطر مسیح متحمل **گرسنگی و تشنگی** شده بود، بلکه **سرما و عربانی** را نیز تجربه نموده بود (اول قرن‌تیاں ۴:۱۱-۱۳؛ دوم قرن‌تیاں ۶:۴-۱۰؛ اول تسالونیکیان ۲:۹ را مشاهده کنید).

۲۸ علاوه بر این زحمات و شکنجه‌ها و خطرات جسمانی، پولس رنجی معنوی نیز تحمل می‌کرد و آن **ببار ... اندیشه برای همه کلیساها** بود. همانگونه که یک پدر دلسوز، نگران

بود و از آنها پول نگرفته بود؛ در نظر معلمان دروغین، این نشانه «ضعف» پولس بود!

پولس چنین ادامه می‌دهد: «اگر قرار بر این است که معلمان کذب به خود ببالند و از خود تعریف کنند، **من نیز جرأت دارم** به خود بالیده، از خویشتن تعریف کنم!» او می‌خواهد به قرن‌تیاں ثابت کند که آن معلمان دروغین، از او بهتر نیستند. از این جهت، پولس به همان طریق احمقانه آنان سخن خواهد گفت!

۲۲ معلمین دروغین به **عبرانی** بودن خود فخر می‌کردند. می‌گفتند به خاطر نژاد یهودی‌شان، روحانی‌تر از دیگران می‌باشند! پولس رسول می‌گوید که او نیز **عبرانی**، **اسرائیلی**، و **از ذریت ابراهیم** است.

۲۳ رسولان کذب ادعا می‌کردند که **خدای مسیح هستند** (آیه ۱۳). ولی آنان هرگز به اندازه پولس برای مسیح زحمت نکشیده بودند. پولس، رسول حقیقی مسیح بود، زیرا که او به خاطر مسیح زحمت بسیار دیده، شکنجه شده بود.

بر اساس آنچه در کتاب اعمال رسولان نوشته شده است، پولس رسول حداقل چهار بار به زندان افتاده بود (اعمال ۱۶:۲۳؛ ۲۹:۲۲؛ ۲۳:۲۳؛ ۳۵:۲۳؛ ۱۶:۲۸). برخی مورخین معتقدند که پولس جمعاً هفت مرتبه به زندان افکنده شده بود.

حکایت تازیانه خوردن پولس را در آیه ۲۴ و همچنین در کتاب اعمال رسولان ۱۶:۲۲-۲۳ می‌خوانیم.

پولس رسول بارها با مرگ روبرو شد، و دائماً با خطر جانی مواجه بود (اعمال ۱۹:۱۴؛ رومیان ۸:۳۶؛ اول قرن‌تیاں ۱۵:۳۰-۳۱؛ دوم قرن‌تیاں ۱:۸-۹ را مشاهده کنید).

۲۴ بر طبق قانون تثنیه ۲۵:۲-۳، مجرم را نباید به بیش از چهل ضربه شلاق محکوم کرد. به همین دلیل، یهودیان هرگز به کسی چهل ضربه شلاق نمی‌زدند، مبادا بر اثر اشتباه و

انجیل و بشارت به عیسی مسیح پرداخت. ولی قصد اولیه پولس جهت سفر به دمشق، دستگیر کردن مسیحیان بود! چه تغییر شگرفی! زمانی که پولس به سوی دمشق عزیمت می‌کرد، یهودی مغرور بود که قصد دستگیر کردن مسیحیان را داشت. ولی زمانی که از دمشق خارج می‌شد، مسیحی فروتن و ضعیفی بود که مخفیانه و به وسیله طناب و زنبیلی از بالای دیوار شهر به پایین فرستاده شد تا فرار کند! (اعمال ۹: ۲۵-۲۰).

باب ۱۲ رؤیای پولس و خار جسم (۱:۱۲-۱۰)

۲-۱ چهارده سال پیش از نگارش این رساله، پولس رؤیا یا مکاشفه‌ای از سوی خداوند دریافت کرده بود. آن مکاشفه یا رؤیا، چنان عجیب و استثنایی بود که پولس حتی قادر به وصف آن نیست! در شرح واقعه، از سوم شخص استفاده می‌کند: **شخصی را در مسیح می‌شناسم** (آیه ۲). ولی چون پولس در آیه ۷ می‌گوید: **و تا آنکه از زیادتى مکاشفات سرافرازی ننمایم، خاری در جسم من داده شد، فرشته شیطان، تا مرا لطمه زند، مبادا زیاده سرافرازی نمایم؛** می‌فهمیم که مقصود او از آن شخص، خودش است.

مکاشفه از این قرار بود: **چنین شخصی (پولس) که تا آسمان سوم ریبوده شد. آسمان سوم، در اصطلاح یهودیان، به مکانی اشاره می‌کند که حضور یا تخت خدا در آنست. بر اساس باور یهودیان همعصر پولس، «آسمان اول» همان آسمان و هوای بالای سر بود؛ و «آسمان دوم» شامل ستارگان و اجرام سماوی می‌شد. مشاهده می‌کنیم که بر طبق این طرز تفکر، «آسمان سوم» مکانی فراتر از آسمان و کهکشانشان و مکان حضور عیسی مسیح است که در آنجا بر دست راست خدا نشسته است**

آینده فرزندان عزیز خود است، پولس رسول نیز نگران حال فرزندان روحانی خود (کلیساها) بود. پولس نگران خطر آن معلمان و انبیای کذب‌های بود که مانند **گروگان درنده‌ای** در لباس میشها، به کلیساهای خداوند حمله می‌کردند (متی ۱۵:۷؛ اعمال ۲۹:۲۰ را مشاهده کنید).

۲۹ در این قسمت، بار دیگر پولس رسول، قلب دردناک خود را می‌گشاید. قرن‌تیاں مثل فرزندان پولس بودند. پولس با **ضعف آنان ضعیف** می‌شد و زمانی که شخصی **لغزش** خورده در گناه می‌افتاد، پولس در خشم و عصبانیت نسبت به لغزش دهندگان، **می‌سوخت!**

۳۰ پولس به قدرت و توان خود فخر نمی‌کند. برعکس، به آنچه که نشانه ضعف اوست (از قبیل، نگرانیها، دردها، صدمات، گرسنگی و تشنگی، عریانی و خطرات) فخر می‌کند!

پولس به کارهای خود فخر نمی‌کند. درست است که او گفت: **من بیشتر** (از دیگران خادم مسیح) **هستم، ولی همچنین گفت: به فیض خدا، آنچه هستم، هستم** (اول قرن‌تیاں ۱۵:۱۰). بعضی از مواقع، ما مسیحیان مجاز هستیم که به کارهایی که خدا در زندگیمان انجام داده است، فخر کنیم. ولی همیشه به یاد داشته باشیم که باید به آنچه که خدا کرده است، افتخار کنیم نه به آنچه که خودمان با قوت خود انجام داده‌ایم.

۳۱ دشمنان پولس در قرن‌تس ممکن است که به او تهمت دروغگویی زده بگویند که او متحمل آن همه زحمت و سختی نشده است. ولی پولس در اینجا خدا را شاهد می‌گیرد.

۳۲-۳۳ در این جا، پولس یک واقعه دیگر را به خاطر می‌آورد، و در این آیات به آن اشاره می‌کند. این واقعه مهمی در زندگی پولس بود. پولس به تازگی با مسیح قیام کرده در سر راه دمشق ملاقات کرده بود و به مسیح ایمان آورده بود (اعمال ۹: ۱-۸). پولس که پس از ورود به دمشق، تعمیم یافته بود، بدون تأخیر به موعظه

اموات، با اطمینان سخن گفت. پولس رسول نیز در باره جزئیات تجربه خود توضیحی نمی‌دهد: **انسان را جایز نیست به آنها تکلم کند.**

۵ می‌گوید: **از چنین شخص فخر خواهیم کرد.** پولس به مکاشفه خدا، افتخار می‌کند، ولی هیچ فخری به خود نمی‌کند: **از خود جز از ضعفهای خویش فخر نمی‌کنم** (آیات ۹-۱۰ را مشاهده کنید).

۶ پولس می‌توانست به کارهای مثبت خود فخر کند. پولس رسول حقیقتاً کارهای بی‌نظیری برای ملکوت خدا انجام داده بود و موفقیت‌های بزرگی کسب نموده بود. او کلیساهای متعددی را تأسیس کرده بود و عطایای بی‌شماری از روح‌القدس دریافت نموده بود. **آیات و معجزات و قوات** زیادی از سوی او پدیدار گردیده بود (آیه ۱۲). ولی هرچند تمام اینها حقیقت داشت و پولس از هر جهت مجاز به فخر کردن بود، ولی هرگز به اعمال خود افتخار نمی‌کرد، مبدا مردم به عوض آنکه خدا را جلال دهند به تعریف و تمجید از پولس پرداخته او را مورد تکریم و ستایش قرار دهند (دوم قرن‌تینان ۳:۵). پولس نمی‌خواهد نام خود را برافرازد و برای خود اسم و رسم پیدا کند. او تعلیم خداوندش را به یاد دارد که فرمود: **هر که خود را بلند کند، پست گردد و هر که خود را فروتن سازد سرفراز گردد.** (متی ۱۲:۲۳؛ لوقا ۱۴:۱۱).

۷ آنچه پولس **خاری در جسم** می‌نامد، در ارتباط با **فرشته شیطان** است. پولس به ما نمی‌گوید که آن خاری که در جسم داشت چه بود. ولی می‌توان نتیجه گرفت که فرشته شیطان باعث نوعی عذاب، بیماری و یا ناتوانی در زندگی پولس گردیده بود. برخی معتقدند که پولس از یک بیماری چشمی رنج می‌برد؛ برخی مفسرین می‌گویند که پولس به بیماری مالاریا مبتلا شده بود؛ و گروهی دیگر معتقدند که پولس به بیماری صرع و یا افسردگی روحی گرفتار بود. عده‌ای نیز گمان می‌کنند که این خار

(اعمال ۱:۱۰-۱۱؛ افسسیان ۱:۲۰ را مشاهده کنید). در این جهان‌بینی رایج در زمان پولس، آسمان سوم مکانی است که ایمانداران با عیسی مسیح تا به ابد زیست خواهند نمود.

پولس نمی‌داند که آیا در جسم و یا در روح به آسمان سوم (حضور خدا) رفته شده است. **۳-۴ فردوس** (آیه ۴) کجا است؟ در انجیل لوقا ۲۳:۴۳ و مکاشفه ۷:۲، نیز از **فردوس** ذکر به میان آمده است. بسیاری از مفسرین بر این اعتقادند که «فردوس» مکانی است که ایمانداران بلافاصله پس از مرگ به آنجا خواهند رفت. در آنجا، ایمانداران، بدون بدن و در روح منتظر روز آخر و قیامت جسمانی خود خواهند ماند. در آن روز، مسیح باز خواهد گشت و به ایشان بدنهای نو و قیامت کرده خواهد بخشید (رومیان ۸:۲۳؛ اول قرن‌تینان ۱۵:۴۲-۴۴؛ اول تسالونیکیان ۴:۱۶-۱۷ را مشاهده کنید). سپس، بعد از آنکه خدا به ایمانداران بدنهای نو بخشید، ما را به بهشت **آسمان سوم**، یعنی مکانی که در آنجا تا ابد با خدای پدر و پسر و روح‌القدس به سر خواهیم برد، و رهنمون خواهد شد.

به آیه ۴ توجه کنید، پولس رسول می‌گوید: **به فردوس رفته شد**، حال آنکه در آیه ۲ وی گفت: **تا آسمان سوم رفته شد**. در آیه ۲، پولس می‌گوید: **تا**، حال آنکه در آیه ۴ وی از کلمه اضافه به استفاده می‌کند. به نظر می‌رسد که پولس می‌گوید: او «به داخل» فردوس رفت ولی «تا نزدیک» آسمان سوم بالا رفته است. با استفاده از این آیات، بسیاری از مفسرین کتاب مقدس بر این اعتقادند که «فردوس» و «آسمان سوم» دو مکان مختلف می‌باشند.

ولی گروه دیگری از مفسرین معتقداند که «فردوس» و «آسمان سوم» هر دو یکی هستند و نباید بین آن دو فرقی قائل شد. کتاب مقدس، در مورد آنچه پس از مرگ رخ می‌دهد بسیار کم سخن می‌گوید و نمی‌توان در باره جزئیات عالم

در جسم، همان **ضعف بدنی ... و آن امتحان در جسم** بود که پولس در غلاطیان ۴: ۱۳-۱۴ به آن اشاره کرده است. باز دسته دیگری از مفسرین می‌گویند که این خار جسم پولس، حملات روحانی فرشته شیطان به پولس و وسوسه کردن او بوده است.

به یک معنا، خوب است که پولس در باره آن «خار» توضیح بیشتری نداده است! زیرا اگر به طور دقیق بدانیم که مشکل پولس چه بوده، ممکن است با خود بگوییم: «من که این مشکل را ندارم، پس این قسمت کلام خدا به من مربوط نمی‌شود!»

در حقیقت، تمام تعالیم پولس رسول بسیار مهم و قابل تأمل و مفید است، زیرا هر فرد مسیحی، به نوعی «خاری در جسم» دارد. یعنی هر کدام از ما به لحاظ بشر بودنمان، با نوعی ضعف، ناتوانی، و یا مشکل جسمانی و یا روحانی دست به گریبان هستیم. حُسن مهم این ضعفها و سختیها در این است که به ما یادآوری می‌کند که انسانی ضعیف و ناتوان بیش نیستیم، و ما را فروتن می‌سازد. خدا نمی‌تواند به راحتی از شخص خودنما و مغرور و ازخودراضی استفاده کند. لذا می‌بینیم که هر چند خدا پولس را به انواع عطایای روحانی و قابلیت‌های فکری و جسمی مجهز کرده بود، ولی در عین حال به جهت فروتن ساختنش، «خاری در جسم» او نهاده بود.

پس اگر خاری در جسم خویش داریم، از شکایت دست برداشته، به خاطر داشته باشیم که این سختی و مشکل به جهت بنای روح شخصیت ما داده شده است (عبرانیان ۱۲: ۱-۱۱). از بابت این خارها و سختیها است که قدرت خدا در زندگی ما به نمایش گذاشته خواهد شد (دوم قرن‌تیاں ۴: ۷ و تفسیر آن را مشاهده کنید).

پولس در اینجا می‌گوید که آن خار، **فرشته شیطان** بود، یعنی آن «خار» توسط شیطان در

جسم او قرار داده شده بود. ما می‌دانیم که شیطان قدرت این را دارد که مردم را به انواع مرضها مبتلا نماید (لوقا ۱۳: ۱۶). ولی هرگز فراموش نکنیم که شیطان همیشه تحت کنترل و قدرت مطلق خداوند قرار دارد. شیطان هرگز قادر نیست که بی‌اجازه خدا کسی را به بلا و یا سختی مبتلا نماید (ایوب ۱: ۶-۲۲؛ ۲: ۱-۱۰). ولی برای کسانی که خدا را دوست دارند، خدا همیشه بدی را به نیکویی تبدیل خواهد کرد (پیدایش ۳۷: ۲۸؛ ۴۵: ۸؛ ۵۰: ۲۰؛ رومیان ۸: ۲۸ و تفسیر آن را مشاهده کنید).

۱-۹ در باغ جتسیمانی، مسیح سه مرتبه دعا کرده گفت: **ای پدر من، اگر ممکن است این پیاله (مرگ بر روی صلیب) از من بگذرد** (متی ۲۶: ۳۹، ۴۲، ۴۴). آیا خدا جواب دعای عیسی مسیح را نداد؟ او جواب داد، ولی جوابش «بلی» نبود! خدا به همه دعاهای ما پاسخ می‌دهد، ولی ممکن است که جوابش مطابق میل و خواسته ما نباشد. جواب خدا به دعاهای ما بر اساس اراده و تشخیص اوست. او همیشه آنچه را که به نفع ماست به ما هدیه می‌کند. او بهتر از ما می‌داند که چه به نفع ما خواهد بود. پدر آسمانی ما همواره **چیزهای نیکو** را به فرزندان خود می‌دهد (متی ۷: ۹-۱۱). با این دیدگاه است که پولس خاری را که در جسم خود داشت هدیه خدا می‌داند.

آیا ایمانداران نباید برای دور شدن «خار» از «جسم» خود دعا کنند؟ بلی، دعا به جهت شفا و خلاصی کاری شایسته و مناسب است. ما می‌توانیم برای دور شدن «خار» از خدا استمداد کنیم، همانطور که پولس رسول چند بار دعا کرد. دعا برای بر طرف شدن آن مشکل و «خار» کاملاً مجاز و حتی ضروری است و چه بسا که خدا تعدادی از مشکلات ما را حل کرده، چندین «خار» را از جسم ما از بین ببرد. ولی همیشه یک یا دو «خار» را در جسم ما قرار خواهد داد تا ما را فروتن نگاه دارد. زیرا نتیجه فروتنی، اتکاء کامل

نگرانی پولس برای قرن‌تیا ن (۱۱:۲۱-۲۱)

۱۱ پولس می‌گوید: **بی‌فهم شده‌ام، شما مرا مجبور ساختید** به عبارت دیگر، او با این کار خود (فخر کردن و مدح خود را سرودن)، مانند اشخاص بی‌فهم و احمق عمل نموده است. ولی بی‌ایمانی قرن‌تیا ن و رغبت آنان به پیروی از رسولان دروغین که خود را **بزرگترین رسولان** می‌نامیدند؛ او را مجبور کرده بود که آنگونه از خود به تعریف و تمجید پردازد.

پولس در باره خود می‌گوید: **هیچ هستم**. پولس می‌داند که مردی ضعیف و ناتوان می‌باشد. با این وجود، می‌گوید: **از بزرگترین رسولان کمتر نیستم** (دوم قرن‌تیا ن ۱۱:۵).

۱۲ دلیل مهم اثبات رسالت پولس، پدیدار شدن **علامات رسول**، یعنی **آیات و معجزات و قوا ت** در زندگی و تعالیم پولس بود. علاوه بر این، وجود میوه موعظه پولس در زندگی کلیساها به ظهور رسیده بود دلیل دیگری بر اصالت خوانده‌شدگی و رسالت پولس بود (اول قرن‌تیا ن ۹:۲ و تفسیر آن را مشاهده کنید).

۱۳ کلیسای قرن‌تس شاهد معجزات و آیات بسیاری بود. به همین جهت، اعضای کلیسا باید بدانند که کلیسایشان توسط رسول حقیقی عیسی مسیح پایه‌گذاری گردیده است. آیات و علامات و معجزات و این حقیقت که کلیسا توسط رسول حقیقی مسیح بنیان نهاده شده است، باید مایه دلگرمی قرن‌تیا ن شده به ایشان یادآور شود که ایشان از کلیساهای دیگر چیزی کم ندارند. تنها کمبود کلیسای قرن‌تیا ن این است که مانند دیگر جماعات از پولس حمایت مالی به عمل نیاورده‌اند. با امتناع از قبول کمک مالی از کلیسای قرن‌تیا ن، اینک ایمانداران کلیسا در یک چیز **قاصر** بودند، و آن کمک نکردن به رسول خداست. اینک کلیسای قرن‌تیا ن قادر به فخر کردن به حمایت از پولس نیست؛ لذا او از کلیسا می‌خواهد که به خاطر **این بی‌انصافی**، عدم

به قدرت و حکمت خداوند خواهد بود.

مهم نیست که چه ضعیفی داشته باشیم، خدا همیشه به اندازه کافی به ما فیض و قدرت جهت انجام اراده‌اش را عطا خواهد فرمود (فیلیپیان ۴:۱۳). هر چه ما ضعیف‌تر باشیم، به همان اندازه قدرت خدا در ما بزرگتر و نمایان‌تر خواهد گردید (دوم قرن‌تیا ن ۴:۷). بنابراین پولس **به شادی بسیار در ضعفهای خود فخر** می‌کند (آیه ۵). بیایید تاهرگز به حکمت خدا شک نکنیم و از اوضاع خود شکایت ننماییم. برعکس، بیایید تا همیشه و در هر اوضاع مشکل و هر سختی، خدا را شکر گفته، به حکمت و قدرت خداوند اعتماد داشته باشیم (ایوب ۱:۲۱-۲۲).

۱۵ پولس نه تنها **ضعفها، رسوایی‌ها، احتیاجات، زحمات، و تنگیها** را تحمل می‌کند، بلکه می‌گوید: در آن شرایط سخت **در مسیح شادمانم**. پولس در عین آن شرایط سخت شادمانی می‌کند. چرا؟ زیرا زمانی که او در سختی و غم و مشکلات است، قدرت خدا در زندگیش آشکار خواهد شد. پولس می‌گوید: **چون ناتوانم توانا هستم**. پولس در حین مشکلاتش شاد و خوشحال است زیرا در میان این سختیها، **تسلی ما نیز بوسیله مسیح** افزوده می‌شود (دوم قرن‌تیا ن ۱:۵). پولس از مشکلات خود شادی می‌کند، زیرا به سبب آن **غمها حیات عیسی در بدن ما ظاهر خواهد گشت** (دوم قرن‌تیا ن ۴:۸-۱۰).

او می‌گوید: **بخاطر مسیح شادمانم**. بعضی ادیان تعلیم می‌دهند که رنج‌کشی و تحمل سختی‌ها ثواب عظیم در پی خواهد داشت. ولی پولس این سختی‌ها را بخاطر نفع و کسب اجر آخری تحمل نمی‌کند؛ بلکه او خواهان جلال دادن مسیح در همه چیز و هر وقت است. تنها اگر کارهایمان برای مسیح باشد و به خاطر محبت به مسیح و جلال دادن نام او سختی کشیم، آنگاه خدا ما را پاداش خواهد داد (متی ۵:۱۱؛ ۱۹:۲۹).

می‌گوید. مقصود پولس از نگارش این آیات پاک ساختن نام خود یا دفاع از حیثیت خویش نیست. بلکه او اینها را برای **بنای** قرن‌تیاں نوشته است.

۲۰ پولس می‌ترسد که در هنگام مراجعتش به قرن‌تس، آنها هنوز به بلوغ روحانی نرسیده باشند (اول قرن‌تیاں ۱:۳-۳ را مشاهده کنید). اگر رفتار قرن‌تیاں بهبود نیافته باشد، آنها چهره‌پراز خشم پولس را خواهند دید. زیرا که در آن موقع پولس با **چوب** به نزد ایشان خواهد آمد (اول قرن‌تیاں ۴:۲۱).

بیاید به فهرست گناہانی که پولس بر می‌شمارد نظر کنیم. آیا این گناہان در کلیسای ما دیده می‌شود؟ (مرقس ۷:۲۱-۲۳؛ غلاطیاں ۵:۱۹-۲۱ را مشاهده کنید).

۲۱ پولس به قرن‌تیاں فخر می‌کرد (دوم قرن‌تیاں ۷:۴). ولی اگر ایشان توبه نکنند و قلبهای خود را سخت سازند، بی‌شک خدا پولس را **فروتن** خواهد ساخت و پولس نزد خدا خجل شده، **ماتم** خواهد نمود. همانطور که اگر پسری به راه بد رود، والدینش سرشکسته خواهند شد، پولس نیز از گناہکاری قرن‌تیاں خجل و ماتم‌زده خواهد گردید.

باب ۱۳

گفتار پایانی (۱:۱۳-۱۰)

۱ در این قسمت رساله، پولس رسول آخرین هشدارها را به قرن‌تیاں می‌دهد. زمانی که پولس به قرن‌تس آید، او متخلفین و ناتوبه‌کاران را تنبیه خواهد کرد. در عین حال، او به اتهامات واهی گوش نخواهد کرد. او اتهامات بدون شاهد و دلیل را قبول نخواهد کرد **به‌گواهی دو سه شاهد، هر سخن ثابت خواهد شد** (تثنیه ۱۵:۱۹؛ متی ۱۶:۱۸).

هر کس که صحبت مدعی را تأیید کند شاهد محسوب نخواهد شد. شاهد عینی آن کسی است که مطلبی را با چشمان خود دیده باشد و

درخواست کمک از کلیسا، او را ببخشند!

۱۴ پولس رسول در نخستین سفرش به قرن‌تس، کلیسای آنجا را تأسیس کرد (اعمال ۱:۱۸). سفر دومش، توأم با ملاقاتی **باحزن** بود (دوم قرن‌تیاں ۲:۱).

پولس در پی کسب **مال** قرن‌تیاں نیست، وی می‌گوید: **خود شما را طالبم**، یعنی او خواهان قلب و ایجاد رابطه صمیمی و علاقه مشترک با قرن‌تیاں است. پولس پدر روحانی قرن‌تیاں است و مانند هر پدری خواهان کمک کردن به فرزندان خود است و در پی کسب منفعت از ایشان نمی‌باشد.

۱۵ وظیفه پدری ایجاب می‌کند که پدر، فرزندان را مورد محبت قرار دهد. در عین حال، هر پدری خواستار دریافت محبت از طرف فرزندان خود نیز می‌باشد. ولی حتی اگر فرزندان، قدرشناسی کرده محبت پدر را پاسخ ندهند؛ پدر، با قلبی شکسته و چشمی اشکبار، به محبت کردن فرزندان خود ادامه خواهد داد. پولس اینچنین محبتی به قرن‌تیاں داشت.

۱۶ پولس هرگز از کلیسای قرن‌تیاں پولی دریافت نکرده بود (دوم قرن‌تیاں ۱۱:۹). ولی دشمنان پولس به او **تهمت زده** او را **حیله‌گر** می‌خواندند. ایشان به پولس **تهمت زده** می‌گفتند که جمع‌آوری هدایا برای فحطی‌زدگان اورشلیم نیز یکی از حیله‌های پولس است. پولس در این آیه، با طعنه اتهامات دشمنان خود را تکرار می‌کند.

۱۷-۱۸ پولس، **تیطس و باوی برادری را فرستاد** تا قرن‌تیاں را به جمع‌آوری هدایا تشویق کند (دوم قرن‌تیاں ۸:۱۶-۱۸؛ ۹:۵). او از قرن‌تیاں می‌پرسد: «آیا تیطس و یا آن برادر، از شما اخاذی کرده، یا شما را مورد سوءاستفاده قرار دادند؟» پاسخ البته منفی است!

۱۹ پولس این آیات را برای دفاع از خود نمی‌نویسد (اول قرن‌تیاں ۴:۳). قاضی او عیسی مسیح است. وی **به حضور خدا در مسیح سخن**

یا سخنی را با گوش خود شنیده باشد. آن کسانی که بدون شنیدن و یا دیدن ماجرای، از شاکه طرفداری کنند **شاهد** محسوب نشده بلکه **بهتان** زده یا **نماهی** (سخن چینی) می‌کنند (رومیان ۱: ۲۹-۳۰؛ دوم قرنیتیان ۱۲: ۲۰ را مشاهده کنید).

نه تنها، شاهد باید خود به چشم موضوعی را دیده و یا با گوش خود سخنی را شنیده باشد، بلکه شهادت شاهدان بایستی هماهنگ بوده، خالی از ضد و نقیض باشد. اگر گواهی شهود با یکدیگر تفاوت داشته باشد، اتهام وارده را نمی‌توان اثبات کرد. همیشه این احتمال وجود دارد که شهود بر علیه شخصی هم‌دست شده باشند و جهت محکوم ساختن فرد ایمان‌داری، شهادت دروغ بدهند (مزمور ۱۲: ۲۷؛ مرقس ۱۴: ۵۵-۵۶؛ اعمال ۱۲: ۶-۱۳ را مشاهده کنید). اغلب شهود کذب‌های که بر علیه ایمانداران شهادت می‌دهند خود از اعضای کلیسا می‌باشند و اینها به کلیسا بزرگترین لطمه‌ها را وارد می‌آورند.

۲ پیشتر از این پولس هشدار داده بود که به مجرد آمدن به قرنتس، متخلفین و کسانی را که حاضر به توبه نباشند تأدیب خواهد کرد. اینک پولس به قرنتیان هشدار نهایی می‌دهد.

خدا به گناهکاران و ناتوبه‌کاران فرصت توبه و بازگشت می‌دهد، ولی خدا برای همیشه منتظر توبه آنان نخواهد ماند.

۳ قرنیتیان از پولس می‌خواستند که با ارائه مدرک و دلیل، رسالت خود را به آنها ثابت کند. در جواب این سخنان، پولس می‌گوید: «بسیار خوب، به شما ثابت خواهم کرد! اگر زمانی که به قرنتس آمدم شما را هنوز در گناه بیابم، آنگاه خواهید دید که مسیح اختیار و قدرت تنبیه کردن شما را به من بخشیده است! آنگاه خواهید دید که من واقعاً رسول مسیح هستم!»

۴ زمانی که مسیح بر صلیب جان می‌داد، ظاهراً ضعیف به نظر می‌رسید. ولی عیسی

مسیح، به قوت خدا، از میان مردگان قیام کرد و اکنون با قوت خدا زنده است و سلطنت می‌کند. به همین شکل، هر چند پولس رسول در ظاهر ضعیف می‌نماید، ولی او نیز با قوت خدا زندگی و خدمت کرده، با قوت خدا فرستاده شده است (رومیان ۵: ۶-۸؛ غلاطیان ۲: ۲۰). در ابتدای امر، پولس **در ضعف و ترس و لرزش بسیار به نزد** قرنیتیان آمد (اول قرنیتیان ۲: ۳؛ دوم قرنیتیان ۱: ۱۰). ولی اینک پولس آماده است که با **قوت خدا** به نزد آنان سفر کند!

اگر پولس امروز به کلیسای شما بیاید، چه خواهد یافت؟ رویه پولس رسول نسبت به کلیسای شما چگونه خواهد بود؟ آیا او با **چوب** به نزد شما خواهد آمد یا **با محبت و روح حلم**؟ (اول قرنیتیان ۴: ۲۱).

۵ ما مسیحیان، باید همواره خود و زندگی شخصی خود را مورد تفتیش و بازرسی قرار دهیم (اول قرنیتیان ۱۱: ۲۸ را مشاهده کنید). آیا خادمی امین و وفادار هستیم؟ پولس می‌گوید: **خود را امتحان کنید که در ایمان هستید یا نه؟** آیا ثمرات ایمان در زندگی ما مشخص است؟ آیا عیسی مسیح را در زندگی خود تجربه می‌کنیم؟ و یا اینکه در آن امتحان **مردود** می‌شویم؟ بایستی همیشه از خود اینگونه سؤال کنیم.

۶ ولی واقعیت تکان دهنده این است که به عوض آنکه خود را امتحان کنیم، برادر خود را مورد بازرسی قرار می‌دهیم! به جای آنکه به گناه خود دقت کرده، خطاهای خود را اعتراف کنیم، در پی دیدن گناهان برادر خود می‌باشیم! خود را «پاک» شمرده، برادر و خواهر را «خطاکار» قلمداد می‌کنیم. به خاطر داشته باشیم که این عمل ما گناه و تخلفی بس عظیم است!

۷ اگر مسیحیان قرنتس خود را امتحان کنند، خواهند دید که پولس نیز در آن امتحان **مردود** نیست. دلیل این اطمینان پولس از آنجا ناشی می‌شود که قرنیتیان ایمان خود را به خاطر موعظه پولس پیدا کرده‌اند. اگر آنها از امتحان

استفاده نمی‌کند. خادمین مسیح باید مراقب باشند که از قدرت خود سوءاستفاده نکنند. قوت رهبری و قدرت مسیح، برای استفاده شخصی به ما داده نشده است. تمامی قدرت از سوی خدا به ما داده می‌شود و باید برای کار خدا و به منظور خدمت به دیگران مورد کاربرد قرار گیرد (مرقس ۱۰: ۴۲-۴۵).

۱۰ هدف اصلی نگارش این رساله را در این آیه مشاهده می‌کنیم. انگیزه پولس از نگارش این رساله این بود که مسیحیان قرنیتس با خواندن آن، توبه کرده در خداوند بنا شوند.

بار دیگر می‌بینیم که چرا خداوند خادمین خود را به قوت و اقتدار مجهز می‌کند. **قدرتی که خداوند به جهت بنا نه برای خرابی به رهبران کلیسایش عطا کرده است، باید به جهت بنا به کار گرفته شود.**

سلامها و تهنّیات (۱۳: ۱۱-۱۴)

۱۱ **کامل شوید.** کامل شدن را هدف خود قرار دهید. این دعای پولس رسول برای قرنیتیان (آیه ۹)، و همه ما مسیحیان است. این حکم خداوند ما عیسی مسیح است، وی فرمود: **پس شما کامل باشید، چنانکه پدر شما که در آسمان است کامل است (متی ۵: ۴۸).**

... **یک رأی با سلامتی باشید** (رومیان ۵: ۵؛ اول قرنیتیان ۱: ۱۰ و تفسیر آن را مشاهده کنید).
۱۲-۱۳ منظور پولس از **جمیع مقدسین**، مسیحیانی است که به هنگام نگاشتن این رساله پیش او بودند (رومیان ۱۶: ۱۶؛ اول قرنیتیان ۱۶: ۲۰ را مشاهده کنید).

۱۴ بی‌شک این آیه یکی از مشهورترین آیات کتاب مقدس است. این آیه به سه «شخص» تثلیث واحد مقدس (پدر، پسر، و روح القدس) اشاره می‌کند. این سه یک هستند. پدر و پسر و روح القدس، سه جلوه از یک ذات بوده، در عین آنکه یک خدا بیش وجود ندارد، ولی در ذات خدا سه وجود متمایز و در عین

خود سربلند بیرون آیند، خواهند دید که موعظه پولس بر حق بوده است و پولس از سوی مسیح فرستاده شده است.

۷ پولس دعا می‌کند که قرنیتیان **هیچ بدی نکنند.** دعای پولس این است که اعضای کلیسای قرنیتس، توبه کرده، دست از اعمال بد خود برداشته، کلیسای قرنیتس از هر ناراستی پاک شود. اگر اعضای کلیسای قرنیتس، توبه کرده از راههای بد و ناسالم گذشته بازگردند، آنگاه پولس دیگر مجبور نخواهد بود که با قدرت و «چوب» آنها را تأدیب نماید. اگر پولس آنها را مورد تنبیه قرار ندهد، به نظر خواهد رسید که او هیچ قدرتی ندارد، یعنی او در مسیح نیست و قدرت رسالت ندارد. پولس می‌گوید: توبه کنید **تا ظاهر شود که ما مقبول هستیم؛** در غیر آن صورت پولس رسول **مردود** محسوب خواهد شد.

۸ اگر زمانی که پولس به قرنیتیان بیاید، راستی را در کلیسا استوار یابد، آنگاه موردی برای تنبیه کلیسا باقی نخواهد ماند. قوت و رسالت پولس برای مخالفت با **راستی** نیست، بلکه پولس رسول از قدرت خود به منظور مقابله با ناراستی‌ها استفاده خواهد جست.

۹ دعا و امید و آرزوی پولس این است که قرنیتیان **کامل** شوند. او امیدوار است که آنها در ایمان رشد کرده، به کاملیت روحانی برسند. اگر قرنیتیان رشد کنند و زندگی مقدسی در پیش گیرند، دیگر لزومی نخواهد داشت که پولس با اقتدار مسیح نزد ایشان آمده آنها را تأدیب کند. اگر آنها قوی شوند پولس مانند گذشته با ظاهری **ناتوان** و با دلی **شادمان** به نزد آنها خواهد آمد. از این سبب است که پولس می‌گوید: **شادمانیم وقتی که ما ناتوانیم و شما توانا باشید و برای این دعا می‌کنیم که شما کامل شوید.**

توجه کنید که پولس رسول، هرگز از قدرت خود به منظور حل و فصل مسائل شخصی

حال کاملاً واحد و هماهنگ وجود دارد. به چگونگی نگارش پولس توجه کنید. اولین و مهمترین نیاز بشر به **فیض عیسی خداوند** است. پس از آن، بشر نیازمند **محبت خداست**. و در آخر، **شرکت روح القدس** می‌آید. به یک معنا می‌توان گفت که تجربه مسیحی ما، به صورت زیر است: اول **فیض عیسی خداوند** را تجربه و دریافت می‌کنیم. سپس با دریافت بخشش گناهان و عدالت عیسی مسیح، **محبت خدا** را در زندگی خود تجربه خواهیم کرد. فقط

پس از دریافت فیض عیسی مسیح، به عمق محبت خدا پی خواهیم برد. پس از آن، حضور، وجود، قدرت، و **شرکت روح القدس** را در زندگی خود تجربه خواهیم نمود. باید مواظب بود که در زندگی روزمره خود این سه را از هم تفکیک نماییم. ما انسانها هر لحظه و هر آن به فیض عیسی مسیح، محبت خدا و شرکت روح القدس نیازمندیم.

فیض عیسی خداوند و محبت خدا و شرکت روح القدس با جمیع شما باد. آمین.